



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



درآمد کمی بر جایگاه مسجد

در تمدن اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

نویسنده:

عباس برومند اعلم

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه ناشر
۱۱	مقدمه
۱۴	تعاریف
۱۴	مسجد
۱۴	بررسی لغوی واژه مسجد
۱۷	بررسی اصطلاحی واژه مسجد
۱۹	تمدن اسلامی
۱۹	بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی
۱۹	بررسی اصطلاحی واژه تمدن اسلامی
۲۱	مسجد در صدر اسلام
۲۱	اشاره
۲۱	جایگاه مسجد در قرآن و سنت
۲۱	توضیح
۲۱	مسجد در آیات الهی
۲۸	مسجد در احادیث و روایات
۳۳	مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه
۳۳	قسمت اول
۳۹	قسمت دوم
۴۵	چگونگی تأسیس مسجد در مدینه
۴۵	اشاره
۴۵	مسجد قبا

۴۸	ورود به مدینه و مأموریت ناچه
۵۰	مشارکت عمومی در ساخت مسجد
۵۳	طرح بنای مسجد
۵۶	کارکردهای مسجد در صدر اسلام
۵۶	توضیح
۵۷	کارکرد دینی و تبلیغی
۶۵	کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی
۷۲	کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی
۷۲	کارکرد سیاسی
۷۳	۱- درالحکومه
۷۴	۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت
۷۵	۳- مجلس مشورتی
۷۷	۴- محل صدور فرمانهای حکومتی
۷۷	۵- محل انتصاب و اعزام کارگزاران و سفیران
۷۸	۶- محل پذیرش و ملاقات با سفیران خارجی
۷۹	۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران
۸۱	۸- محل انتشار اخبار مهم
۸۹	تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام
۸۹	اشاره
۹۱	سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن
۹۹	تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن
۱۰۴	اثرات جریان صفیه و خانقاه در کارکرد مساجد
۱۰۸	مسجد مهد هنر معماری اسلامی
۱۰۸	قسمت اول
۱۱۶	قسمت دوم
۱۲۲	سخن آخر

۱۲۴ ----- پی نوشتها -----

۱۲۴ ----- ۱ تا ۸۰ -----

۱۳۰ ----- ۸۱ تا ۱۷۷ -----

۱۳۷ ----- درباره مرکز -----

مشخصات کتاب

سرشناسه: برومند اعلم عباس عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی عباس برومند اعلم مشخصات نشر: تهران ستاد اقامه نماز ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: [۱۴۳] ص فروست: ستاد اقامه نماز؛ ۱۳۵.

آثار برگزیده سومین مسابقه جوانان نویسندگان و نویسندگان جوان ۱. شابک: ۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۳۰۹-۱۷-۱ یادداشت: چاپ قبلی: ستاد اقامه نماز، ۳۸۰ (فروست). یادداشت: کتابنامه ص [۱۴۳ - ۱۴۲]؛ همچنین به صورت زیرنویس عنوان دیگر: جایگاه مسجد در تمدن اسلامی موضوع: مسجد ها شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز رده بندی کنگره: ۱۳۸۰ BP۲۶۱ / ب ۴د۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۵ شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۹۱۰۴۷

مقدمه ناشر

نماز میدان فراخ و عرصه ی پهناوری است که روح و اندیشه انسان در آن وسعت می یابد و به گستردگی آن فرصت پرواز پیدا می کند. نماز به عنوان تجلی نهاد عبادی دین و نمود بندگی انسان مسلمان، در عصرهای مختلف میان نسلهای مسلمانان با قومیت ها، فرهنگ ها و جغرافیای متفاوت، پدید آور عالی ترین و فاخرترین نمونه های فرهنگی، هنری و معماری بوده است که خود بستر ظهور ماندگارترین حرکت های اصیل اسلامی، انسانی در حوزه های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد شده است.

با آن که در دورانهای مختلف، گرایش ها و باورها در معرض تعرض اندیشه های بیگانه و یا تحت فشار فرهنگ های مهاجم قرار گرفته و در رفتار و کردار و عواطف آحاد مردم تاثیر گذاشته است، اما هیچگاه شعله های اعتقاد و ایمان به خدا

و رهبران الهی در دل مردم افسرده نشده است و عالم هدایت و شعائر دینی در کانون های قدسی آن همچون مساجد و حرم های مطهر به خاموشی و خمودی نگرائیده است . در اوج فشار و هجوم ، رویشی تازه از ایمان و اعتقاد در میان مسلمانان مخصوصا نسل جوان آن پدید آمده است که بهاری مجدد را نوید داده و دوباره ، شکوفایی ، و رشد و حیات مجدد در سبزه زار حیات مسلمانی رخ نموده است .

در روزگار انقلاب اسلامی که پیر فرزانه ای آن را رهبری نمود. نسل جوان ، فریاد گران پرخروشی بودند که ندای توحید و عدالت و کرامت انسانی را در مصاف های مبارزه و درگیری با پیشوایان شرک و ظلم و بردگی سر دادند و در میدان مقابله با آنها با استعانت از نماز مقاومت کردند تا سرفرازی و فرازمندی انسان مومن به خدا را در برابر دیدگان مبهوتان قدرت طاغوتها به نمایش گذاشتند و نقاب از چهره اقتدار پوشالی ابرقدرتها بر گرفتند.

باز فهمی منشا این قدرت الهی در نسل انقلابگر دو دهه اخیر ایران اسلامی و بسط و توسعه آن در میان نسل دوم و سوم انقلاب و همچنین توده های مسلمان و محرومان و مستضعفان سایر نقاط دنیا از اهمیت ویژه ای برخوردار است . یقینا این باز فهمی نیازمند بازشناسی و آسیب شناسی جریان دینگرایی و دلدادگی به ارزشها و آرمانهای اسلامی و قرآنی است . پدیده بازگشت به دین در دوره رواج ارزشهای غربی و سلطه حاکمان دین ستیز نه این چنین است که معلول سخت گیری و دیکتاتوری آن دوره باشد، بلکه

بازگشت به دین ، رجوع به فطرت دینی و حاصل روشنگریهای دیر پای عالمان و اندیشمندان اسلامی بود که بذریع اعتقاد و ایمان را در فطرتها سیراب می ساختند. امروز نیز باز فهمی دین نیازمند بازشناسی و روشنگری و سیراب سازی اندیشه ها و جانها از آبخور زلال معارف اسلامی است . آمیختگی با خرافه ، دلدادگی به اسطوره و احساس سیرابی با هیجان و عاطفه ، نهاد دین و باور به آن را در معرض خطر پوسیدگی و از درون پاشیدگی قرار می دهد. اما تعقل و تدبیر در آموزه های دینی و الگو و اسوه قرار دادن پیشوایان معصوم (ع) و پاسخگویی به پرسشهای درونی و بیرونی به کمک اندیشه و فکر، حاکمیت نهاد دین را استحکام بخشید و دینداران را در مواجهه با شبهه و تردیدها تقویت می کند.

مسابقه نویسندگان جوان و جوانان نویسنده ، گامی در جهت آماده سازی مخاطبان جوان در میدان تدبیر و اندیشه و بازشناسی و باز فهمی راز قدرت انقلاب اسلامی در مواجهه با قدرتهای مادی جهان معاصر است . آنان در چنین مجالی فرصت می یابند توسن فکر خویش را در عرصه های مختلف به حرکت در آورند. به زوایای مختلف سر بکشند و با سر پنجه قلم ، گزارش کاوشهای علمی خود را بنگارند.

در سومین مسابقه نویسندگان جوان نیز انبوهی از جوانان نویسنده به فکر و تامل و تحقیق و پژوهش پرداختند و دریافت های خود را در قالب های متنوعی از نوشته ها و سروده ها به صورت کتاب عرضه داشته اند.

در این میان همت ما نیز بر این بود که همچون آینه دارانی سیمای

زیبای اندیشه و فکر جوانان دلداده زیبای مطلق را به همه دوستان زیبایی گفت و گو با او بنمایانیم . آن چه شما خوانندگان در این مجموعه می بینید ما به ازای تجلی آن جمال و برون داد این همت است . توفیق نمازیان را در گسترش فرهنگ بندگی پروردگار بندگان خواستاریم .

دکتر محمدیان معاون تحقیق و تالیف

مقدمه

و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (۱)

مسجد این خانه خدا در روی زمین ، نهادی است که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر بزرگوار اسلام در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی ، در مدینه بنیان نهاده شد و از همان آغاز همچون دین مبین اسلام ، جامع و همه جانبه بود.

مسجد که نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می شود از همان بدو تاسیس علاوه بر این که پایگاه دینی و معبد مسلمین به شمار می رفت ، نخستین کانون فعالیتهای سیاسی ، اجتماعی ، علمی و فرهنگی مسلمین نیز بود و پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم در این مکان استوار شد چرا که مقر حاکمیت پیامبر در آن قرار داشت و بعدها نیز اصول و مبانی دین اسلام از همین نهاد مقدس به مردم عرضه می شد.

بدین ترتیب مسجد که خود یک نهاد تمدن اسلامی بود به زودی ، به عنصر مادی و عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلام تبدیل شد و در تمدن سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه گسترده تمدن اسلامی جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی باز کرد به طوری که هر کجا و در هر

شهر و قریه ای که مسجدی وجود داشت ، آن منطقه جزء قلمرو فکری و فرهنگی و البته گاه سیاسی اسلام شمرده می شد.

مساجد با کارکردهای متعددی که داشت ، آن چنان در درون جامعه اسلامی نهادینه شد- مومنان آن را بر خانه های خویش ترجیح می دادند، در واقع ویژگی اصلی مسجد این بود که هم چون اسلام با همه شوون زندگی مردم سر و کار داشت و البته به همه آنها جهت الهی و دینی می داد و این با روح اسلامی نیز سازگار بود چرا که اسلام جوهره همه فعالیت‌های مسلمین در جامعه اسلامی را عبودیت می دانست .

این نهاد مقدس نیز همانند سایر نهادهای تمدن اسلامی و همچون خود تمدن اسلامی فراز و فرودهای فراوانی را طی کرد تا به زمان حال رسید، روزگاری در دوران صدر اسلام ، مسجد قلب تپنده امت و جامعه اسلامی و مقر حاکمیت و حضور بزرگترین فرستاده الهی (ص) و مرکز بی بدیل همه فعالیتها و امور جاری مردم بود، و مردم همه جهت گیری های خود را از آن اخذ می نمودند، پس از ارتحال نبی اکرم (ص) در دوران خلفای راشدین نیز اوضاع تا حدود زیادی به همین منوال بود، اما با به قدرت رسیدن بنی امیه ، و حاکمیت آنها بر جهان اسلام توأم با انحرافات و بدعت‌های فراوانی که در همه ابعاد اسلام اتفاق افتاد، تحولات فراوان نیز در کارکردهای مسجد آغاز گشت و این تحولات منفی به تدریج ادامه یافت تا جایی که در دوران حاکمیت بنی عباس و بعد از آن مرکز جامعه به حاشیه رانده

شد و اهم کارکردهای خود را از دست داد و دیگر نه پایگاه حاکم بود نه پایگاه حضور مردم ، این وضعیت تا دوران حال ادامه یافت و تلاشهای پراکنده و مقطعی برای احیای موقعیت آن نیز ثمری نداشت و اکنون ما وارث این روند تاریخی هستیم .

اما امروز شرایط متفاوت است و ما اگر- بخواهیم نمی توانیم نسبت به شرایط مساعد جامعه بی اعتنا باشیم ، امروز در قسمتی از جهان اسلامی انقلابی به پیروزی رسیده است که کانون جوشش آن ، مساجد بوده و حکمتی بر سر کار آمده است ؟ داعیه دار پایه گذاری نظامی مبنی بر احکام اسلام ناب است و الگوی این حکومت ، نظام حاکمیت پیامبر (ص) در مدینه النبی است و کدام نهاد در مدینه النبی مهم تر از مسجد و کدام مکان مرکزی تر و راهبردی تر از مسجد بود؟ و مگر می شود داعیه تاسیس حکومت اسلامی داشت و به بازگرداندن وضعیت مساجد به حال مساجد صدر اسلام نی اندیشید؟

مبنای ما در نگارش این نوشتار نیز همین بود؛ چرا که معتقدیم نمی توان بدون شناخت پیشینه و تاریخ یک موضوع و یا نهاد به احیاء آن پرداخت ، لازم است که ابتدا گذشته مسجد و فراز و فرودهای آن را بشناسیم تا با نگاهی روشن و اندیشه ای عبرت یافته وارد میدان شویم در جهت احیای مساجد اسلامی تلاش نماییم .

در این نوشتار پس از بررسی برخی مفاهیم مربوطه ، به بررسی موقعیت مسجد رد صدر اسلام و نحوه و علل تاسیس آن پرداخته ایم و سپس کارکردهای متعدد مسجد در صدر اسلام

را تبیین نمودهایم ، آن گاه به بررسی تحولات ساختاری در کارکردهای مسجد در دوران میانه تاریخ اسلام و بیان علل این تحولات پرداخته ایم ، آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این که در این نوشتار تلاش شده است ، حیت الامکان تبیین مطالب توأم با آوردن نمونه های تاریخی باشد تا مطالب مزبور مستند و قابل دفاع باشد.

آن چه که مسلم است این نوشتار همان طور که از عنوان نیز پیداست تنها در آمدی است بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی که نگارنده در حد بضاعت اندک خود آن را به رشته تحریر در آورده است و بدیهی است که مسجد و ابعاد آن عظیم تر از آن است که بتوان به متونی چون این متن اکتفا کرد و بلکه همت پژوهشگران برجسته ای را می طلبد تا هر چه بیشتر در روشن کردن این جایگاه در تمدن اسلامی بکوشند، در پایان لازم می دانم از ستاد محترم اقامه نماز و به ویژه معاونت محترم تحقیق و تالیف این ستاد که فرصتی را برای انجام چنین پژوهشهایی فراهم نمودند نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم .

وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

عباس برومند اعلم .

تعاریف

مسجد

این واژه که مبنایی ترین واژه در این نوشتار است از دو جنبه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می گیرد.

بررسی لغوی واژه مسجد

در بررسی لغوی و ریشه ای کلمه مسجد در کتب لغت معتبر نظرات نزدیک و مشابهی دیده می شود. ابن منظور در لسان العرب درباره مسجد می نویسد: مسجد و مسجِد: جایی است که در آن سجده می کنند و مفرد مساجد است . زجاج می گوید: هر جایگاهی که در آن عبادت کنند مسجد است . همانطور که پیامبر (ص) فرمود: جعلت لی الارض مسجدا طهورا... ابن اعرابی می گوید: مسجد به فتح جیم ، محراب و نماز گاه خانه هاست و مسجد به کسر جیم ، نماز گاه جماعات است و جمع آن مساجد است . (۲)

در تاج العروس نیز ذیل کلمه مسجد که از ریشه است چنین آمده است : مسجد به کسر جیم ، هر جایگاهی که در آن سجود کنند و در کتاب الفروق نوشته ابن بری آمده است که مسجد خانه ای است که در آن سجده می کنند و به فتح جیم موضع قرار گرفتن پیشانی است . (۳)

و با توجه به ورود این کلمه به زبان فارسی و استعمال کامل آن در این زبان در مراجعه به لغت نامه های فارسی نیز معانی ذیل برای مسجد به دست آمد: سر بر زمین نهادن ، محل و موضعی که در آن جا سجده کنند و هر محلی که در آن عبادت کنند و از آن جمله است اطلاق مسجد بر جامع و گویند مسجد با کسر جیم اسم است محل عبادت را، خواه در آن جا سجود بکنند یا

نکنند و هر گاه فعل و عمل آن مورد نظر باشد، جای عبادت مسلمانان ، خاه خدا، محل سجود، جای نماز خواندن ، خانه ای که برای گزاردن نماز سکنه کویی یا شهری سازند.(۴)

درباره علت نامگذاری محل عبادت مسلمین به این نام ، نظریاتی وجود دارد از جمله یک نظر آن است که در عبادتگاه مسلمین بزرگترین عبادتی که انجام می شود نماز است و این عبادت عظیم ترین عبادت و اولین فرع از فروع دین محسوب می شود و سجده نیز که در هر رکعت نماز دوبار تکرار می شود مهمترین و ضمناً بهترین و زیباترین رکن نماز است که نماد اوج بندگی مسلمین است که در نماز ظاهر می شود. بدین ترتیب این عبادتگاه که در آن مسلمین به صورت دسته جمعی هر روز بارها در آن به سجده می افتند و بر درگاه باری تعالی پیشانی بندگی می ساینند، مسجد یعنی محل سجود نامیده شده است .

دیدگاه دیگر که از یک روی کرد تاریخی نشات می گیرد می گوید: که مسجد معرب مزکت یا مزکت است که این کلمه از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است و اعراب نیز آن را به صورت مسجد به عبادتگاهی خود اطلاق کرده اند.

البته در این که سابقه این کلمه به پیش از اسلام بر می گردد تردیدی نیست و مساله در ریشه عربی یا غیر عربی آن است که به نظر می رسد ریشه غیر عربی آن صحیح تر باشد؛ چرا که سابقه استعمال این کلمه در خارج از جهان عرب وجود دارد. از آن جمله حضرت سلیمان (ع) که پس از ساختن

و این نام ارتباطی به دوره اسلامی و یا جهان عرب نداشته است . بعدها یهودیان بنی اسرائیل که پس از دوران اسارت بابلی ، زبان عبری را که زبان تورات است فراموش کرده و به زبان آرامی تکلم می کردند نیز این معبد را به همین نام یم شناختند.

اما روایت در کتاب سنن بیهقی دیده می شود که ظاهراً مضمون آن می تواند در تضاد با نظریه فوق باشد. در این روایت از قول ابوذر صحابی بزرگوار رسول خدا (ص) نقل شده است که گفت : به رسول خدا (ص) گفتم : یا رسول الله اولین مسجدی که در زمین ساخته شد کام است ؟ فرمود: مسجد الحرام . گفتم : سپس کدام مسجد؟ فرمود: مسجد الاقصی (۶)

بدین ترتیب اگر خانه کعبه از زمان احداث مسجد الحرام نامیده شده است و با توجه به تقدم ساخت آن بر مسجد الاقصی که در آن تردیدی نیست چرا که حتی اگر روایاتی که پیشینه این خانه را تا زمان خلقت زمین و یا زمان حضرت آدم و یا حضرت نوح به عقب می برد را نپذیریم در ساخت این خانه توسط حضرت ابراهیم (ع) به تصریح قرآن شکی وجود ندارد باید گفت که این کلمه ریشه عربی و بلکه ریشه آسمانی دارد و اولین با در میان اعراب استعمال شده است . و سپس یهود که از پیروان ادیان ابراهیمی محسوب می شوند با پیروی از حضرت ابراهیم کلمه مسجد را برای معبد خود برگزیده اند، البته نباید از نظر دور داشت که در قرآن هر

کجا سخن از ساختن خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم به میان آمده از لفظ بیت استفاده شده است .

بنابر این مشاهده می شود که نظر قطعی درباره ریشه تاریخی این کلمه وجود ندارد و نگارنده در حد بضاعت اندک خود احتمالات مختلف را طرح کرده است تا خود زمینه ای برای پژوهشی مستقل در این زمینه باشد.

بررسی اصطلاحی واژه مسجد

در بررسی اصطلاحی با توجه به این که روال بر این است که واژه مورد نظر در اصطلاح حوزه علمی مورد تحقیق بررسی می شود، طبیعی است که باید نگاهها را از گذشته تاریخی این کلمه برداشته و متوجه حوزه تمدن اسلامی کرد.

مسجد در تاریخ تمدن اسلامی اولین نهاد اجتماعی و سازمانی است که مستقیماً از سوی پیامبر اکرم (ص) و در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی پایه گذاری شد و تا مدتها قلب تپنده جامعه اسلامی و مرکز بی بدیل اجتماع مسلمین بود.

این نهاد در طول تاریخ تمدن اسلامی و نشیبههای متعددی را طی کرده است که بدون تردید درخشان ترین فراز حیاتش دوران صدر اسلام است . این مکان مقدس گرچه در ظاهر دچار تحولات شگرفی شده و گاه زینتهای آن به حدی بوده که با کاخهای پادشاهان برابری می کرده است ، اما در باطن هرگز تعریف اصیل خود که همانا قطعه زمینی پاک برای عبادت فردی و اجتماعی امت بود را از دست نداده و نخواهد داد.

مسجد قطعه ای کوچک یا بزرگ از زمین است که پس از نظافت ، تسطیح و پاکیزه کردن آن ، سمت قبله در آن مشخص می شود و به نماز اختصاص می یابد.

این قطعه زمینها گاهی دارای

دیوارند و گاهی بدون آن، با شن پاکیزه و با حصیرهای ارزان یا فرشهای گران قیمت فرش می شوند. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقفها، گنبدها و ماذنه های بزرگ بر پا میشود و گاهی نیز هیچ یک از اینها را ندارد. اما این در مسجد بودن آن تاثیری ندارد؛ زیرا یک مسجد ساده و معمولی نیز همانند عظیم ترین مساجد مکانی مقدس با ویژگیهای ممتاز است. (۷)

مسجد از همان ابتدای تاسیس تنها یک عبادتگاه مسلمانان نبود بلکه محل اجتماع عمومی و نشانه وحدت امت نیز به شمار می رفت. چنان که جامع نیز که به مسجد گفته می شود حکایت از همین اجتماع دارد و طبیعی است که در جایی که محل اجتماع مردم است صرفاً امور عبادی مطرح نیست بلکه همه شئون جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، قضایی، ارتباطی، تبلیغاتی و.. نیز مطرح می شود و لذا مساجد به ویژه در صدر اسلام کارکردهای متعدد داشتند. اما در مسجد یک راز نهفته بود و آن این که گرچه مسجد کارکردهای متعدد داشت، ولی با این همه این مکان، مسجد و محل عبادت بود و این جوهره همه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... امت مسلمان در راستای عبودیت بندگان برای خداوند است. شاید این اقدام را باید نوعی حرکت نمادین پیامبر (ص) و بلکه اسلام تلقی کرد؛ اگر بپذیریم جوهره جامعه اسلامی عبودیت است، می توان گفت: همه چیز از مسجد می جوشد و در جامعه سریان می یابد.

بدین ترتیب مسجد و تاسیس آن پاسخی بود به

یک نیاز؛ نیاز جماعتی که تمدنی جدید را مبتنی بر بینش الهی پایه ریزی می کرد و طبیعی است که در این مسیر نیازمند نهادهای جدیدی باشد که با نگرش خاص او به عالم و هستی مناسبت داشته باشد.

بینشی که دنیا را مزرعه آخرت و آبادانی اخروی را در گرو آبادانی دنیا و سعادت جاودانی را در گرو حیات اجتماعی پاک و الهی می دانست. بینشی که سلوک فردی محض را مردود و سلامت جامعه در همه عرصه ها را ضامن سلامت فرد می شمرد. مسجد با کارکردهای متعدد و متنوعی که داشت بهترین و مناسب ترین پاسخ به این نیاز بود.

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی در واقع بستر حرکت پژوهشی ما را تشکیل می دهد. چرا که ما در این نوشتار به دنبال بررسی جایگاه مسجد در تمدن اسلامی هستیم ، بنابراین این واژه مرکب نیز باید از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی

واژه تمدن اسلامی از آن جا که یک ترکیب است لذا مستقلا در لغت نامه ها، دارای معنا نیست بلکه هر یک از این واژه ها جای از یکدیگر دارای معنا می باشد. لذا ابتدا معنای لغوی تمدن را بررسی می کنیم ، سپس ترکیب آن را به صورت تمدن اسلامی ،

تمدن در لغت به معنای تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت ، در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه ، مجازا تربیت و ادب می باشد. (۸)

کلمه اسلامی نیز که به ثمن اضافه می شود در واقع یک وصف است و این ترکیب وصفی است یعنی تمدنی که متصف به اسلام است و بر اساس آن شکل گرفته است و بینش حاکم بر آن و در واقع روح فرهنگ آن ، محصول یک دین آسمانی به نام اسلام است .

بررسی اصطلاحی واژه تمدن اسلامی

با توجه به وجود تعاریف متعدد از فرهنگ و تمدن باید یک تعریف نسبتا کلی که تا حدودی جامع همه تعاریف دیگر باشد را مبنا قرار دهیم تا بر اساس آن بتوانیم تمدن اسلامی را نیز مورد بررسی قرار دهیم ، آن تعریف کلی عبارت است از این که تمدن وجه عملی و فیزیکی حیات بشری می باشد، در برابر فرهنگ که وجه نظری حیات بشری است .

در بیان معنای اصطلاحی تمدن اسلامی نیز با تکیه بر تعریف فوق برای تمدن باید گفت که تمدن اسلامی عبارت از آن دسته نمودهای عینی و فیزیکی است که در تمدن بشری با پشتوانه فرهنگ اسلامی به وجود آمده و یا بعضا تحولات

گسترده ای که در برخی نهادها و نمودهای عینی جامعه بشری با این پشتوانه پدید آمده است. این یک معنا اصطلاحی کلی برای تمدن اسلامی است. لذا برای فهم دقیق تر آن اندکی این معنا را شرح می دهیم.

اسلام به عنوان دین خاتم در منطقه ای ظهور می کند که در آن سابقه رشد نهادهای فرهنگی و تمدنی اگر ساقط نباشد، بسیار محدود است. اصولاً اعراب تمایل زیادی به تمدن گریزی یا تمدن ستیزی داشتند و این البته به علت حریت فردی بود که در گمان عرب بسیار قوی بود و تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند این آزادی فردی را از دست بدهند که البته این مورد بحث ما نیست. روایات و قرائن تاریخی که از اوضاع عرب دوره جاهلیت در دست است به ویژه از نواحی مرکزی عربستان حالی از یک نوع عقب افتادگی بسیار شدید است که انسان را شگفت زده می کند. باید توجه داشته باشیم که این در زمانی است که در نزدیکی جزیره العرب تمدنهایی مثل ایران و مصر و شامات و در فاصله ای دورتر تمدنهای هند و یونان بعضاً در اوج شکوه و تلالو خود به سر می برند.

در یک چنین بستری پیامبر اسلام (ص) ظهور می کند و رسالت را با خواندن آغاز می کند و درست از همان نخستین لحظات بعثت تاسیس نهادهای فرهنگی و تمدنی در دستور کار رسالت پیامبر قرار می گیرد و پس از آن نیز آن حضرت با پشتوانه فرهنگ آسمانی اسلام به جد شروع به تاسیس نهادهای مختلف فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی می کند

که همین نهادها پایه های اولیه تاسیس تمدن اسلامی را تشکیل می دهد.

شاید بهترین مثال از این نهادها مسجد باشد که با آن چه در تبیین مفهوم تمدن اسلامی گفته شد مناسبت کامل دارد. مسجد نهادی است که از بطن اسلام جوشیده است و کارکردهای متعددی نیز برای آن در نظر گرفته می شود. و البته مشابه مسجد موارد دیگری چون مفاهیم زکات و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را نیز می توان نام برد که همگی یا به وسیله اسلام تاسیس شده اند یا توسط اسلام اصلاح و متحول شده اند و با تکیه بر آنها می توان مفهوم تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار داد.

مسجد در صدر اسلام

اشاره

همان طور که اشاره شد بدون تردید درخشان ترین فراز حیات مسجد در طول تاریخ تمدن اسلامی متعلق به صدر اسلام است و در این دوره است که مسجد همه کارکردهای خود را بالفعل دارا می باشد و در جایگاه واقعی خود در جامعه اسلامی قرار دارد.

بدیهی است که اگر قرار است جایگاه مسجد در تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم ابتدا باید به سرچشمه مراجعه کنیم و جایگاه مسجد در صدر اسلام را بشناسیم تا در دوره های بعدی فراز و نشیبهای گوناگون این نهاد را با معیاری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. لذا در این فصل ضمن بررسی جایگاه مسجد در قرآن و سنت، نگاهی به چگونگی تاسیس و تثبیت این نهاد در جامعه مدینه انداخته و سپس تسری این سنت در سراسر جهان اسلام در دوره فتوحات را بیان نموده ایم.

جایگاه مسجد در قرآن و سنت

توضیح

قرآن و سنت به عنوان دو منبع اصلی و قطعی نزد همه مسلمین و همه پیروان مذاهب اسلامی مورد قبول است. و اساسا محتوای اسلام و پیام آسمانی این دین مقدس را از این دو منبع استخراج می نمایند. گرچه منابع دیگری نیز برای استخراج این محتوا مد نظر است، اما هیچ یک از آنها مانند قرآن و سنت از اجماع کامل در نزد عموم مذاهب اسلامی برخوردار نیستند.

لذا مناسب است که در آغاز بحث درباره مسجد در صدر اسلام نگاهی داشته باشیم به موقعیت و رتبه این نهاد مقدس دینی در آیات الهی و روایات تا با در نظر داشتن این موقعیت ممتاز بحث را ادامه دهیم.

مسجد در آیات الهی

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغو و الاصال (۹)

در خانه هایی خدا رخصت داده که آن جا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او

کنند.

مسجد جایگاهی است که خداوند آن را رفیع گردانیده است؛ تا به آن جایگاهی را که خداوند رفیع کرده است، چه کسی می تواند تضعیف کند و رفعت آن را چه کسی می تواند توصیف نماید.

و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (۱۰)

و مساجد مخصوص و از آن خداست پس نباید با خدا احدی را غیر او پرستش کنید.

در این آیه شریفه خداوند خطر نشان می سازد که مسجد متعلق به خداست و مفهوم این آیه با رجوع به روایاتی که در ادامه این نوشتار می آید و در آن تصریح می کند که مساجد خانه های

خدا در روی زمین است بهتر فهمیده می شود.

بدین ترتیب صاحب اصلی مساجد خداوند است که در آن جا میزبان بندگان مومنی است که برای عبادت او به مسجد می آیند و طبیعی است که چنین خانه هایی باید بزرگترین پایگاه توحید و یگانه پرستی در جامعه اسلامی باشند. پایگاههایی که در آن هر روز تئیدن نوبت به یگانگی خداوند و اصل توحید به عنوان مبنایی ترین رکن دین اسلام شهادت داده می شود تا تذکارتی باشد دائمی برای مومنین و بدین وسیله جامعه اسلامی همواره از پلیدی شرک مصون بماند.

و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین (۱۱)

و در هر مسجد و در هر عبادت روی به حضرت او آرید و او را از سر اخلاص بخوانید.

در همه مساجد تنها یک جهت معروف و شناخته شده است و آن جهت قبله است؛ یعنی سمتی که رو به سوی بیت الله، خانه کعبه و حرم امن الهی دارد. و همه مومنین نیز در مسجد به هنگام به جا آوردن اداب دینی و عبادی موظفند به همان سمت بایستند و وجوه خود را از هر سمت و جهتی به آن سو بگردانند و خالصانه خداوند را بخوانند و بر بندگی خود در برابر او تاکید نمایند و این یعنی این که جهت گیری عمومی مومنین و مسلمین، توحیدی است و در مسجد؟ پایگاه توحید جامعه است آن محسوس تر و بارزتر است. مومنین با این جهت گیری مشترک و با انجام دادن یک رفتار مشترک بر اتحاد و یگانگی جامعه اسلامی و امت مسلمان نیز صحه می گذارند.

تصور این

که هر روز صدها میلیون انسان مسلمان در سراسر جهان در مساجد جمع می شوند و همه به یک سو می ایستند و یک عمل را انجام می دهند بسی دشوار و در عین حال شکوهمند است . در واقع مساجد علاوه بر این که پایگاه توحیدند، پایگاه نمایش روزانه مفهوم امت واحده نیز هستند.

یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد (۱۲)

ای فرزندان آدم زینتهای خود را به هنگام حضور در مسجد و در هر عبادت به خود بر گیرید.

وقتی میزبان خداست که خود زیبا است و دوستدار زیبایی ، شایسته است که میهمانان نیز در خانه خدا پاکیزه و آراسته حضور یابند و بدین طریق خانه و صاحبخانه را تکریم نمایند.

روایات و احادیث متعدد درباره پوشیدن بهترین لباسها و استعمال عطر و حضور پاکیزه و آراسته در مساجد وارد شده است که در بخش بعید به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلوه واتى الزكوه و لم يبخس الا- الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين (۱۳)

منحصرا آباد کردن و تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است ؟ به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند. آنها امیدوار باشند؟ از هدایت یافتگان هستند.

طبیعی است همان طور که مومنین باید پاکیزه و آراسته باشند، مساجد خداوند نیز باید پاکیزه و آباد و معمور باشد.

البته باید توجه داشت ؟ آبادانی و ساختن مساجد به تصریح قرآن کریم منحصرآ باید توسط صالحین و مومنین راستین که فرمانبرداران واقعی خداوند هستند صورت

گیرد تا انفاس پاک آنان موجب رونق و آبادی معنوی مساجد نیز بشود و اثری از ریا و تظاهر و شرک و نفاق در آن باقی نماند. به همین منظور خداوند در آیه دیگری مشرکین و آن که ایمان واقعی ندارند را از تعمیر و ساخت مساجد منع می کند و اعمال آن ها را بیهوده و نابود توصیف می نماید.

ما کان للمشرکین این یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالكفر اولئک حبطت اعمالهم و فی النارهم خالدون (۱۴)

مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که به کفر خود شهادت می دهند. خدا اعمالشان را نابود خواهد گردانید و در آتش دوزخ آنها جاوید معذب خواهند بود.

و من اظلم ممن منع مساجد الله یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها اولئک ما کان لهم این یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم (۱۵)

و کیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد، منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید، چنین گروهی در مساجد مسلمین در نیایند جز آن که بر خود ترسان باشند، این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بسیار سخت .

این آیه در حکم اندازی دائمی برای همگان است که مبادا با منع مردم از مساجد و تخریب خانه های خدا در ردیف ستمکارترین و خوارترین مردم قرار گیرند. به عبارت دیگر این آیه به مانند حفاظی دائمی در طول تاریخ اسلام بوده است. و باعث مصونیت مساجد از تعدی افراد مختلف شده است .

گر چه کسانی که ایمانی

نداشته و یا کافر بوده اند از این مساله مستثنی بوده اند و به عذاب عملکرد خود گرفتار شده و خواهند شد.

و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا (۱۶)

اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه ها و دیوسیرتها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران می شد.

در این آیه شریفه یکی از فلسفه های تشریح جهاد در راه خدا که همانا حفاظت مساجد از ویرانی و پایداری ذکر و تسبیح خداوند در جامعه است بیان می شود. و مسلمین بدین طریق موظف می شوند که در راه خدا با ستمکارترین مردم که به تخریب مساجد و مقابله با مظاهر دین می پردازند جهاد کنند و این گونه دین خدا را یاری کند که یقینا یاری خواهند شد.

و الذین اتخذوا مسجدا ضارا و کفرا و تفریقا بین المومنین و ارضاد لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون لا تقم فیه ابدا (۱۷)

آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام بر پا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسمهای موحد یاد می کنند که در بنای این مسجد ما جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم خدا گواهی می دهد که محققا دروغ می گویند و تو ای رسول ما هرگز در مسجد آنها قدم

این آیه درباره مسجد ضرار نازل شده است و مهترین نکته ای که از این آیه استفاده می شود این است که اساسا مسجد دارای تقدس ذاتی نیست بلکه تقدس : در صورتی است - پایگاه توحید و در خدمت اهداف دین محل ذکر و یاد خدا و عبادت بندگان مؤمن خدا باشد. و گرنه اگر به جای اینها در خدمت تفرقه و نفاق باشد و برای تضعیف جامعه اسلامی و رخنه در صفوف امت مسلمان تاسیس شده باشد نه تنها تقدسی ندارد بلکه همچون بتکده باید نابود شود و از بین برود. همان طور که پیامبر اکرم (ص) چنین کرد و مسجد ضرار را به آتش کشید.

اما درباره مسجد ضرار و ماجرای تاریخی آن با توجه به این که در این نوشتار درباره این مسجد چیزی نیامده است ، لازم است در این جا به صورت خلاصه اشاره ای به این واقعه تاریخی بنماییم .(۱۸)

جمعی از منافقین مدینه در فاصله ای دورتر از مسجد پیامبر اقدام به ساختن مسجدی کردند که هدف اصلی آنها به تصریح قرآن کریم ، ایجاد تفرقه و جلوگیری از حضور مسلمین در صفوف نماز جماعت مسجد النبی بود. این جمع پس از ساخته شدن مسجد به نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و از ایشان خواستند که برای افتتاح مسجد در آن نماز بگزارد و هدف آنها این بود که با این اقدام به عملکرد خود مشروعیت داده باشند و اعتبار لازم را در نزد مسلمین از این رهگذر به دست آورند. اما پیامبر اکرم (ص) که آماده سفر برای غزوه بلوک بودند این کار را

به پس از بازگشت از این غزوه موکول فرمودند. در سفر بازگشت نیز این آیات بر پیامبر نازل شد و خداوند بدین وسیله پیامبر و مسلمین را از نیت منافقین آگاه نمود. پیامبر نیز دو نفر از اصحاب خود را فرستادند تا مسجد را تخریب نموده و به آتش کشیدند و این روایات تاریخی عبرتی شد برای مسلمین که به هر کاری که با ظاهر دینی انجام می شود اطمینان نکنند و مراقب نفوذ منافقین در صفوف خود باشند.

لمسجد اسس علی التقوی من اول من اول یوم احق ان تقوم فیه ، فیه رجال یحبون ان یتطهر وا و الله یجب المطهرین (۱۹)

همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر این که در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا مردان پاک مذهب را دوست می دارد.

این آیه شریفه نیز که به ضرورت اساس تقوا برای مساجد تاکید دارد به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا نازل شده است که پیامبر اکرم (ص) در نخستین روزهای ورود به مدینه آن را تاسیس نمودند؛ البته برخی نیز معتقدند که این آیه درباره مسجد النبی است که هر یک صحیح باشد در اساس تقوای آنها تفاوتی نمی کند.

به این ترتیب با بررسی آیاتی چند از قرآن مجید به عظمت جایگاه مسجد در کلام وحی پی بردیم . و اکنون جایگاه این نهاد مقدس را در احادیث و روایات مورد بررسی قرار می دهیم .

مسجد در احادیث و روایات

در جوامع روایی شیعه و سنی به حدی حدیث و روایات در عظمت جایگاه مسجد

و همچنین فضیلت نماز و عبادت در مساجد و تکریم اهل مسجد وارد شده است که بایستی دست به گزینش زد و اخباری را بیان نمود تا به صورت اجمال نسبت به جایگاه مسجد در سنت آگاهی پیدا کرد.

باید توجه داشت که این سخنان و احادیث از زبان کسانی نقل می شود که مسلمین در طول تاریخ به نام سنت همه تلاش خود را در تاسی به رهنمودهای آنها نموده اند و همواره به عنوان پیشوایان خود به آنها اقتدا کرده اند، بنابراین کاملاً طبیعی است که این تکریم و تعظیم بازتاب گسترده ای در میان مسلمین داشته و آنها را به توجه همه جانبه و حضور پیوسته در مساجد در طول تاریخ واداشته است .

در این بخش بیشتر به نقل احادیث و روایات اکتفا شده و کمتر توضیح و تفسیر داده شده چرا که احادیث خود گویاترین و رساترین بیان را دارا می باشند.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: دنیا مسجد محبان خداست و نماز گاه فرشتگان او (۲۰)

در تکریم و احترام خاصی که پیامبر اکرم (ص) برای مسجد قائل بوده اند چنین نقل شده است که : رسم رسول خدا (ص) بود که هر گاه از سفری بر می گشت ابتدا به مسجد می رفت و دو رکعت نماز می خواند. سپس در آن جا می نشست و مردم به دیدنش (۲۱)

می آمدند.

جناب شیخ صدوق در کتاب شریف من لا یحضره الفیه چنین روایت می کند: که در تورات ثبت و مقرر گردیده ، به راستی خانه های من در روی زمین همان مساجد است ، هلا فرخنده باد آن بنده ای

که در سرای خویش وضو سازد و مرا در خانه ام زیارت کند. البته که گرامی داشت میهمان بر صاحبخانه لازم و فرض است . حالا آنان را که در تاریکیهای شب گام برداشتن به سوی مساجد را پیشه ساخته اند. بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: خدواند تبارک و تعالی فرموده است : که همانا مساجد خانه های من در زمین است . می درخشند برای اهل آسمان همان طور که ستارگان برای اهل زمین می درخشند.(۲۲)

و نیز فرمود: در دنیا همچون میهمانان باشید و مساجد را خانه های خود بگیرید.(۲۳)امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: نشستن در مسجد در نزد من بهتر است از نشستن در بهشت ، چرا که در نشستن در بهشت خشنودی من است و در نشستن در مسجد رضایت پروردگارم .(۲۴)

در بحار روایت شده است که ابو بصیر گفت : از امام صادق (ع) از علت تعظیم مساجد پرسیدم ، پس فرمود: همانا امر به تعظیم مساجد برای این است که مساجد خانه های خدا در زمین است .(۲۵)

و نیز امام علی (ع) می فرماید: هر کس مسجدی را بزرگداشت و احترام کرد در روز قیامت پروردگار را خندان و شادان ملاقات می کند نامه عملش به دست راستش داده می شود.(۲۶)

در باب تحیت و احترام مسجد به هنگام ورود احکام و روایات فراوانی وارد شده است که در برخی از آنها از حق مسجد بر مومنین سخن به میان آمده است که از آن جمله پیامبر اکرم (ص) می فرماید: حق مساجد را

بدهید که آن دو رکعت نماز است قبل از این که بنشینید و یا هنگامی که یکی از شما وارد مسجد می شود ننشیند تا این که دو رکعت نماز به جا آورد. (۲۷)

درباره فضائل اهل مسجد و ثوابی که نصیب آنها می شود نیز احادیث فراوانی وجود دارد.

امام صادق (ع) فرمود: هر کس پیاده به سوی مسجدها گام بردارد، یا رو به مسجد رود، پاهای خود را بر هیچ تر و خشکی نگذارد، مگر این که برای او تسیح خداوند گویند تا طبقه هفتم زمین. (۲۸)

امیرالمومنین (ع) می فرمود: هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز به طرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برداری که در راه خدا مورد استفاده او باشد. یا طرفه دانشی که از زبده های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حق او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف خدا که در انتظار او بوده، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله ای که او را به راه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترک نماید، و یا آن که از سر شوم و حیا گناهی را ترک کند. (۲۹)

رسول خدا (ص) فرمود: هفت فرد را خداوند در سایه خود قرار می دهد روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست. امام عادل و جوانی که در عبادت خدا رشد کند و بزرگ شود و مردی که قلبش وابسته به مسجد است هنگامی که از آن خارج می شود تا این که بدان

امیر المومنین علی (ع) فرمود: برای همسایه مسجد نمازی نیست مگر در مسجد، جز آن که برای او عذر و علتی باشد، پس گفتند یا امیر المومنین همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس که صدای منادی را بشنود. (۳۱)

و نیز رسول خدا (ص) فرمود: هر گاه مردی را دیدید که عادت به حضور در مساجد دارد برای او به ایمان شهادت دهید. (۳۲)

و درباره آبادانی و ساختن و نیز پاکیزه کردن مساجد نیز روایاتی موجود است که از آن جمله :

امام باقر (ع) فرمود: هر که مسجدی بسازد اگر چه به اندازه لانه باشد، (۳۳) خداوند عز و جل برایش در بهشت خانه ای می سازد. (۳۴)

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: هر بنایی و بال صاحبش، در روز قیامت خواهد بود جز مسجد

و نیز فرمود: هر که در مسجدی از مساجد خداوند متعال چراغی افروزد، تا وقتی روشنایی آن چراغ در آن مسجد باقیست، فرشتگان و حاملان عرش الهی برای او طلب آمرزش کنند.

و در باب پاکیزگی مسجد فرمود: هر کس روز پنجشنبه و شب جمعه مسجد را برود و به اندازه سرمه ای که در چشم کنند از زباله آن جا بیرون برد خداوند تعالی او را بیامرزد. (۳۵) و مساجدتان را از ناپاکی و آلودگی حفظ کنید. (۳۶)

و از امام صادق (ع) نقل شده است که : سه چیز به خداوند متعال شکایت می کنند: مسجد خرابی که اهل (و همسایگانش) در آن نماز به پا نمی دارند، و عالمی که در میان جهال است و قرآنی که (در گوشه ای قرار داد) غبار بر آن نشسته است و آن را

اینها تنها گوشه ای از روایاتی است که در منابع روایی مذاهب اسلامی درباره فضیلت و عظمت جایگاه مسجد آمده است و اکنون با مشاهده این جایگاه می توان درک کرد که چرا مساجد این نهادهای مقدس جامعه اسلامی، در طول قرنهای متمادی همچنان اعتبار و ارزش خود را در میان مسلمین حفظ کرده است و چون نمادی استوار برای تمدن اسلامی دوشادوش تاریخ این تمدن حرکت کرده و به زمان ما رسیده است و یقیناً پس از این نیز چنین خواهد بود.

مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه

قسمت اول

پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت و ورود به شهر مدینه در نخستین گام در راستای تحقق حاکمیت خویش اقدام به تاسیس یک نهاد اجتماعی دینی نمود که مسجد نام داشت. گرچه نهاد نماز جمعه پیش از ساختن مسجد النبی پایه گذاری شد، اما اگر مبنا را ورود به حدود مدینه قرار دهیم باز هم ساخت مسجد قبا بر نماز جمعه مقدم است. با توجه به چنین تقدیمی که مسجد در نظام نوین مدینه دارا است جای این پرسش وجود دارد که چرا مسجد نخستین نهاد این نظام بود؟

در پاسخ به این سوال باید مباحثی چند را طرح کرد تا به اهمیت و ضرورت تقدم تاسیس مسجد بر هر نهاد دیگری پی برد.

با سپری شدن دوران دعوت در مکه و وقوع هجرت به مدینه فراز جدیدی از رسالت پیامبر اکرم (ص) آغاز می شود که در آن جهت گیری اصلی، بنیانگذاری یک نظام حاکمیت مبتنی بر تعالیم اسلام است. این جهت گیری که اولین نشانه های بارز آن را در جریان بیت عقبه ثانیه (۳۸) و

مفاد این بیعت می توان یافت ، حاکی از آغاز حرکتی بی سابقه در محیط جزیره العرب یعنی ایجاد دولت و حکومت متمرکز بود.

همانطور که قبلا نیز اشاره شد نواحی مرکزی جزیره العرب دچار عقب افتادگی تمدنی بسیار شدیدی بود که آن نیز از مدنیت گریزی و بلکه مدنیت ستیزی اعراب ناشی می شد. در چنین محیطی در طول تاریخ پیش از اسلام اثری از تشکیل یک حکومت و دولت مرکزی که اعراب از آن تمکین کنند مشاهده نمی شود. و جامعه شکسته عربی تنها شاهد نظام از هم گسیخته و غیر متمرکز قبیلگی در این نواحی است . با این وصف تجربه دولت مدینه نخستین تجربه در نوع خود در مرکز جزیره العرب محسوب می شود.

درباره این که چطور مردم یثرب آماده پذیرش چنین حاکمیتی شدند و چه عواملی آنها را به این سو سوق داد که حاکمیت پیامبر و بلکه پیش از پیامبر، ایجاد یک نظام سلطنتی در محیط یثرب را بپذیرند و از آن استقبال کنند، تحلیل‌های فراوانی وجود دارد که بحث درباره آنها در این مجال نمی گنجد.

آن چه که مهم است این است که تشکیل دولت نیازمند ابزارها و نهادها و سازماندهی اجتماعی است که در درون آنها روابط اجتماعی مردم و سامانه اقتصادی و سیاسی جامعه تبیین و در قالب این سامانه احکام دین یا شریعت اسلامی جاری شود، حال که چنین نظامی بی سابق است پیامبر باید از چه الگویی پیروی کند، آیا از نظامهای حکومتی امپراطوریهای روم و ایران تبعیت کند، یا این که نه در فاصله ای نزدیکتر به تقلید از نظام پادشاهی نجاشی عادل بردازد؟

اما پیامبر پاسخ منفی به این سوال را خود در اعتراض به یکی از اصحاب که از ایشان خواسته بود کمی وضعیت زندگی خود را بهتر کنند داده بودند آن جا که فرمودند: آیا پنداشته ای که این امارت و سلطنت است و نمی دانی آن چه من دارم نبوت است ؟

بدین ترتیب امکان تقلید از آنها منتفی بود گر چه باب اقتباس و استفاده از تجارب مفید آنان هرگز بسته تلقی نمی شد. بنابراین پیامبر باید الگوی جدیدی از حاکمیت و روابط حکومت شونده و حکومت کننده را ارائه می کرد، که این الگو هم با شرایط خاص اعراب جزیره العرب تناسب داشت و هم با جهان شمولی دعوت پیامبر اسلام و جهت گیری جهانی این دین آسمانی .

این الگو که پیامبر با تکیه بر وحی آن را ارائه نمود بر دو روی کرد و نگرش خاص اسلام به حیات اجتماعی نشأت گرفته از تفسیر عمومی انبیاء الهی و ادیان توحیدی از این حیات است . نگرشی که حیات اجتماعی را نه تنها منفک از حیات فردی نمی داند، بلکه کمال و سعادت فرد را در گرو سعادت و سلامت جامعه تعریف می کند. در این نگرش افراد جامعه به همان اندازه که در قبال سر نوشت و سعادت خود موجزند، درباره سرنوشت کلی جامعه نیز مسوولیت دارند. با این روی کرد دیگر تحصیل صرف کمال فردی نه تنها مطلوب نیست بلکه تلاشهای ریاضت گرایانه در این مسیر نیز مطرود و مذموم است . کمال انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است و هر یک بدون دیگری ناقص و یا اساسا نا

ممکن خواهد بود. بلکه کمال و تحقق آن، در بستر حیات فعال اجتماعی و گذر از درون مناسبات همه جانبه اجتماعی ممکن می شود.

بدین ترتیب: تفسیر کمال بشری بر بنیاد ضرورت تکاپوی فعال اجتماعی، طبعاً و جوب تلاش برای تاسیس نظام مطلوب اجتماعی را به عنوان بستر، زمینه و شالوده کمال فردی به دنبال می آورد. به همین دلیل، رسول خدا (ص) از همان آغاز دوره مدنی، دوره ای که به عکس عصر مکی سرزمین، قدرت، امت و قانون در آن مجتمع و مهیا بود، در قالب وحی و رسالت الهی به تاسیس نظام اسلامی پرداخت و در طول حیات خود در این دوره همه تلاشها را بر آن محور متمرکز ساخت. (۳۹)

با عنایت به این مبانی و شالوده های نظری نسبت به وجود انسان و غایت حیات فردی و اجتماعی او در آیین اسلام، می توان این نتیجه را گرفت که تمامی سامانه ها و نهادهایی که در نظام حاکمیت مدینه به کار گرفته می شد باید مناسبت تام با این مبانی می داشت و نهادها باید تامین کننده این نگرش خاص از حضور فعال مومنین در بستر جامعه در راستای کمال می بود.

اما رویکرد دیگر عبارت از نوع نگرش خاص پیامبر و اسلام به شیوه حاکمیت و نوع تعادل میان حاکم و مردم و در یک کلام نقش مردم در حاکمیت بود.

مردمی که در عرصه حیات اجتماعی آن چنان که اشاره شد مسوول و حاضر بودند، به طریق اولی در بحث حاکمیت نیز نقش ایفا می کردند. حکومت اسلامی مدینه متفاوت از حکومتهای رایج

آن روز شرق و غرب جهان بود. روابط در این حکومت دو طرفه بود و نه یک طرفه و طرفین در برابر هم مسوولیت داشتند، نه این که یک طرف حق محض باشد و طرف دیگر تکلیف محض آن چنان که در دستگاه حاکمه امپراطوریهای کسری و قیصر رایج بود.

درست است که بنیاد فلسفه سیاسی و اساس حاکمیت پیامبر را جایگاه نبوی او تشکیل می داد و مشروعیت او در نخستین شالوده و اصلی ترین آن بر حق حاکمیت الهی استوار بود، اما به گمان ما خساست که شباهت صوری این فلسفه سیاسی یا تئوکراسیهای شناخته شده در تاریخ فلسفه سیاسی را به معنی همسویی و هم معنایی آنها بدانیم. (۴۰)

تفاوت اصلی در این زمینه را باید در سه حوزه اصلی جستجو کرد که عبارتند از پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم و ویژگیهای حاکم روش اعمال حاکمیت .

۱- در باب پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم باید متذکر شد که گر چه همانطور که اشاره شد حق حاکمیت پیامبر یک حق الهی و ناشی از جایگاه نبوی وی می باشد؛ اما به فعلیت در آمدن این حق حاکمیت تنها با پذیرش مردم میسر است به عبارت دیگر؛ اصل بیعت ارادی آن هم بر بنیاد میثاق روشن و محتوای قرآن آشکار از پیوند دو سویه روابط حاکمیت و ملت در حکومت مدینه خبر می دهد. (۴۱)

بنابراین باید اذعان کرد که پایه مشروعیت اعمال حاکمیت پیامبر، رای و پذیرش مردم بود. در این جا برای این که از بحث اصلی خود دور نشویم به همین مقدار بسنده می کنیم و تنها اشاره می نمایم که در سیره

نبوی نیز این مقوله آشکار است. در مکه که خواست مردم در جهت تحقق این حاکمیت نیست اثری از تلاش پیامبر برای تحقق حکومت اسلامی مشاهده نمی شود و حتی رنگ و بوی آیات مکی نیز بیشتر رنگ بوی عقیدتی، اخلاقی و تبلیغی است. اما به عکس در مدینه از همان نخستین روزها و حتی پیش از هجرت در روش پیامبر نوعی جهت گیری حکومتی مشاهده می شود و آیات مدنی نیز بیشتر جنبه حقوقی، تکلیفی و اجتماعی یافته اند. چرا که اهل مدینه برای پذیرش حاکمیت پیامبر اعلام آمادگی کرده بودند.

۲- پیامبر به عنوان حاکم در مدینه به حکومت رویکردی در جهت اعمال حاکمیت شخصی خود ندارد. پیامبر در مدینه شالوده قدرت، حکومت و اعمال حاکمیت را ناشی از خداوند می داند. ولی نه به عنوان عطیه ای برای اعمال اراده شخصی خود. چنان که پیامبر در سیره سیاسی خود نشان می دهد، این حکومت برای اعمال و تحقق حقوق معین الهی در جامعه و میان امت است نه حقی خاص برای خود او در راستای خواسته های شخصی وی. به عبارت دیگر حاکمیت الهی پیامبر برای تحقق قانون الهی است؛ قانونی که مردم آن را به عنوان میثاق ملت و دولت با اراده خود پذیرفته اند. (۴۲)

با این اوصاف شاید بهتر باشد از لفظ حاکم استفاده نکنیم چرا که پیامبر حکمرانی نمی کرد بلکه احکام الهی را در جامعه پیاده می کرد بلکه از واژه دیگری استفاده نماییم و آن واژه امام است. پیامبر جامعه را امامت می کرد و این نوع از حاکمیت با قانون یا زور

و در جهت حفظ نظم و آرامش جامعه نبود، بلکه پیشوایی مردم بود با محبت و عشق در جهت هدایت و نیل به سعادت رابطه پیامبر به عنوان امام با مردم به عنوان امت در بررسی سیره آن حضرت در مدینه گواهی است بر صدق سخن ما.

قسمت دوم

پیامبر در رفتار و سلوک سیاسی خود نه برای خود و خانواده اش امتیازی قائل بود و نه میان خود و مردم تفاوتی قائل می شد. در اجرای همه احکام خود پیشقدم بود و دستورات را ابتدا از خود آغاز می کرد تا در عین حال نمونه و اسوه عملی جامعه نیز باشد. با مردم نشست و برخاست می کرد و هرگز خود را جدا از آنها نمی دید و در یک کلام مانند بندگان می نشست و مانند بندگان غذا می خورد و مانند بندگان زندگی می کرد و تا از این جهان رحلت فرمود چنین بود.

۳- روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز روشی کاملاً متفاوت و جدید در جهان آن روز بود. در این روش نقش مردم تنها به تشکیل حکومت و مشروعیت بخشیدن به اعمال حاکمیت محدود نمی شد. بلکه این نقش با تشکیل حکومت تازه آغاز می گردید و هر لحظه جدی تر می گشت .

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با تاسیس نهادهای متعدد روز به روز در جهت تقویت این نقش بر آمد و انجام وظایف اجتماعی و سیاسی برای مردم را نه فقط یک حق شهروندی بلکه یک تکلیف الهی می شمرد. به طوری که سرباز زندگان از این مسوولیت مورد مواخذه قرار می گرفتند. نهادهایی مانند مسجد که در ادامه بیشتر درباره

آن توضیح داده خواهد شد و زکات و جهاد و نماز جمعه و مهمتر از همه امر به معروف و نهی از منکر از این جمله اند. امر به معروف و نهی از منکر که با پشتوانه یک حق برای مومنین واجب شده بود، عالیترین سطح مشارکت اجتماعی در جهت نظارت عمومی و همه جانبه مردم در همه سطوح و ارکان جامعه از صدر تا ذیل را موجب شده بود و آن حق، مساله ولایت مومنین بر مومنین بود.

بدین ترتیب مشاهده می شود که روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز که دقیقا مبتنی بر حضور و مسوولیت مداوم مردم بود، روشی کاملا متفاوت و بلکه متضاد با الگوهای رایج در آن روز یا امروز جهان بوده و هست .

اکنون که تا حدودی با دو نوع نگرش خاص به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت در الگوی حاکمیت پیامبر در مدینه آشنا شدیم مناسب است بار دیگر به سوالی که در آغاز این بخش مطرح نمودیم باز گردیم و به آن پاسخ دهیم و آن این که ، چرا مسجد نخستین نهاد نظام حکومتی پیامبر در مدینه بود؟

در پاسخ به این سوال باید اذعان نمود که چنان رویکردی به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت مستلزم این است که نهادهای این نظام نیز در تناسب با این رویکردها باشند. پیامبر اسلام (ص) در نخستین گام برای تثبیت حاکمیت خود نیاز به یک مقر حاکمیت و پایگاه فرماندهی دارد. پایگاهی که مردم آن جا را به عنوان مرکز روحی ، فکری و سیاسی خود بشناسند. با توجه به نگرشهای مزبور آن مرکز نمی توانست

کاخ و قصر و دارالاماره باشد. آن مرکز نمی توانست ایوان مدائن یا شهر ممنوعه و یا تخت جمشید باشد، آن مرکز حتی نمی توانست مجلس سنا که در ظاهر رنگی از مشارکت مردمی ؛ مردمی که نه مشارکت اعیان و اشراف را داشته ، باشد. بلکه این مرکز باید پایگاهی می بود که در آن حاکم و حکومت شونده یک جا حاضر باشند و هر روز یکدیگر را ملاقات نمایند. حاکم در همان جا حکم کند و حکومت شونده همان جا اعتراض و استیضاح کند. حاکم و حکومت شونده همان جا با هم مشورت نمایند و با توجه به جهت گیری الهی این حکومت عبادات اجتماعی به امامت پیشوای جامعه نیز باید در همین مکان صورت گیرد. ابلاغ و تعلیم احکام الهی نیز در همین مکان به عنوان مقر حاکمیت دینی باید انجام شود و...

با توجه به این کارکردهای متعدد اساسا کدام نهاد بهتر و مناسبتر از مسجد را می توان نام برد. مسجد در عین این که معبد و جایگاه عبادت مسلمین بود همه کارکردهای سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، حقوقی ، تبلیغی ، ارتباطی و... را داشت .

به عبارت دیگر مسجد النبی از همان بدو تاسیس نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مسلمانان برای ادای فرائض دینی مورد استفاده بود، بلکه نخستین کانون فعالیتهای علمی ، سیاسی و اجتماعی نهضت جهانی اسلام نیز به شمار می رفت . در واقع پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان رسول خدا (ص) در این مسجد بنیانگذاری شد و اصول و مبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد.

به عبارت

دیگر مسجد الرسول (ص) برای جامعه اسلامی نوپا در حکم مسجد جامعی بود که ضمن آن که در آن نمازهای جماعت و دیگر آداب دینی برگزار می شد پیامبر و اصحابش در آن گرد هم می آمدند. هر که می خواست پیامبر را در آنجا ملاقات می کرد و پیامبر هر آن چه که می خواست به شخصه یا به وسیله یکی از صحابه به امتش ابلاغ می نمود و بدین ترتیب مسجد النبی مرکز روحی، فکری و سیاسی امت و رمز وحدت آنان بود. (۴۳)

با این وصف مسجد النبی باعث ایجاد عنصر مادی، امت اسلامی و مکانی برای تجمع و دیدار مسلمانان شد. و لذا مکملی برای عنصر قانونی و شرعی تشکیل امت گردید. (۴۴)

اکنون می توان ادعا کرد که ضروری ترین نهاد در جامعه مدینه مسجد بود که پیامبر به درستی آن را به عنوان نخستین نهاد در جامعه مدینه تاسیس نمود و بدین ترتیب با تشکیل حکومت اسلامی، پیامبر ادبیات سیاسی جدیدی را پایه گذاری کرد؛ ادبیات سیاسی که در آن حکومت کننده امام و حکومت شونده امت مقرر حاکمیت مسجد بود.

مسجد نماد اسلامی شدن شهرها در فتوحات

اکنون که دریافتیم که مسجد نخستین نهاد شهر مدینه بود لازم است به این نکته نیز اشاره نماییم که این نقش برای مسجد در تمامی دوران فتوحات حفظ شد و فاتحان مسلمان همواره به این سنت پیامبر تاسی می نمودند. هر کجا شهری بنا می کردند اولین بنای آن که نماد اسلامی بودن شهر محسوب می شد ساختن یک مسجد بود، آنهم در میانه شهر. آن چنان که در بصره و کوفه چنین شد. مسلمین

پس از پیروزی بر سپاه ایران در قادسیه ، بصره و کوفه را از این جهت که برای اقامت سپاهیان اردوگاه مناسبی بود ساختند. در زمان خلافت عمر به سال ۱۶ هجری عتبه بن غزوان ، بنیان بصره را آغاز کرد و کوفه نیز به دست سعد بن وقاص بنیاد گرفت ، بصره در آغاز کار به یک دهکده بیشتر شباهت داشت . نخست در آن جا مسجدی ساختند و پهلوی مسجد دارالاماره به وجود آمد و در اطراف آن هر ناحیه به قبیله ای اختصاص یافت که در آن مسجد و... وجود داشت . (۴۵)

درباره کوفه نیز که در سال ۱۷ هجری ساخته شد ابوالهیاج بن مالک اسدی نقشه خیابانها و کوچه ها را کشید و مسجد جامع را پی افکند و جلو آن را سایبانی بر ستونهای سنگی ساخت ، مسجد را وسط شهر قرار دادند و کوچه ها از آن آغاز می شد. (۴۶)

در زمان منصور عباسی سپاهی برای فتح مناطق سند گسیل شد که فرمانده آن سپاه هشام بن عمر و تغلبی بود. وی کشتی ها ساخت و آنها را به رودخانه سند انداخت و تا قندهار پیش رفت و آن را فتح کرد و اسیر گرفت و بد بتخانه را ویران ساخت و به جای آن مسجدی بنا نهاد. (۴۷)

به نظر می رسد که در سیره پیامبر علاوه بر آن چه درباره مسجد النبی در مدینه اشاره شد تاکیدات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و پیامبر خود نیز در سرزمینهایی که در طول حیات ایشان به جامعه اسلامی ملحق می گشت چنین عمل می فرمود و از این رو مسلمین با الهام گرفتن از

این سنت مؤکد نسبت به تاسیس مسجد در جریان فتوحات اهتمام ورزیدند. به عنوان نمونه در طبقات ابن سعد آمده است که پس از این که در عام الوفود، نمایندگان بنی حنیفه برای پذیرش اسلام از یمامه به مدینه آمده بودند به هنگام بازگشت پیامبر (ص) ظرف آبی به آنها داد که در آن مقداری از آب باقی مانده از وضوی آن حضرت قرار داشت و فرمود: چون به سرزمین خود رسیدید معابد خود را ویران سازید و به جای آنها از این آب بپاشید و همان جا مسجد بسازید و چنان کردند.

در توضیح علت این امر به نظر می رسد علاوه بر آن مطالبی که در بخش قبلی پیرامون ضرورت تاسیس مسجد به عنوان اولین نهاد در مدینه بدان ها اشاره شد و در این زمینه نیز صدق می کند، یک نکته بسیار اساسی دیگر نیز درباره شهرهای فتوحات وجود داشته است و آن این که مسجد نشانی از روح اسلامی بود و تسلط معنوی مسجد بر شهر باعث تذکر دائم ارزشهای اسلامی و غلبه معنویت بر روابط اجتماعی مردم شهر می گشت وقتی مساجد در وسط شهر ساخته و همه خیابانهای اصلی شهر به آن ختم می گردید، طبیعی است که مردم به صورت روزمره با آن نماد اسلامیت شهرشان ارتباط برقرار می کردند و این باعث می شد که روح ارزشهای اسلامی در جامعه زنده بماند و حال آن که اگر به مساجد توجه نمی شد و یا مرکزیت خود را در شهرها از دست می داد و به حاشیه رانده می شد چنان که در دوره های بعد این اتفاق

افتاد از تسلط معنویت بر شهرها خبری نبود، بدین ترتیب مساجد همواره نماد اسلامیت و حافظ روح اسلامی یک شهر در سراسر جهان اسلام به شمار می رفت .

چگونگی تاسیس مسجد در مدینه

اشاره

پس از وقوف به موقعیت مسجد، پرداختن به چگونگی تاسیس مسجد در مدینه با رویکردی تاریخی خالی از لطف نیست. لذا در این بخش به صورت مختصر به ساخت مسجد قبا و نیز مراحل مختلف تاسیس مسجد در مدینه اشاره شده است و از نحوه ورود پیامبر به مدینه و تعیین زمین مسجد و مشارکت عمومی پیامبر و مردم در ساخت مسجد و نیز طرح بنای مسجد که در مناسبت کامل با روح اسلام بود، سخن به میان آمده است .

بدیهی است که تفصیل این مراحل را باید در کتب معتبر تاریخی جستجو کرد و در این جا به تناسب این نوشتار صرفاً به اشاراتی اکتفا شده است .

مسجد قبا

لمسجد اسس علی القوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیہ رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین . (۴۸)

همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه تقوا محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر آن که در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا، مردان پاک مذهب را دوست می دارد.

این آیه به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا یعنی همان مسجدی که پیامبر اکرم پس از هجرت در نخستین روزهای ورود به حوالی مدینه آن را ساخت نازل شده است . مسجدی که اساس آن بر تقوا گذاشته شده و در آن مردانی حضور می یابند که خالصانه در صدد بندگی و تهذیب نفس هستند.

درباره ساخت این مسجد در کتب معتبر تاریخی چنین نقل شده است که : روز دوشنبه بود که رسول خدا (ص) در محله قبا وارد شد

و تا روز جمعه در قبا در میان قبیله بنی عمرو بن عوف ماند و در همان چند روز مسجد قبا را که نخستین مسجدی است که در اسلام بنا شده به دست خود بنا کرد. (۴۹)

مسعودی نیز در مروج الذهب با اشاره به تاریخ ورود پیامبر روایت مشابهی را نقل می کند و می نویسد: ورود پیامبر (ص) به مدینه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بود. وقتی به مدینه رسید در قبا بر سعد بن هیشمه فرود آمد و مسجد قبا را ساخت و روز دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه در قبا بود و روز جمعه چاشتگاه به راه افتاد. (۵۰)

بدین ترتیب اگر تاریخی که مسعودی نقل کرده است را بپذیریم ساخت مسجد قبا در فاصله دوازدهم تا شانزدهم ربیع الاول سال اول هجری صورت گرفته است. با توجه به این که پیامبر برای رسیدن علی (ع) که در مکه به موجب ماموریت‌هایی که داشت باقی مانده و سپس حرکت کرده بود، در قبا منتظر مانده بودند و می خواستند که با علی (ع) وارد مدینه شوند. پس از پیوستن ایشان به پیامبر (ص) در قبا به موجب برخی روایات، رسول گرامی اسلام (ص) مسجد قبا را با یاری علی (ع) بنا کرد. (۵۱)

البته با توجه به حضور برخی مسلمانان در قبا و در میان قبیله بنی عمر و بن عوف احتمال شرکت آنان در ساخت مسجد نیز وجود دارد. به هر حال پیامبر این مسجد را قبل از ورود به مدینه ساخت و البته پس از تغییر قبله به سوی کعبه پیامبر به همراه

جمعی از یاران به محل این مسجد آمدند و قبله آن را که به سوی بیت المقدس بود به سوی کعبه گردانیدند و همین امر موجب تعمیراتی در مسجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می کند که : چون قبله از بیت المقدس به کعبه پیامبر به همراه جمعی از یاران به محل این مسجد آمدند و قبله آن را که به سوی بت المقدس بود به سوی کعبه گردانیدند و همین امر موجب تعمیراتی در مسجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می کند که : چون قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر پیدا کرد پیامبر (ص) به محل مسجد قبا آمد و دیوار آن را در مین محل که امروز قرار دارد بنا نهاد و فرمود جبرئیل جهت قبله را برای من تعیین می کند و خود (۵۲) آن حضرت و یارانش برای ساختن آن مسجد سنگ حمل می کردند. (۵۳) پس از ای نیز پیامبر اکرم در تمام دوران مدینه احترام و تکریم خاصی از مسجد قبا می فرمودند و پیوسته مسلمین را به حضور و نماز گزاردن در این مسجد تشویق می نمودند و می فرمودند: هر کس به این مسجد من که مسجد قباست بیاید و در آن جا دو رکعت نماز گزارد با برخورداری از ثواب عمره باز می گردد. (۵۴)

علاوه بر این تشویق ها پیامبر خود نیز دائما در این مسجد حضور می یافتند و در آن اقامه نماز می فرمودند. به طوریکه ابن سعد چنین نقل می کند که پیامبر (ص) هر روز شنبه پیاده به مسجد قبا می آمد (۵۵) و اینها همگی حاکی از

منزلت و جایگاه ویژه مسجد قبا در نزد پیامبر بود. و شاید بتوان گفت که این مسجد در مدینه پس از مسجد النبی در رتبه دو اعتبار و اهمیت قرار داشته و دارد؛ مسجدی که به تعبیر قرآن کریم بنیان آن بر تقوای الهی نهاده شده است .

ورود به مدینه و ماءموریت ناقه

پیامبر اکرم (ص) در روز جمعه پس از چهار روز اقامت در قبا با همراهی علی بن ابیطالب (ع) در میان استقبال پرشور انصار که از مدتها قبل انتظار ورود آن حضرت را می کشیدند وارد مدینه شدند. مردم انصار طایفه به طایفه آمدند و هر گروه تقاضا داشتند، پیش آن ها فرود آید و مهار شترش را می گرفتند پیامبر مهار آن را می کشید و می فرمود: بگذارید برود که ماءمور است .

در این تدبیر دو نکته نهفته است ؛ اول اینکه مکانی که در آن مسجد النبی تاءسیس شد مکانی بود که توسط باری تعالی انتخاب شد حتی اراده پیامبر هم در این انتخاب نقش نداشت بلکه اراده الهی از طریق یکی از جنودش که ناقه باشد مکان مسجد النبی به عنوان پایگاه اسلام را تعیین نمود.

دیگر این که این تدبیر باعث شد که زمینه هر گونه سوء تفاهم میان طوایف مدینه از بین برود، طبیعی است که میزبانی از پیامبر افتخار بزرگی بود که اگر القاب پیامبر نصیب یکی از طوایف می گشت موجب آزدگی و ناراحتی دیگر قبایل می شد و همین مسأله در بدایت امر می توانست مشکلاتی را برای پیامبر و جامعه مدینه ایجاد کند بخصوص که یثرب همواره آبستن درگیریهای سنگین و سخت میان قبایل خود بود. اما

این تدبیر که ناقه ماءمور انتخاب منزلگاه پیامبر باشد همه را قانع کرد. چرا که آن را ناشی از مشیت الهی می دیدند و لذا همه نیز به جایگاه انتخابی رضایت دادند.

پس از این که ماءموریت ناقه به اطلاع رسید شتر مزبور همچنان بیامد تا به محله بنی مالک بن نجار رسید و در همان جایی که اکنون مسجد آن حضرت قرار دارد زانو زد و خوابید زمین مزبور متعلق به دو کودک یتیم بود به نامهای سهل و سهیل فرزندان عمر و که در تحت سر پرستی معاذ بن عفرأ زندگی می کردند و در آن زمین خرماهای خود را که از درخت می چیدند خشک می کردند. شتر رسول خدا در آن زمین خوابید ولی آن حضرت پیاده نشد، از این رو شتر برخاست. چند قدمی برداشت ولی مجدداً به پشت سر خود نگاه کرده به همان جای اول بازگشت و همانجا زانو زده خوابید. و گردن و سینه خود را نیز به زمین چسبانده. در این وقت رسول خدا (ص) از شتر پیاده شده پرسید: این زمین کیست؟ معاذ بن عفرأ پیش آمده عرض کرد: این جا متعلق به فرزندان یتیم عمرو، سهل و سهیل است که تحت سر پرستی من هستند و من آن دو را راضی می کنم تا آن را به شما واگذار کنند و شما در این جا مسجدی بنا کنید. (۵۶)

سخن درباره نحوه در اختیار گرفتن زمین در سیره به همین جا ختم می شود اما برخی منابع دیگر تأکید دارند که پیامبر به واگذاری زمین راضی نشدند و آن را از آن دو طفل خریداری نمودند. پیامبر (ص) آن

دو پسر بچه را خواست و پیشنهاد کرد آن قطعه زمین را برای ساختن مسجد بفروشند، گفتند زمین را برای مسجد می بخشیم و به شما می دهیم . رسول خدا (ص) نپذیرفت و فقط به خریدن از آنها قبول کرد. (۵۷)

درباره این زمین نیز که برای مسجد انتخاب شد نقلیهایی هست که پیش از ورود پیامبر به مدینه نیز نمازگاه مسلمین مدینه بوده است از جمله ابن سعد نقل می کند که آن زمین به صورت چهار دیورای بدون سقفی بود و قبله اش به جانب بیت المقدس بود که اسعد بن زراره آن را ساخته و با یاران خود آن جا نماز می گزارد. (۵۸)

نویری نیز همین نظر را تایید می کند و نقل می کند که زمینی که ناقه رسول خدا بر آن زانو زد همان موقع هم زمینی بود که گروهی از مسلمانان در آن جا نماز می گزاردند. (۵۹)

بدین ترتیب با مشخص شدن محل ساخت مسجد النبی پیامبر رسماً دستور ساخت بنای مسجد را صادر نمودند و بدین ترتیب نخستین مشارکت عمومی امت اسلامی در ساخت مسجد شکل گرفت .

مشارکت عمومی در ساخت مسجد

برای آغاز ساخت مسجد لازم بود که ابتدا زمین مزبور تسطیح شود و زوائد آن از بین برود. لذا پیامبر (ص) فرمان داد تا درختان خرما و درختان خاردار دیگری را که در آن زمین بود بریدند و خشت خام کردند و دستور فرمود تا چند گور را که از دوره جاهلیت در آن بود نبش کردند و استخوانها را در جای دیگر دفن نمودند، در بخشی از زمین آبی بود که آن را کشیدند تا خشک شد و مسجد

را بنیان نهادند. (۶۰)

نکته مهم در جریان بنیانگذاری مسجد، حضور فعال شخص پیامبر اکرم (ص) و کار کردن ایشان پیش و بیش از دیگران بود. به طوری که درخواستهای مکرر اصحاب مبنی بر این که آنها کارها را انجام می دهند و پیامبر به استراحت پردازند، اثری نداشت و پیامبر (ص) همچنان به فعالیت خودشان ادامه می دادند و طبیعی بود که این حضور موجب حضور جدی تر و پر شورتر اصحاب به تبعیت از پیشوای خود می شد.

ابن هشام در سیره به این موضوع اشاره دارد و می نویسد: پس از این که رسول خدا (ص) دستور بنای مسجد را در آن زمین داد ابتدا خود آن حضرت دست به کار ساختمان مسجد شد تا مسلمانان نیز ترغیب شوند و از همین رو عموم مهاجر و انصار در بنای مزبور شرکت جسته و کوشش بسیاری در اتمام آن کردند. (۶۱)

تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساختمانی هم از شوق آنان حکایت داشت و هم متاثر از مشارکت کاملاً فعال پیامبر بود. آنان می دیدند که رسول خدا (ص) نه تنها در موضع نظارت و هدایت ننشسته بلکه خود در کنار همه بلکه بیش از همه در ساختن بنا فعال است. از این رو هرگز روا نمی دیدند که بی دلیل در سایه ای بیارامند و شاهد تلاش و کار پیشوای خود باشند. (۶۲)

از جمله روشهایی که پیامبر و اصحاب در این کار سنگین برای حفظ روحیه به کار گرفتند زمزمه اشعاری با مضامین خوب و مطلوب بود که هم باعث ایجاد شادابی در محیط کار می گشت و هم باعث می شد که کمتر

خسته شوند. به خصوص که شخص پیامبر (ص) نیز به این کار اقدام نمودند و با زمزمه هایی حتی انصار و مهاجرین را دعا می کردند و این خود بر شوق آنان می افزود.

از جمله زمزمه هایی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است این که :

اللهم لا عيش الا عيش الاخره فاغفر للانصار و المهاجره هذا الحمال لاحمال خيبر هذا ابر ربنا و اطهر

پروردگارا، زندگی جز زندگی آن جهانی نیست . خدایا انصار و مهاجران را بیامرز. و نیز این بیت : اینها بارهای پر برکت است نه بارهای خیر، آری سوگند به پروردگار ما، این نیکوتر و پاک تر است. (۶۳)

و علی بن ابیطالب (ع) نیز این ابیات را می خواند:

لايستوى من يعمر المساجدايداب فيه قائما و قاعدا و من یری عن الغبار حائدا

کسانی که با کوشش و جدیت در هر حال به ساختمان مسجد اقدام می کنند با کسانی که روی خود را از غبار و خاک می گردانند مساوی و یکسان نیستند. (۶۴)

بدین ترتیب نخستین و در عین حال یکی از زیباترین جلوه های مشارکت عمومی مسلمین در ساخت مسجد مدینه به نمایش گزرده شد و جامعه مدینه شاهد آغاز نوع دیگری از مشارکت فعال و آگاهانه اقشار مختلف مردم از طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی در کنار هم در راستای هدفی الهی و اجتماعی بود و این روند در طول دوران حیات پیامبر در عرصه های مختلف نمود داشت و الگوساز بود.

در پایان سخن پیرامون چگونگی ساخت مسجد مدینه ، در یغمان می آید که از صحابی پاکبخته رسول خدا (ص) عمار سخن به میان نیاوریم که

به گواه منابع معتبر تاریخی نخستین کسی بود که برای ساخت مسجد دست به کار شد و بیش از همه در این راه تلاش کرد و زحمت کشید. و به همین دلیل پیامبر نیز وی را مورد ملاحظت ویژه قرار دادند و او را پوست میان دو چشم خویش خواندند. اتفاقاً خیر شهادت عمار به دست گروه باغی را نیز در همین جا به وی ابلاغ فرمودند. در سیره ماجرا چنین نقل شده است که عمار نخستین کسی است که اقدام به ساختمان مسجد کرد، عمار در کار ساختمان مسجد بیش از دیگران زحمت می کشید و خشت برای بالا بردن دیوار حمل می کرد. روزی آنقدر خشت بر پشتش بار کردند که به رسول خدا (ص) عرض کرد:

اینان امروز مرا کشتند. بارهایی از من کشیدند که خود یارای کشیدن آن را ندارند.

رسول خدا (ص) که این سخن را از عمار شنید، دست خود را به موهای سر عمار که گرد آلود شده بود کشید و فرمود: ای فرزند سمیه، اینان کشنده تو نیستند.

بلکه کشنده تو گروه متجاوز و ستمکار است. (۶۵)

طرح بنای مسجد

باید گفت طرح بنای مسجد طرح منحصر به فرد بود و هیچ نشانی از تقلید از بناها و ساختمانهای دیگر و حتی عبادتگاهها و معابد سایر ادیان در آن مشاهده نمی شد. به طوری که وقتی در طرحی که پیامبر در ساخت مسجد اجرا کرد تامل می کنیم وضوح، اصالت و تطابق کامل این طرح با روح اسلام ما را به تعجب و امیدوار می دارد. بی شک پیامبر طرحهایی کلی از شکل کلیساها و کنیسه ها در اختیار داشته است

و دست کم در سفر دومی که در سن ۲۴ سالگی با سرمایه خدیجه (س) به شام رفت کلیاتی از آن در ذهنش وجود داشت . اما در بنای مسجد هیچ یک از این طرحها تاءثیر نداشته ، و هیئت و طرح آن تنها برگرفته از روح اسلام بود.(۶۶)

گزارشهای تاریخی موجود از جمله گزارش ابن سعد از طرح بنای مسجد گواهی بر صدق این گفته هاست .وی در باب ساختمان مسجد می نویسد: طول آن از محل محراب تا آخر مسجد صد ذراع و عرض آن هم همچنان و مسجد مربع بود و برخی گفته اند کمتر از صد ذراع بوده است . پایه های اصلی را به اندازه سه ذراع با سنگ بنا کردند و بقیه را با خشت خام ...و سه در برای آن قرار دادند.دری در آخر مسجد و دری دیگر که آن را در رحمت نامگذاری کردند و در سوم مخصوص آمد و شد رسول خدا (ص) بود، تمام دیوارها ساده بود و تنه درختان خرما را ستون قرار دادند و آن را با شاخ و برگ خرما پوشاندند.به پیامبر (ص) گفته شد: آیا برای مسجد سقف نمی سازی ؟

فرمود: نه سایبانی چون سایبان موسی (ع) کافست ، مقداری چوبهای کوتاه و برگ . اجل شتابان تر از این است . (۶۷)

در واقع از آن جایی که اسلام دینی ساده و روشن است و تنها جاده ای است میان عبد و خالق ، بنابراین مسجد پیامبر (ص) نیز مکانی است پاکیزه که بنده با آفریدگار خویش ملاقات می کند؛ قطعه تمیز و مسطح و پاکیزه از زمین

که دیواری محیط بر آن (۶۸) است .

علاوه بر روح سادگی اسلام که بر مسجد مدینه حاکم بود یک مساله اساسی دیگر وجود داشت و آن ضرورت اصالت مسجد در اسلام بود. برای پیامبر حفظ استقلال و اصالت اسلام و نمودهای آن مساله ای اساسی بود و ایشان با حساسیت خاصی از این امر مراقبت می نمودند. نمونه این امر را در جریان تغییر قبل شاهد هستیم که پیامبر (ص) به شدت مایل بودند که قبله اسلام مستقل از قبله یهود باشد و قرآن نیز به این تمایل اشاره دارد. بدیهی است که اصالت مسجد اگر مهمتر از استقلال قبله نباشد کم اهمیت تر نیست . بنابراین ساختمان مسجد به عنوان نهاد دینی و اجتماعی اسلام باید نشانگر هویت مستقل اسلام می بود و لذا در طرح بنای مسجد مدینه کمترین نشانی از تقلید و اقتباس از معابد یهود و مسیحیت دیده نمی شود.

این سادگی و اصالت در تمام دوران صدر اسلام حفظ شد. در زمان ابوبکر هیچ تغییری در مسجد داده نشد و در زمان خلیفه دوم نیز صرفاً بر وسعت و تعداد درهای آن افزوده شد و آن نیز ناشی از افزایش جمعیت مسلمین و کثرت زائران دیگر بلاد به ویژه در ایام حج بود. تنها در زمان عثمان مسجد اندکی تغییر کرد. وی در سال ۲۹ هجری قمری مسجد پیامبر را وسعت داد و در ستونهای آن قلع به کار برد و طول آن را صد و شصت ذراع و پهنای آن را صد و پنجاه ذراع قرار داد. (۶۹)

بدین ترتیب تا پیش از دوران اموی ویژگیهای سادگی و اصالت برای مسجد النبی حفظ شد

و تنها از این دوره بود که همراه با تغییرات بنیاد دینی که در همه چیز اسلام اتفاق افتاد، در بنای مسجد نیز تغییرات مختلفی به جود آمد.

کارکردهای مسجد در صدر اسلام

توضیح

پیش از این اشاره کردیم که بدون تردید درخشان ترین فراز حیات مساجد در طول تاریخ تمدن اسلامی دوران صدر اسلام است. چرا که در این دوران مساجد جایگاه و همه کارکردهای واقعی خود را به کامل ترین شکل دارا بودند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی مردم نقشی کاملاً برجسته و مطلوب داشتند.

باید خاطرنشان ساخت که در صدر اسلام مساجد صرفاً مراکز انجام دادن اعمال عبادی تلقی نمی شدند. بلکه همچنین مکانهایی برای انجام دادن فعالیتهای اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی، و نظامی جامعه مسلمانان نیز محسوب می شدند.

وقتی که مسجد مدینه توسط پیامبر گرامی اسلام بنا نهاده شد، این قلب تپنده امت اسلام به عنوان مرکز عبادت، مرکز سیاست، مرکز قضاوت و مرکز آموزش و مورد توجه و مراجعه آحاد مسلمین بود. این یگانگی گویاترین تجلی وحدت ابعاد مختلف معنوی و مادی زندگی فردی و جمعی مسلمین بود. (۷۰)

در مسجد نماز جمعه و جماعت بر پا می شد و مسلمانان برای تعلیم دین و شنیدن وعظ و خطابه در آن جمع می شدند، همچنین مساجد محل قضاوت و داوری میان مردم، تدریس علوم مختلف دینی، قرائت قرآن و پرسش و پاسخهای علمی و محل شب به روز آوردن مسافران و غریبان بود. علاوه بر این مساجد پایگاه سیاسی جامعه و منبر آن تریبون رسمی حکومت و محل انتصاب فرمانداران و فرماندهان و ابلاغ احکام و

دستورات و نیز مکان شور و مشورت و انتشار اخبار و گزارشهای تازه و بعضاً گفتگو درباره مسائل مالی و بازرگانی و معاملات تجاری به شمار می رفت .

این روند محدود به دوران پیامبر نبود. پس از ارتحال نبی اکرم (ص) خلفای راشدین نیز به همان ترتیب از مساجد استفاده کردند. خلیفه هم به عنوان امام جماعت و هم به عنوان خطیب جامعه مومنان به شمار می آمد و با همان قدرت و اقتدار پیامبر بر منبر می نشست و احکام و سیاستهای خود را بیان می کرد. (۷۱)

این کارکردهای متعدد، مسجد را به مرکزی بدیل جامعه اسلامی تبدیل کرده بود. امام تحولات و افولهایی که در دوره های بعد به تدریج این کارکردها را تحت الشعاع قرار داد، آرام آرام مسجد را از مرکز جامعه به حاشیه راند.

در این فصل تلاش شده است در نگرشی نسبتاً اجمالی کارکردهای مختلف دینی، علمی و آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قضایی مساجد در صدر اسلام بررسی شود. و در ضمن در بخشی مستقل ویژگیها و کارکرد منبر به عنوان یکی از اجزای مهم و اصلی مساجد نیز تبیین گردد.

کارکرد دینی و تبلیغی

مساجد در درجه اول نهادهای دینی جامعه اسلامی محسوب می شوند که بایستی در آن شعائر دینی و آداب مذهبی اقامه شود و دین خدا در آن جا به صورت روزمره از سوی پیروان به نمایش گذارده شود.

بدون تردید بزرگترین عبادتی که در مسجد بر پا می شود نمازهای جماعت پنجگانه است که نمادی از شکوه توحید و عزت بندگی و حیات امت واحده است. این عبادت شکوهمند در عهد رسول الله

(ص) و صدر اسلام بیش از امروز مورد اهتمام بود و مسلمین با اشتیاق فراوان هر روز چندین نوبت در مسجد پیامبر حاضر می شدند. و با تشکیل صفوف منظم به امامت پیامبر به نماز می ایستادند و این گونه امت به پیشوایی امام خود فرایض دینی را ادا می کردند و به سوی خدا سیر می نمودند.

اقامه نماز جماع و ضرورت اجتماع مردم در زمانهای مشخص ضمن این که باعث به وجود آمدن نوعی نظم روزانه در زندگی مردم شده بود، یکی از زمینه های اصلی تشریح اذان به عنوان ندای اسلام شد؛ ندایی که قرنهایست بر فراز گلدسته های مساجد در همه عالم طنین انداز است. حکایت از این قرار بود که در روزگار رسول خدا و در اوایل تاسیس مسجد پیش از تغییر قبله وسیله ای برای اجتماع مردم وجود نداشت و معمولاً منادی پیامبر (ص) ندا می داد و مردم جمع می شدند. هنگامی که قبله تغییر کرد، رسول خدا (ص) به فکر افتاد که اوقات نماز را به اطلاع مسلمانان برساند، مسلمانان پیشنهادهایی کردند. برخی گفتند از بوق و شیپور استفاده شود و برخی گفتند از ناقوس، لکن پیامبر اینها را به خاطر تشبیه به یهود و مسیحیت نپسندیدند؛ چرا که ندای اسلام نیز باید همانند قبله و عبادتگاه اسلام اصیل و مستقل باشد.

در این خلال شبی مردی از انصار به نام عبدالله بن زید بن ثعلبه خوابی دید که در آن خواب جملات اذان به او آموخته شد. آن مرد انصاری شبانه به حضور پیامبر (ص) آمد و خواب خود را به اطلاع

آن حضرت رسانند. رسول خدا (ص) فرمود: این خواب تو حق بوده و رویای صادق است. هم اکنون برخیز و آن را به بلال که صدای نافذتری دارد تعلیم کن تا هنگام نماز آن را بگویند، و بدین ترتیب از آن روز اذان متداول شد و مردم با شنیدن صدای اذان به سوی مسجد برای اقامه نماز به راه می افتادند. (۷۲)

البته درباره تشریح اذان نظرات دیگری نیز وجود دارد و بخصوص بزرگان شیعه آموختن اذان به پیامبر را کاملاً رد می کنند و معتقدند که اذان مدتها قبل و حتی در معراج به پیامبر آموخته شده بود. نظر دیگری نیز درباره جمع دو نظریه وجود دارد. و آن این که اذان از مدتها قبل به پیامبر تعلیم داده شده بود ولیکن چون در آن هر بار نام پیامبر برده می شد، ایشان نمی خواستند خود آن را معمول کنند؛ چرا که طعنه های منافقین و یهود در راه بود. لذا به این طریق که یکی از انصار خوابی دید و اذان را بیان نمود، تشریح شد تا زمینه ای برای یأوه سرایی و طعنه باقی نماند. البته این نظر نیز قابل نقد و بررسی است. اما آن چه که مسلم است اذان مدتی پس از تاسیس مسجد مقرر و متداول شده و از آن زمان نیز به عنوان مقدمه ای لازم بر اقامه نماز در مساجد هر روز این ندای آسمانی به گوش جان مسلمین می رسید و آنها را به توحید و نبوت و نماز متذکر می گردید.

هم اکنون در جوامع اسلامی پیش از آفتاب و نیمه روز پسینگاه و نزدیک غروب

موذن بر گلدسته بالا می رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز می خواند. به راستی چه نیرومند است و شریف این دعوت که مردم به پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می کند، چه خوب است که انسان به هنگام نیمروز از کار باز ایستد و چه بزرگ و با شکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند جل جلاله توجه کند. (۷۳)

این سنت در دوران خلفای نخستین نیز با جدیت پیگیری می شد و همواره یکی از وظایف مقدس خلیفه این و بد که در نمازهای پنجگانه امام مردم باشد و مردم به او اقتدا نمایند. و بدین ترتیب همواره ناهای جماعت با شکوه فراوان و با حضور انبوه مردم از رؤسا و سران تا افراد عادی در مساجد تشکیل می شد.

علاوه بر نمازهای یومیه نمازهای واجب و مستحبی دیگری هم مانند نماز آیات و نماز اعیادی مانند عید فطر نیز در مسجد النبی برگزار می گردید و نماز میت هم در مجاورت مسجد توسط پیامبر بر مسلمین از دنیا رفته اقامه می شد.

اما یکی از عظیم ترین فرائضی که در مساجد برگزار می شد نماز جمعه بود. نماز جمعه به عنوان یک فریضه اجتماعی ، عالیتین و زیباترین عرضه تلفیق دین و سیاست و از شؤون حکومت اسلامی بود که در نخستین روزهای ورود پیامبر (ص) به مدینه پایه گذاری شد و لذا قدمت تاریخش با تاریخ مسجد یکی است . ظرف مکانی این فریضه ، مسجد و امام آن حاکم جامعه اسلامی و امام امت بود.

نماز جمعه از فرائض دارای فضیلت است و علاوه بر این

در متن قرآن کریم به ضرورت توجه مسلمین به آن اشاره شده است :

یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصوه من یوم الجمعه فاسعوا الی ذکر الله و ذروالبع ، ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون .(۷۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا دهند پس بشتابید به سوی ذکر خدا و تجارت را واگذارید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

و حتی از این آیه وجوب نماز جمعه نیز برداشت شده است .در سخنان و احادیث اولیاء دین و ائمه هدی که همگی سخنان نبی اکرم (ص) است نیز به فضایل این فریضه عبادی و سیاسی اشاره شده است . از جمله امام صادق (ع) می فرمایند: هیچ قدمی نیست که در حرکت و سعی به سوی نماز جمعه باشد جز این که خداوند بدن صاحب قدم را بر آتش حرام می کند. (۷۵)

و نیز امام باقر (ع) می فرماید: هنگامی که روز جمعه می شود ملائکه مقرب نازل می شوند و کاغذهایی از نقره و قلمهایی از طلا- با آنها هست . پس بر درهای مسجد بر صندلیهایی از نور می نشینند و نام ایشان را که از خانه هایشان وارد مساجد می شوند می نویسند، اولی و دومی و...تا زمانی که امام خارج شود. وقتی امام خراج شد صحیفه هایشان را می پیچند و این ملائکه مقرب در هیچ روزی جز روز جمعه فرود نمی آیند.(۷۶)

چنین فضایی در کنار تاکید خاصی که در سیره نبوی در بر پایی نماز جمعه دیده می شود اهتمام همه جانبه مسلمین و حضور پر شکوه و دائمی آنها به صورت هفتگی

در مسجد النبی را موجب می گردید، روایات بسیاری از این حضور انبوه و خطبه های رسول مکرم اسلام در نمازهای جمعه در کتب مختلف و به ویژه در منابع روایی ذکر شده است. (۷۷)

جالب آن که نماز جمعه نیز همچون مساجد به عنوان نماد حاکمیت اسلام از همان زمان رسول اکرم (ص) و سپس دوران فتوحات به سرعت به سراسر بلاد اسلام گسترش یافت و همه جا نماز جمعه به صورت منظم با حضور مردمان تازه مسلمان در مساجد برگزار می گردید.

ظاهراً اولین نماز جمعه در خارج از مسجد النبی و مدینه در مسجد عبدالقیس در منطقه ای موسوم به جواتاز نواحی بحرین اقامه شده است. (۷۸)

همچنین در سنن الکبری نقل شده است که در دوران فتوحات و در عهد خلیفه دوم و سوم در هر شهر و قریه ای که جماعت زندگی می کردند و امیری بر آنها بود به نماز جمعه امر شده بودند و لذا اهالی اسکندریه و مدائن و مصر و... در روز جمعه برای ادای این فریضه جمع می شدند. (۷۹)

بدین ترتیب یکی دیگر از کارکردهای دینی و در عین حال سیاسی و اجتماعی مساجد، بر پایی نمازهای جمعه بود که از مسجد النبی آغاز شد و سپس به سایر مساجد جامع و مرکزی شهرها در همه بلاد اسلامی توسعه یافت.

علاوه بر انجام آداب و عبادات دینی که به آنها اشاره شد، سنتهایی همچون اعتکاف را نیز باید به آنها اضافه کرد، یکی دیگر از کارکردهای مهم مساجد تبلیغ دین و ایراد خطبه های تبلیغی و همچنین ابلاغ احکام مهم دین اعم از احکام فردی یا اجتماعی بود که

به ترویج تشریح می شد، به طوری که می توان مساجد را به عنوان کانون تبلیغات اسلامی و بزرگترین مکان مبلغان مسلمان در نظر گرفت .

پیامبر (ص) از منبر برای انتشار و ابلاغ فرمانها مهم ، مانند اعلام حکم حرمت شرابخواری ، مقررات و احکام زندگی جمعی یا جهت سخنرانی عمومی استفاده می کردند.(۸۰)

سایر خلفا و بخصوص حضرت علی (ع) نیز دائما در مسجد ایراد خطبه می نمودند و احکام و دستورات خود را ابلاغ می نمودند.امیرالمومنین (ع) بارها بای مردم کوفه در مسجد این شهر خطبه خواندند و آنها را به تقوای الهی و پاسداری از دین خدا دعوت می کردند. گاه نیز این خطبه ها به سبب بی وفایی ها و سستیهای مردم کوفه رنگ و بوی سرزنش و عتاب به خود می گرفت که بسیاری از این خطبه های در کتاب شریف نهج البلاغه جمع آوری شده است .

کارکرد دیگری که در راستای امر تبلیغ می توان برای مسجد یاد آور شد سنت وعظ است . موعظه از زمان پیامبر اکرم (ص) متداول بود و ایشان شخصا در مسجد به این امر می پرداختند و گاه خطبه ها به آن اختصاص می دادند و مردم را پند می دادند و با طرح مطالب حکمت آمیز اذهان مسلمین را آماده هدایت می کردند.بعدها اصحاب بزرگترین وظیفه خود را موعظه مردم متناسب با آن چه از پیامبر آموخته بودند می دانستند. پس از آنها نیز علمای دین همواره بر این امر تاکید داشتند. موعظه آن چنان در مساجد اسلام جا افتاده است که به ندرت سخنرانی را می توان یافت

که که حداقل بخشی از سخنان خود را به آن اختصاص ندهد. لازم به ذکر است که به دلیل غالب بودن وجه دینی این کارکرد و اصطکاک کمتر آن با مسائل سیاسی در دوره های بعد نیز این کارکرد در مساجد به طور جدی دنبال می شد و هیچ مانعی بر سر راه آن به وجود نمی آمد، بلکه همواره به آن توفیق نیز می شده است. و گاه حتی فعالیت مساجد در دوره هایی به همین وعظ و موعظه محدود شده است. لذا می توان از وعظ به عنوان پایدارترین کارکرد مساجد در طول تاریخ اسلام از صدر تا کنون نام برد.

از جمله فعالیت های دینی دیگری که در مساجد انجام می شد آموزش و تعلیم احکام و مبادی دین بود که در بخش آینده بیشتر به آن پرداخته می شود. پیامبر شخصا مبادی و اصول دین و احکام و دستورات آنها را در مسجد به مردم تعلیم می دادند و همواره در طول روز پاسخگوی سوالات دینی و فقهی مردم بودند و گاه نیز برخی اصحاب آگاه و متبحر در امر دین را مأمور این تعلیمات می کردند. تعلیم و قرائت قرآن کریم هم از امور جاری و روزمره مساجد بود و همواره صورت قرآن از مساجد به گوش می رسید. این امور به عنوان مهمترین کارکردهای دینی و تبلیغی مطرح است که در همه ادوار اسلام به ویژه دوران صدر اسلام به طور جدی رایج بوده و مساجد از بر پایی آنها پر رونق بوده است. در فصول بعدی خواهید دید که کارکرد دینی مساجد گرچه تحولاتی را بعضا منفی و نامطلوب

شاهد بود اما هرگز دچار افول و یا تغییرات بنیاد نشد و کارکرد خود را همچون برخی کارکردهای دیگر از دست نداد.

کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی

هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون (۸۱)

این شعار بلند اسلام در اصالت بخشیدن به علم و ارزش گذاری صریح برای دانایی است و همین یک شعار حماسی کافی است که امتی را به حرکت در آورد و آنان را در مسیر علم آموزی تا مرحله جانبازی پیش برد.

قرآن دعوت کرده بود به ایمان، یعنی باور مبتنی بر آگاهی و شناخت، پس هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند. می دانیم که مقدمه واجب نیز واجب است. از این رو در نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت بر هر فرد، به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتماعی به اندازه عقلی او واجب است. و از این جا بود که تحصیل دانش در میان مسلمانان واجب عینی پیدا کرد، و این به جز رشته های تخصصی بود که گاه و گاه کفایی داشت و گاه و گاه عینی. (۸۲)

آیات متعددی از قرآن کریم به تشویق و توصیه در توجه به کائنات و درک و فهم آیات الهی در نظام هستی اختصاص یافته است. به تفکر آزاد در کلیات جهان هستی و در نظام کلی عالم و در نظامهای خاص مانند نظام آسمان و ستارگان و شب و روز و نباتات و حیوان و انسان و غیر آن امر می کند و بار سائرین ستایش کنجکاوی عقلی را می ستاید. (۸۳) این ستایشها و تاکیدات قرآن حس کنجکاوی جدی را در بین مسلمین بر می انگیزد و بدین ترتیب آنان

آگاهی به آفاق و انفس و آیات متعدد الهی در عالم هستی را راهی مطمئن برای خداشناسی و کسب معرفت و دستیابی به حق می دانستند و لذا با انگیزه فراوان که از یک غایت معتبر ناشی می شد وارد عرصه علم آموزی می شدند.

علاوه بر آیات قرآن کریم ، سیره نبوی عامل دیگری در رویکرد علمی و آموزشی جامعه اسلامی محسوب می شد. پیامبر رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود. آن هم در محیطی که سابقه ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آن وجود نداشت و بنابر گزارشهای معتبر تاریخی تعداد افراد با سواد در آن منطقه کمتر از بیست تن بود. این مسأله در کنار سخنان ارزشمندی که در فضیلت علم و عالم از نبی اکرم (ص) نقل می شد از قبیل اینکه حکمت گمشده مومن است پس هر کجا آن را یافت از همه مردم به آن سزاوارتر است . و یا علم را بجوید ولو در چین باشد. و ز گهواره تا گور دانش بجوید و...، اشتیاق و کنجکاوی جامعه عربی بدوی را افزایش می داد و آنان را مشتاقانه به محفل تعلیم و تدریس می کشاند.

اما چنین تشویقها و ترغیبهایی در میان آکادمیهای بزرگ یونان و یا دانشگاه بین المللی جندی شاپور انجام نمی شد؛ بلکه در محیطی انجام می گرفت که در آن هیچ سابقه ای از وجود یک نهاد علمی مشاهده نمی شود. از سوی دیگر علمی که اسلام مبلغ آن بود در راستای تحصیل ایمان و در جهت اهداف عالی دین و جامعه اسلامی بود. در چنین

شرایطی طبیعی است که بهترین و مناسبترین مکان و ملجاء فعالیت‌های علمی و آموزشی در جامعه مسجد باشد؛ چرا که از یک سو نهاد دین است و از سوی دیگر اقامتگاه معلم بزرگ بشریت و مشوق اصلی این جریان علم خواهی، البته نگارنده به این نتیجه نرسیده است که کارکرد علمی و آموزشی یک کارکرد اصالی برای مسجد بوده است؛ اما بی تردید در آن زمان و در آن شرایط مسجد بهترین گزینه برای فعالیت‌های علمی و آموزشی محسوب می‌شد و پیامبر بزرگوار اسلام نیز با تأییدات خود بر این امر صحنه گذاردند.

رسول خدا (ص) می‌فرمودند: هر کس به مسجد من بیاید و هدفی جز فراگیری دانش یا آموختن به دیگری نداشته باشد، بسان مجاهدی است که در راه خدا به جهاد می‌پردازد. (۸۴)

و نیز از ده تن از یاران پیامبر ص نقل شده است که: ما در مسجد قبا درس می‌خواندیم، چون پیامبر بیرون می‌رفت فرمود: آن چه می‌خواهید بدانید فرا گیرد و خدای شما را پاداش ندهد مگر آن چه را فرا گرفته اید به کار بندید. (۸۵)

در روایت فوق مشاهده می‌شود که امور آموزشی در مدینه منحصر به مسجد النبی نبوده و در مساجد دیگر مانند قبا نیز این فعالیتها برقرار بوده است. اما مسجد نبوی در این شهر به عنوان جایگاه و اصلی مهمترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی به شمار می‌رفت. زیرا در این مسجد معلم بزرگ انسانیت حضرت محمد (ص) شخصا به کار تعلیم و ارشاد مسلمانان مشغول بودند و رد پرتو تعالیم وحی

فصلهای نوینی از اصول و مبادی دانشهای اسلامی را برایشان عرضه می کردند. (۸۶)

طبقات و جلسات متعدد آموزش قرآن کریم و احکام اسلامی در بیشتر ساعت‌های روز و حتی شبانگاه در این مسجد تشکیل می شد و علاوه بر رسول خدا (ص) شخصیت‌های بزرگی از صحابه که به طور ویژه تربیت شده بودند و آگاهی و توانایی آنها مورد اعتماد پیامبر اکرم بود، همچون امیر مومنان (ع) ابن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب و... در این نشست‌ها به تعلیم کتاب خدا و فقه اسلامی به مسلمان می پرداختند. (۸۷)

البته توجه داریم که این آموزش‌ها منحصر به قرائت قرآن و فقه نی شد. اما از آنجا که این دو علم مبتلا به مردم بود و هم مردم مایل بودند که قرآن را بخوانند و نیز به احکام فقهی که در زندگی روزمره و کسب و کار و روابط اجتماعی آنها دخیل بود واقف باشند لذا طبیعی بود که اهتمام به آموزش قرآن و فقه بیش از دیگر علوم باشد.

اصحاب صغه نیز که مدتی در این مسجد می زیستند در آن جا به آموختن قرآن می پرداختند و عباده بن صامت معلم ایشان بود. (۸۸)

این روند آموزشی و علمی بیش از دو قرن در تمامی مساجد جهان اسلام جاری بود و تنها پس از تاسیس مدارس عالی و دانشگاه‌های جهان اسلام این روند کاهش یافت. البته همانطور که خواهید دید، این مدارس عالی نیز ارتباط تنگاتنگ خود را با مساجد حتی در دوران میانه تا... اسلام از دست نداده اند.

در دوره های پس از صدر اسلام همه متخصصان و طلاب علوم دینی جلسات مباحث خود را در مسجد

بر پا می کردند. اهل حدیث نیز حلقه های خود را در مسجد دایر می کردند. در بعضی مساجد مجموعه های حدیث مخصوصا صحیح بخاری و صحیح مسلم قرائت و تعلیم می شد و سنت املاء کتب که وسیله اصلی انتشار کتب در چندین نسخه بود از مساجد آغاز گشت. احکام شریعت نیز در مسجد مسلمین تعیین می شد. مجالس تفسیر قرآن در مسجد بر پا می شد. در مساجد حوزه هایی بود برای مقابله و تلاوت قرآن که در آنها تجوید و قرائت نیز تعلیم می شد. به عبارت دیگر اختلاف قرائت یا قرائتهای مختلف نیز از دل مساجد جهان اسلام بیرون آمد. زهاد و صوفیه نیز بر خلاف دوره های بعد برای اعتکاف در مسجد خلوت می گزیدند. چنانکه حلقه های اذکار ذکر نام خدا هم در مساجد تشکیل می یافت. (۸۹)

اندکی بعد مباحث جنجالی کلامی میدان دار اصلی عرصه علم و دانش در مساجد شد و حلقه های بزرگ متکلمین که در آن به طرح موضوعات و پرسش و پاسخهای کلامی در باب توحید و معاد و نبوت و قرآن پرداخته می شد، دایر گشت. اهل جدل در حلقه های متعدد به بحث از عقاید دینی بانگ بلند می کردند و در واقع دو مکتب کلامی بزرگ جهان اسلام یعنی اشاعره و معتزله از مسجد برخاستند و در مسجد تاسیس شدند.

آموزش مباحث فقهی نیز که در دوران پیامبر آغاز گشته بود در دوره های بعد در انجمنهای آموزشی شخصیتهای بزرگی چون امام صادق علیه السلام و ائمه مذاهب اهل سنت مراحل بالندگی خود را گذرانده و به تدریج در کمتر از دو قرن چندین مکتب فقهی

در سراسر جهان اسلام تاسیس شد که هر یک انبوهی از پیروان و مقلدان را به خود اختصاص داد.

بنابراین مشاهده می شود که همه مکاتب بزرگ فقهی، تفسیری، کلامی حدیثی در مساجد جهان تاسیس شده، رشد یافتند و در یک کلام همه آنچه که بعدها بنیان علوم اسلامی به ویژه علوم اسلامی اصیل را تشکیل می داد و از مساجد خارج شد و بعدها پایه اصلی عصر طلایی اسلامی را تشکیل داد، به طوری که می توان گفت مسجد مرکز نهضت علمی تمدن اسلامی بود امروز به جهان نیز اسلام وامدار همین انجمنهای آموزشی مساجد و ادامه دهند و همان راه است علاوه بر فعالیتهای علمی و آموزشی، کارکرد فرهنگی و ادبی نیز از دیگر کارکردهای مساجد از همان دوران پیامبر بود، به طوری که انجمنهای ادبی نیز در مسجد نبوی تشکیل می شد و به عنوان و شاعران و سخنوران بزرگ ادب و عرب در حضور رسول اکرم (ص) به انشاء شعر و ایراد خطابه می پرداختند و پیامبر اکرم (ص) شعر متعددی را که در خدمت مکارم اخلاقی و بیان ارزشهای معنوی به کار گرفته می شود ارج می نهاد (۹۰) در باب اهتمام پیامبر به شعر همچنین ابن سعد نقل می کند که پیامبر (ص) دستور داده بود برای احسان بن ثابت در مسجد منبری نهاده بودند و او اشعارش را از بالای منبر می خواند. (۹۱) در دوره های بعد نیز فعالیتهای دینی و علمی مساجد هرگز مانع چنین امور ادبی نبوده است. به طوری که مثلا- در مسجد بصره که در آن جا گروهی اهل

جدل در حلقه ای به بانگ بلند از عقاید دینی بحث می کردند، نزدیک آنها دوستداران شعر و ادب به حلقه دیگر بودند (۹۲)

ملاقات و مناظره با سران دیگر ادیان نیز از جمله امور جاری در مساجد به ویژه در عصر پیامبر و در مساجد نبوی بود. پیامبر مکرر سران و پیروان ادیان دیگر همچون مسیحیت و یهودیت را در مسجد به حضور می پذیرفتند و پیرامون عقاید هر یک با هم بحث می کردند و پیامبر دعوت اسلامی را به آنها ابلاغ می فرمود. نمونه های فراوانی از این ملاقاتها وجود دارد که گزارشهایی در کتب تاریخ ضبط شده است. از آن جمله در سیره پیرامون دیدار گروهی از مسیحیان نجران با پیامبر در مسجد نقل شده است که هنگام عصر بود که نصاری به مدینه وارد شدند و یکسره به مسجد رفتند و در آن هنگام رسول خدا (ص) با مسلمانان نماز عصر به جا می آوردند. و پس از این که نمازشان به پایان رسید در محضر رسول خدا (ص) جلوس کردند و عقاید مختلفی که درباره حضرت عیسی (ع) داشتند اظهار کردند. و در این هنگام بیش از هشتاد آیه از سوره آل عمران در همین زمینه نازل شد. (۹۳) به نظر می رسد که مناظرات فراوان متکلمان بزرگ مسلمان با دانشمندان و روحانیان مسیحی و یهودی و مجوس در دوره های

بعدی با الگوبرداری از همین سنت نبوی انجام می شده است .

بدین ترتیب می توان به عنوان یک کارکرد فرهنگی ، تبلیغی و ارتباطی دیگر برای مساجد در دوره های مختلف به ویژه صدر اسلام از مسجد به عنوان مرکز گفتگوی

کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی

کارکرد سیاسی

بدون تردید در کنار کارکرد دینی، وسیعترین کارکرد مساجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی آنها بود. به طوری که مسجد رسماً یک نهاد سیاسی در جامعه به شمار می رفت. شواهد تاریخی حاکی از این است که در صدر اسلام مسجد به عنوان نهادی حکومتی تلقی می شد. اسلام ذاتاً مخالف جدایی دین از سیاست نبود. از این رو یک فرد واحد هم زمامدار و هم مدیر اجرایی بود و یک ساختمان واحد هم مسجد بود و هم مرکز ثقل مسایل دینی و سیاسی. (۹۴) بنابراین مسجد تنها عبادتگاه جامعه نبود. بلکه مقری بود برای همه فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی که اتفاقاً بر اساس اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست در مکتب اسلام، عبادی نیز محسوب می شد و جوهره عبودیت در آن ملحوظ و آشکار بود. به عبارت دیگر در صدر اسلام مسجد بهترین نماد تلفیق دین و سیاست بود و اصل سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست نخستین بار در مسجد النبی در معرض نمایش گذارده شد.

علاوه بر این اقامت و حضور نسبتاً دائمی نبی اکرم (ص) به عنوان امام و رهبر جامعه در مسجد توجه خاص عمومی به این نهاد را دو چندان می کرد. در واقع سکونت رسول اکرم (ص) در مسجد بر اهمیت ویژه آن افزود؛ به گونه ای که مسجد مرکز سیاسی جامعه مسلمین شد. برای ایشان چندان مسلک نبود که در نزدیک مسجد خانه ای برای خویش بسازد. اما پیامبر می خواست اولاً پایگاهش در خود مسجد باشد تا مسجد تبدیل به مرکز سیاسی جامعه شود ثانیاً مسلمانان وضعیت

زندگی پیامبر را با وجود تسلط ایشان بر همه امور به چشم خویش ببینند. تا خدمتگزاران جامعه اسلامی در زمان پیامبر یا پس از ایشان از این نمونه پیروی کنند. پیامبر می خواست به آنان بیاموزد که خدمت به مردم در جامعه اسلامی ریاست و سیادت نیست. بلکه خدمتی است که تنها برای خدا انجام می شود و هدف آن ثروت اندوزی، جاه طلبی، استفاده شخصی یا خودنمایی نیست. امر واجبی است که شخص به سبب عشق به اسلام و جامعه مسلمین و تنها برای پاداش اخروی به جا می آورد. (۹۵) اما در تبیین دقیق تر این کارکرد، با بررسی تاریخ صدر اسلام شامل ده سال حاکمیت پیامبر در مدینه و پس از آن قریب به سه دهه حکومت خلفای راشدین، می توان کارکردهای ذیل را برای مساجد در حوزه سیاسی بر شمرد:

۱- دارالحکومه .

۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت .

۳- مجلس مشورتی .

۴- محل صدور فرمانهای حکومتی .

۵- محل انتصاب کارگزاران و سفیران .

۶- محل پذیرش سفیران دیگر اقوام و ممالک .

۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران .

۸- محل انتشار و ابلاغ اخبار مهمی چون اخبار فتوحات .

این هشت مورد، ابعاد مختلف کارکرد سیاسی مسجد است که نگارنده در حد تضاعت و مطالعه اندک خود دست یافته است و طبیعی است که بررسی بیشتر تاریخ صدر اسلام می تواند ابعاد دیگری از این کارکرد را روشن سازد.

۱- دارالحکومه

در این مورد قبلاً توضیح داده شد که پیامبر در واقع با انتخاب مسجد به عنوان محل سکونت خود آن را به مرکز حکومتی و سیاسی جامعه تبدیل کرد. در دوران

خلفای راشدین نیز گرچه هیچ یک مانند پیامبر مسجد و یا حاشیه مسجد را به عنوان خانه خود برنگزیدند، اما هرگز نه در خانه خود و نه در هیچ مکانی جز مسجد به امور حکومتی به خصوص جنبه عمومی آن نمی پرداختند و همواره در این دوران نیز مسجد به ویژه در پایتخت بلاد اسلام، دارالحکومه و مقر حاکمیت محسوب شده و توجه عمومی را به سوی خود داشت.

۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت

این امر نیز هم در زمان پیامبر اکرم (ص) اجرا می شد و هم دوران خلفای راشدین. مردم بخصوص آنان که به تیرگی به اسلام در می آمدند عموماً در مسجد با پیامبر بیعت می کردند و ولایت پیامبر بر خود را می پذیرفتند. پیامبر یا سخنگویان وی نیز همه فرمانها و احکام و نیز برنامه های حکومتی را در مسجد به اطلاع مردم می رساندند. شاید بارزترین و معروفترین آنها اعلام حکم جواز جهاد برای مسلمین بود که در مسجد النبى به اطلاع مسلمین رسید.

در زمان ابوبکر گرچه بیعت اولیه در محل سقیفه بنی ساعده انجام شد اما بیعت عمومی با وی در روز بعد و در مسجد انجام یافت. وی سپس بر منبر بر آمد و یک پله پایین تر از نشیمن پیامبر خدا نشست و پس از سپاس و ستایش خدا گفت: من اکنون با این که بهتر شما نیستم بر شما حکومت یافتم. پس اگر راست بودم مرا پیروی نمایید و اگر کج شدم راستم کنید. نمی گویم که من در فضیلت از شما برترم لیکن در کشیدن این بار بر شما برتری دارم. (۹۶)

خلیفه دوم

نیز پس از به خلافت رسیدن و انجام بیعت در مسجد، بالای منبر رفت و یک پله پایین تر از جای ابوبکر نشست و با مردم آغاز خطبه کرد و سپاس و ستایش خدای گفت و درود بر پیامبر فرستاد و از ابوبکر و برتری او یاد کرد و برای او طلب رحمت نمود.

سپس گفت: من جز مردی از شما نیستم و اگر ناخوش نمی داشتم که فرموده جانشین پیامبر خدا را رد کنم امر شما را به عهده نمی گرفتم. (۹۷)

عثمان نیز دقیقاً همین طور عمل کرد و پس از بیعت در مسجد بالای منبر بر آمد و در همان جایی که پیامبر خدا در آن می نشست نشست و سخنرانی نمود. (۹۸)

امیرالمومنین را نیز که مسلمین با آن شرایطی که در روز بیعت معروف است به مسجد بردند و پس از بیعت امیرالمومنین خطبه خواند و برنامه های حکومت خود و نوع خلافت خود را که با شیوه های قبلی تفاوت داشت، با قاطعیت بر منبر بیان فرمود.

به امام حسن (ع) نیز که پس از شهادت امیر مومنان (ع) برای مدت کوتاهی به خلافت رسید نیز به همین منوال عمل کرد. در همین زمینه در تاریخ یعقوبی آمده است که مردم فراهم شدند و با حسن جامع رفت و خطبه ای طولانی ایراد کرد. (۹۹)

۳- مجلس مشورتی

مسجد همواره مجلس مشورتی مسلمین محسوب می شد. و در دوره های مختلف در مساجد پیرامون اهم مسائل منطقه، شهر و کشور و یا امت اسلامی میان مسلمین تبادل نظر صورت می گرفته است. پیغمبر اکرم (ص) نیز همواره در مسجد با

مسلمانان درباره مطالب مربوط به جامعه اسلامی مشورت و گفتگو می کردند. به طوری که می توان گفت تقریباً در همه مواردی که دستور مستقیم وحی وجود نداشت از طریق مشورت با مسلمین تصمیم گیری می شد و محل این مشورتها عموماً مسجد بود چرا که اساساً این دستور قرآن به پیامبر بود که و شاورهم فی الامر.

مهمترین این مشورتها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاستهای دفاعی بود؟ مصادیق آن را در قالب مصوبه این جلسات مشورتی در انتخاب خارج شهر برای جنگ احد و یا حفر خندق در شمال مدینه در جنگ احزاب می توان یافت .

در زمان خلفای راشدین که دیگر ارتباط آسمانی و وحی قطع شده بود، امور بیشتری به مشورت گذارده می شد. شاید تفاوت این دوران البته به استثنای دوران امیرالمومنین با عصر نبوی در این باشد که در دوران پیامبر مشورتها عمومی بود و هر مسلمانی از هر طبقه ای که صاحب نظر بود آن را ارائه می کرد. اما در دوران خلفا این مشورتها بیشتر با کبار صحابه و سران طوایف انجام می شد.

خلیفه در اداره امور دولت از مجلس اعیان کمک می خواست . مجلس اعیان اسلامی از بزرگان اصحاب و سران قبایل و بزرگان مدینه در مسجد تشکیل می شد و خلیفه کاری را جز با مشورت آنها سرانجام نمی داد.

این کارکرد برای مساجد گرچه در دوره های بعد در اثر تحولاتی که اتفاق افتاد در حوزه مسائل سیاسی و کلان حکومتی از بین رفت ، اما همواره مسائل محلی و منطقه ای و شهری در آن طرح شده و مردم آن منطقه درباره آن امور

با یکدیگر مشورت می نمودند.

۴- محل صدور فرمانهای حکومتی

مسجد همواره در صدر اسلام محل اصلی صدور فرمانهای حکومتی بود و مردم همواره این احکام را در مساجد دریافت می نمودند. در زمان رسول الله (ص) احکام متعدد الهی همچون وجوب جهاد، حکم حرمت شرب خمر، وجوب روزه، وجوب زکات، حکم پیمان اخوت و دهها حکم و دستور دیگر در مسجد از سوی پیامبر و یا به صحابه که نقش سخنگوی پیامبر را بر عهده داشتند ابلاغ می گردید و خلفا نیز احکام حکومتی و یا دعوت به جهاد و دیگر دستورات خود را عموماً شخصاً در مسجد و بر منبر ابلاغ می نمودند. به عنوان نمونه عمر در مسجد مدینه از فراز منبر به مسلمانان گفت که سپاهشان در عراق عقب نشینی کرده و برای حرکت بدان سرزمین ترغیب شان کرد. (۱۰۰) و یا امیرالمومنین (ع) در مسجد مردم را به خاطر کوتاهی از جنگ با شامیان سرزنش می فرمود و جهاد را بر آنان واجب نمود.

۵- محل انتصاب و اعزام کارگزاران و سفیران

در صدر اسلام پیامبر اکرم خلفا، امیران و کارگزاران حکومتی و نیز سفیران اسلام به دیگر بلاد را در مسجد منصوب می نمودند و آنان را اعزام می فرمودند. موارد زیادی در این زمینه ها در کتب مختلف تاریخی می توان یافت که در این جا برای رعایت اختصار به چند نمونه اشاره می شود.

در سیره ابن هشام آمده است که پس از آن که نصارای نجرانی از مباحله خودداری کردند و به تابعیت حکومت مدینه رضایت دادند، پیامبر نیز به آنها فرمود که امیری را بر آنها می گمارد. سپس بعد از نماز ظهر در مسجد در میان اصحاب خود نگاه کردند تا این

که چشمشان به ابوعبیده جراح افتاد. پس او را طلبیده فرمودند: به همراه اینان برو و در میانشان بر طبق حق حکومت کن، و با این ترتیب این منصب نصیب ابوعبیده شد. (۱۰۱)

در جای دیگر نقل شده است که پیامبر (ص) به اصحاب خود که آنان را برای سفارت برگزیده بود، فرمود: همگی به سپیده دم در نماز صبح حاضر باشید برای رضای خدا نسبت به بندگان خدا خیرخواهی کنید. هر کس عهده داری از امور مردم گردد و برای ایشان خیرخواهی نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می فرماید. بروید و چنان مکنید که سفیران عیسی (ع) کردند که به افراد نزدیک رسیدند و پیش آنها رفتند و آنان را که دور بودند رها کردند. (۱۰۲)

در زمان خلفا نیز امور به همین منوال بود به عنوان مثال، روزی خلیفه دوم به مسجد رفت و نعمان بن مقرن را دید که نماز می خواند. پهلوی او نشست و چون نمازی را به سر بر گفت: می خواهم تو را به کار حکومت برگمارم. گفت: اگر برای خراج گرفتن است حاضر نیستم مگر این که برای جنگ باشد. گفت: برای جنگ می روی. و او را بفرستاد. (۱۰۳)

۶- محل پذیرش و ملاقات با سفیران خارجی

پیامبر اکرم (ص) همواره سفیران و نمایندگان اقوام و بلاد مختلف را در مسجد به حضور می پذیرفتند و با آنها به گفتگو می پرداختند و پیام آنها را می شنیدند. این دیدارها در مساجد در سال نهم هجری موسوم به عام الوفود که هیاتهای نمایندگی متعددی برای اعلام پذیرش اسلام به مدینه می آمدند به طور چشمگیری افزایش یافت و مسجد النبی

مرتبا شاهد حضور سفیران مناطق و طوایف مختلف بود. شرح این دیدارها و گفتگوهای صورت گرفته به طور مفصل در دو کتاب طبقات ابن سعد و نهایه الارب نویری آمده است و ما در این جا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می نماییم .

پانزده نفر از نمایندگان قبیله طی به حضور پیامبر آمدند. هنگامی که وارد مدینه شدند پیامبر (ص) در مسجد بود. آنان مرکبهای خود را کنار مسجد بستند، سپس وارد مسجد شدند و نزدیک پیامبر آمدند، آن حضرت اسلام را به ایشان عرضه فرمود و همگی مسلمان شدند. (۱۰۴)

چند نفر از نمایندگان بنی حنیفه در مسجد به حضور رسول خدا رسیدند و سلام دادند و شهادت حق بر زبان آوردند. (۱۰۵)

پیامبر (ص) دستور فرمود برای کسانی که از بنی مالک بودند در مسجد خیمه زدند و معمولا هر شب بعد از نماز عشاء پیش ایشان می آمد و می ایستاد و گفتگو می فرمود. (۱۰۶)

نمایندگان عبدالقیس نیز با جاههای مشخص خود هنگامی که رسول خدا (ص) در مسجد بود آمدند و سلام دادند و پیامبر با آنها به گفتگو پرداخت. (۱۰۷)

۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران

این مسأله گرچه در زمان پیامبر اکرم (ص) تحقق نیافت و چنین امری مشاهده نشد، اما در عصر خلفای راشدین به ویژه سه خلیفه اول و بخصوص در دوران عثمان به طور فزاینده ای دیده می شود و مسجد همواره بهترین پایگاه داد خواهی از کارگزاران و اعتراض به سیاستهای حکومتی و استیضاح مسئولین جامعه بوده است. و نکته مهم اینکه کارگزاران و سردمداران جامعه نیز خود را ملزم به پاسخگویی به این مسائل و قانع کردن

مردم می دانستند و لذا در مسجد حاضر می شدند و بر منبر از خود دفاع کرده ، توضیحات لازم را به اطلاع مردم می رساندند.

به عنوان مثال ، در سال بیست و یکم مردم کوفه از امیرشان سعد بن ابی وقاص شکایت کردند. عمر، محمد بن مسلمه انصاری را بفرستاد تا در قصر کوفه را آتش زد و سعد را در مسجد کوفه با مردم روبرو کرد و درباره وی از ایشان پرسد که بعضی او را ثنا گفتند و بعضی شکایت کردند که عمر او را عزل کرد. (۱۰۸) همانطور که اشاره شد اوج استفاده از مسجد برای اعتراض به حکومت در زمان عثمان بود و سبب اصلی آن نیز بدعتها و انحرافات بود که دستگاه حاکمه و از سنت نبوی و حتی روش دو خلیفه قبلی داشت . لذا علاوه بر توده مردم شخصیت‌های برجسته ای از کبار صحابه و یا زنان پیامبر به وی معترض بودند که از مهمترین آنها ابوذر و عایشه بودند البته بعضا با دو انگیزه متفاوت .

ابوذر در مسجد اعتراض می کرد: عثمان خبر یافت که ابوذر در نشیمن پیامبر خدا (ص) می نشیند و مردم پیرامون او فراهم می شوند و احادیثی می گویند که باعث قدح عثمان است و نیز در مسجد ایستاده و گفته است : محمد (ص) وارث دانش آدم و برتریهای پیامبران است و علی بن ابیطالب (ع) وصی محمد (ص) و وارث علم او است . ای امت سرگردان پس از پیامبرش ، هان که اگر شما کسی را که خدا پیش داشته مقدم می داشتید و کسی که خدا

پس انداخته عقب می انداختید و ولایت و وراثت را در خاندان پیامبر خود می نهاید، البته از بالای سر و از زیر پای خود می خوردید و دوست خدا نادر نمی شد و سهمی از فرائض خدا از میان نمی رفت و دو نفر در حکم خدا اختلاف نمی کردند؛ مگر آن که علم آن را از کتاب خدا و سنت پیامبرش نزد اینان می یافتند.

لیکن اکنون که چنین کردید پس بدفرجامی کار خود را بچشید

سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون .

عثمان نیز خبر یافت؟ ابوذر از او بدگویی می کند و سنتهای پیامبر خدا و روشهای ابوبکر و عمر را که تغییر داد او دگرگون کرده است یادآور می شود. پس او را به شام تبعید کرد. (۱۰۹)

درباره اعتراض عایشه نیز نقل شده است که عثمان روزی خطبه می خواند که عایشه پیراهن پیامبر خدا را بیاویخت و فریاد کرد: ای گروه مسلمانان، این جامه پیامبر خدا است که کهنه نگشته ولی عثمان سنت او را کهنه کرده است. پس عثمان گفت: پروردگارا مکر این زنان را از من بگردان، همانا مکر ایشان بزرگ است. (۱۱۰)

علاوه بر این عثمان در موارد دیگری نیز که مورد اعتراض واقع می شد بر منبر می رفت و از خود در مقابل اعتراضات مردمی دفاع می نمود و لذا مسجد محل این استیضاح و پاسخگویی بود.

۸- محل انتشار اخبار مهم

مسجد با ماذنه هایی که داشت و دارد، همواره محل انتشار اخبار گوناگون بوده است. بخصوص اخبار مهمی که با مصالح عمومی ارتباط داشت مانند اخبار حکومتی و جنگلها و از همه مهمتر اخبار مربوط به

فتوحات در مساجد به گوش مردم می رسید. مردم همواره موثق ترین اخبار را در مساجد جستجو می کردند و حاکمان نیز هر خبری را که می خواستند جمعیت بیشتری آن را بشنود در مساجد اعلام می کردند.

در دوران پیامبر اکرم (ص) این کارکرد برای مساجد به وجود آمد و همواره مسلمین اهم رویدادها و اخبار پیرامون مسائل داخلی حکومت و یا مسائل خارجی و تحرکات مشرکین و اخبار سپاهیان را در مسجد می شنیدند و در دوران خلفا نیز که دوره آغاز فتوحات گسترده بود همواره اخبار این فتوحات در مسجد و مهم تر آن که توسط شخص خلیفه به اطلاع مردم می رسید و بعضا در صورت اهمیت فوق العاده آنها این اخبار زمان هم نمی شناخت .

از جمله خبر فتح قیساریه بود که شبانگاه به اطلاع مردم رسید. یعقوبی نقل می کند که قاصد سپاه شام شبانه به مدینه و نزد خلیفه دوم رفت و خبر فتح قیساریه را که از مناطق مهم فلسطین بود توسط سپاه مسلمین به او خبر داد. وی تکبیر گفت و خدا را ستود. سپس همان نیمه شب به سوی مسجد رفت و دستور داد مردم را جمع کردند و آتشی نیز آوردند برای روشنایی مسجد، آنگاه بر منبر رفت و خدا را ستود و فتح قیساریه را به مردم اعلام نمود. (۱۱۱)

در دوران عثمان نیز مشابه این مساله درباره فتوحات شمال آفریقا نقل شده است به این شکل که ، عبدالله بن سعد بن ابی سرح فرمانده سپاه اسلام در مناطق شمال آفریقا، عبدالله بن زبیر را با مژده داد. عثمان نیز برای اعلام این خبر شخصا به

مسجد رفت و به منبر برآمد و آن خبر را به اطلاع مردم رسانید. (۱۱۲)

بدین ترتیب مشاهده می شود که مسجد علاوه بر همه کارکردهای خود در واقع همچون یک رسانه گروهی معتبر و موثق در جامعه آن روز اسلامی عمل می کرد.

کارکرد اجتماعی و قضایی

گرچه تمامی آن چه تا کنون درباره کارکردهای متعدد مساجد صدر اسلام بر شمرده ایم به نوعی کارکرد اجتماعی محسوب می شد اما در این جا به طور خاص بابتی مستقل را پیرامون مسائل اجتماعی و قضایی گشوده ایم تا نقش مساجد در این موارد را نیز بررسی نماییم.

نخستین مساله ای که در حوزه مسائل اجتماعی مطرح می شود شکسته شدن نظامهای طبقاتی و اخلاق اشرافیگری و مرزبندهای کاذب خون و نسب و ثروت و جایگزین شدن فرهنگ برابری و برادری در محیط مساجد است.

مسلمانان هنگامی که در مسجد نماز جماعت اقامه می کنند و یا عبادات جمعی دیگر را از انجام می دهند با هم یکسانند و هیچکس بر دیگری امتیاز ندارد و این عجیب نیست زیرا خداوند مومنان را برادر همدیگر قرار داده و تفاوتی میان آنها نیست مگر تفاوتی که در پیروی حق دارند. (۱۱۳)

پیامبر اکرم (ص) نیز در مسجد هر گاه با مومنین نشست و برخاست داشتند این امر با به دقت رعایت می فرمودند و حتی در نگاه کردن نیز مساواتی را برای همه قائل بودند. بدین ترتیب مسلمین با حضور مداوم در مسجد این برادری و برابری را عملاً تمرین می کردند و سپس آن را در محیط جامعه تسری می دادند.

در جامعه اسلامی گرچه شکاف اقتصادی وجود دارد و اسلام نیز

نهایت تلاش خود را برای ترغیب مسلمین به از بین بردن این شکاف کرده است ، تا هرگز برتری جویی ، جنبه فکری ، فرهنگی و اجتماعی پیدا نکند و سنت نشود و در محیط جامعه اسلامی کسی خود را به سبب ثروت و مکنت و یا خون و نسبت و یا رنگ پوست برتر تلقی نکند، چرا که در مسجد فقیر و غنی ، سیاه و سفید، اشراف و اضعاف و در یک کلام همه اقشار جامعه در کنار هم حضور داشتند و مسجد هیچ جایی برای برتری جویی و تفاخر برای مردم فراهم نمی کرد و بلکه با آن مبارزه می نمود. این کارکرد به عنوان یک کارکرد ارزشمند و مهم در حوزه مسائل اجتماعی برای مساجد محسوب می شود.

کارکرد اجتماعی دیگر مساجد در صدر اسلام را باید در حدیثی از امام باقر (ع) جستجو کرد. حضرت می فرماید: همانان مساکین و فقراء در عهد رسول خدا در مسجد سکونت می گزیدند. (۱۱۴)

این سخن اشاره به این دارد که مساجد خانه امید فقراء و محل سکونت موقت آنها بود. نمونه بارز این گونه افراد در صدر اسلام اصحاب صفة هستند. ابن سعد درباره اصحاب صفة چنین می نویسد: اصحاب صفة گروهی از یاران رسول خدا (ص) بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول (ص) در مسجد می خوابیدند و روزها هم ما: جا سایه می گرفتند و جای دیگر غیر از آن نداشتند. پیامبر (ص) شبها به هنگام غذا خوردن آنها را فرا می خواند، گروهی را میان خود تقسیم می فرمودند که با آنها غذا بخورند و گروهی هم

با خود رسول (ص) غذا می خوردند و چنان بود تا این که خداوند متعال آنان را ثروتی عنایت فرمود. (۱۱۵)

این حضور مساکین در مسجد دو فایده مهم است اولاً از آوراگی آنها در جامعه که می توانست به ایجاد انحرافات برای آنها شود جلوگیری می کرد ثانیاً اینان به عنوان طبقه نیازمندان جامعه دائماً در جلوی چشم حاکم و مردم بودند و در لابه لای شلوغی شهرها و رفت و آمدها گم نمی شدند تا فراموش شوند و لذا این مساله باعث می شد که هم پیامبر اکرم (ص) و هم مسلمین دائماً در فکر تامین زندگی آنها باشند و اولین امکاناتی را که به دست می آوردند به آنها اختصاص می دادند. بنابراین مسجد در صدر اسلام خانه امید فقیران و مسکینان جامعه محسوب می گردید .

علاوه بر این مساجد ملجا غریبان و در راه ماندگان یا به تعبیر قرآن ابن السبیل نیز بود. به طوری که در شهرهای اسلامی هر گاه فرد تازه واردی داخل می شد که در آن شهر کسی را نمی شناخت یکسره به سراغ مسجد آن شهر می رفت در مدت اقامت خود در آن جا سکنی می گزید. این سنت تا زمانی که تاسیس مهمانخانه ها و مسافرخانه ها رایج شد ادامه داشت و تا همین اواخر نیز بسیاری از افراد در دیار غربت به مسجد پناه می بردند تا در آن جا از میان برادران و خواهران دینی خود آشنایی می یافتند.

در کنار این کارکردهای وسیع اجتماعی ، مساجد دارای کارکرد قضایی هم بودند. در دوران پیامبر تقریباً تمامی مسائل حقوقی و اختلافات میان مردم که نیازمند رسیدگی

بود در مسجد صورت می گرفت و پیامبر اکرم (ص) میان مردم به عدالت قضاوت می کردند. حتی پیامبر در مسجد قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبرشان ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها مراسم سوگند خوردن بود. پیامبر (ص) مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی را کنار منبر معمول ساخت و می فرمود: هر کس کنار منبرم سوگند دروغ گوید هر چند برای یک چوبه مسواک باشد جایگاه او در آتش خواهد بود. (۱۱۶)

این روند بعدها نیز ادامه یافت و سالها بعد در همه بلاد اسلامی تا زمانی که مکان مستقلی به عنوان دادگاه تاسیس شد، قاضیان جلسات رسیدگی به دعاوی را در مساجد تشکیل می دادند و در میان ادعاها و اختلافات مردمی قضاوت می کردند. این جلسات در مساجد از دو جهت مفید بود. از یک سو برای قاضی که چون در محیط مسجد و عبادت که همواره ذکر خدا در آن است کار خود را انجام می داد اگر متقی بود همواره خدا را در نظر می گرفت و با دقت هر چه تمامی تر کار قضا را به پایان می برد. از سوی دیگر طرفین دعوی نیز اگر مومن بوده باشند هر روز در آن مسجد در مقابل خداوند به عبادت می ایستادند و لذا دچار نسیان نمی شدند و از ادعای دروغ پرهیز می کردند و حال آن که در محیطهای قضایی غیر از مساجد این امر کم رنگ تر است و ممکن است حتی برای مومنینی که در درجات پایین تر تقوی هستند برای حفظ منافع انحرافی پیش آید.

به هر حال مساجد در

صدر اسلام و حتی بعد از آن تا مدت‌ها کارکرد قضایی داشت و محل دادرسی مردم و ملجا مظلومان بود.

منبر، یکی از مهمترین اجزاء مسجد

در پایان بحث پیرامون کارکردهای مسجد در صدر اسلام لازم است درباره یکی از مهمترین و کارآمدترین اجزاء مسجد یعنی منبر سخنی کوتاه داشته باشیم. منبر که به عنوان تریبون مسجد محسوب می‌شد در همه کارکردهایی که ذکر شد نقش داشت و تقریباً با هیچ یکی از آنها بی‌ارتباط نبود. اما پیش از بحث درباره این نقش، لازم است از نحوه ورود این جزء به درون مسجد آگاه شویم، و طبعاً برای آگاهی از آن لازم است از کتب تاریخی استمداد نماییم.

در طبقات الکبری درباره نحوه ساخت منبر چنین نقل شده است: در آن هنگامی که مسجد سقف نداشت رسول خدا (ص) کنار تنه خرمایی نماز می‌گزارد و به ایراد خطبه به آن تکیه می‌داد. مردی از اصحاب (۱۱۷) گفت: اجازه می‌فرمایی تا برای تو منبری بسازم که روز جمعه بر آن بایستی تا مردم تو را ببینند و خطبه تو را بهتر بشوند؟ فرمود: آری. او منبری ساخت که دارای سه پله بود و آن همان سه پله ای است که اکنون بالای منبر قرار دارد. و چون منبر ساخته و در جای خود گذاشته شد پیامبر برخاست و سوی آن حرکت فرمود. آن ستون چنان بانگی کرد که شکافته شد. پیامبر (ص) از منبر فرود آمد و به آن ستون دست کشید تا آرام گرفت و آنگاه به سوی منبر برگشت. (۱۱۸) و بدین ترتیب منبر

در مسجد به کار گرفته شد و از آن تاریخ به جزء لاینفک همه مساجد تبدیل شد.

منبر گرچه ابتدا صرفاً برای ایراد خطبه مورد استفاده بود ولی بعد در همه زمینه ها از آن استفاده شد. به طوری که مبلغین بر آن تبلیغ دین می کردند و اعضان بر روی آن مردم را اندرز می کردند. علما از آن احکام دین را بیان می نمودند و معلمان با نشستن بر آن تدریس می نمودند. محدثین بر آن احادیث را املاء می کردند و قاضیان بر آن نشسته حکم صادر می نمودند و از همه مهمتر حاکمان جامعه و به ویژه پیامبر (ص) و خلفا بر آن برای مردم سخنرانی می نمودند و پیرامون مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی سخن می گفتند.

وقتی خلیفه انتخاب می شد نخستین خطابه خود را که به منزله برنامه سیاسی او بود از منبر می خواند. بنابراین منبر در اسلام مانند تریبونی بود که در حکومت مشروطه برنامه سیاسی دولت از پشت آن شرح داده می شد. (۱۱۹)

فرمانهای حکومتی و اخبار مهم جامعه نیز بر آن به اطلاع عموم می رسید و از این رو ابزار اطلاع رسانی آن زمان به شمار می آمد. و حتی حاکمان و کارگزاران حکومتی بر منبر به اعتراضات مردمی پاسخ می دادند و از کارنامه خود دفاع می کردند؛ کما این که عثمان چنین کرد و در برابر اعتراضات گسترده عمومی بر منبر از خود دفاع کرد.

بدین ترتیب منبر به صورت یک جزء اساسی مسجد که در همه کارکردهای آن نقش محوری داشت، تبدیل شد و همین بر ثبات آن در

مساجد افزود. بنابراین در ادبیات سیاسی اسلام تریبون رسمی حکومت منبر بود همانطور که مقرر حاکمیت مسجد بود.

با این بحث کوتاه پیرامون منبر، بحث درباره کارکردهای مسجد در صدر اسلام را به پایان می بریم و به تبع از دوران صدر اسلام خارج می شویم تا نگاهی گذرا داشته باشیم به نقش و وضعیت مساجد و تحولاتی که در دره میانه تاریخ اسلام در کارکردهای آنها پیش آمد.

تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام

اشاره

یاتی علی الناس زمان لایقی فیہ من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمہ مساجد هم یومئذ عامره من البناء و خراب من الہدی . ساکنانها و عمارها شر اهل الارض ، منهم تخرج الفتنة و الیهم تاوی الخطیئة یردون من شد عنها فیها. و یسوقون من تاخر الیها. یقول الله تعالی : و قد فعل و نحن نستقبل الله عشره الغفله (۱۲۰)

مردم را روزگاری می رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن . در آن روزگار بنای مسجدهای آنان آباد است و از رستگار ویران . ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین اند. فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان در آویزد، آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند و آن که از آن پس افتد به سویش برانند. خدای تعالی فرماید: به خود سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند و چنین کرده است و ما از خدا می خواهیم از لغزش غفلت در گذرد.

این سخنان پیشگویی بزرگمردی است که با احاطه خود به حیات بشریت که از اتصال به این حقیقت ناشی می شد، همه

آن چه بعدها بر سر امت پیامبر می آمد را می دید و اینچنین با بیان تلخ خبر از دگرگونی در همه امور دینی و از جمله تحولات اساسی در وضعین مساجد، این پایگاههای توحید جامعه می داد. آن پیشگویی دیری نباید که به حقیقت پیوست . به زودی و با حاکمیت بنی امیه بر جهان اسلام تبدیل خلافت به سلطنت ، از قرآن جز نقش و نگاری و از اسلام جز نامی بر جای نماند و در آن زمان آن چنان که خواهید دید مساجد آباد و با شکوه بود، اما از محتوا و روشنگری تهی و این چنین امیر المومنین (ع) پرداختن به تشریفات و فراموشی زمانها را در روند حرمت امت مسلمان پیش بینی نمود و آن را بیان کرد. تفسیر سخن آن امام بزرگوار از عهده ما خارج است و خوانندگان می توانند به شرح بزرگان بر این سخنان مراجعه نمایند. اما تنها چیزی که مسلم است این که مولای متقیان خبر از تحولی اساسی و ساختاری در ابعاد اسلام و همچنین کارکرد مساجد در دوران پس از صدر اسلام می دهند و لذا ما سخن آن بزرگوار را سر آغاز و زینت بخش این فصل نمودیم .

در این فصل از تحولات کارکرد مساجد و افول برخی کارکردها و به وجود آمدن برخی کارکردهای جدید سخن به میان می آوریم ، گرچه این تحولات همگی منفی نیست ، اما در جمع بندی آنها باید اذعان نمود که حیات مساجد شادابی و طراوت دوران صدر اسلام را در این دوره از دست می دهد و آرام آرام به حاشیه جامعه

سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن

اولین و اساسی ترین تحولی که در مساجد اتفاق افتاد سلب کارکرد سیاسی از مساجد بود که سنگین ترین ضربه را به موقعیت مساجد در جامعه وارد کرد.

مساجد که در دوران صدر اسلام مقرر حاکمیت و پایگاه سیاسی جامعه محسوب می شد، اکنون بدون وجه سیاسی، ناقص به نظر می رسد، نخستین نشانه های تضعیف این نقش را باید در دوران معاویه دید، وی که مرکز حاکمیت را به شام منتقل کرد، در نخستین گام مقرر حاکمیت را به کاخ با شکوه خود در دمشق منتقل کرد و بدین ترتیب مسجد دیگر مقرر حاکمیت نبود، چرا که او آشکارا خلافت را به سلطنت تبدیل کرده بود و مسجد را با سلطنت چه کار.

سعید بن مسیب می گفت: خدا معاویه را چنین و چنان کرد. چه او نخستین کس است که این امر (خلافت) را به صورت پادشاهی باز گرداند، و معاویه می گفت: منم نخستین پادشاه (۱۲۱)

گام دوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد تضعیف رابطه حاکم و مردم در عهد اموی بود که آن نیز از دوران معاویه آغاز گردید. از این زمان فاصله های جدی میان مردم و حاکم پدید آمد و به تدریج رابطه مستقیم مردم و حاکم قطع شد.

مردمی که هر روز خلیفه را در کوچه و خیابان در میان خود می دیدند اکنون مشاهده می کردند که معاویه به همراه جمع کثیری محافظ در شهر حرکت می کند. معاویه نخستین کس در اسلام بود که نگهبانان و پاسبانان و دربانان گماشت و جلو خود حربه راه می برد (۱۲۲) وی به این اکتفا

نکرد و گارد محافظ خود را در مسجد نیز به همراه داشت و حتی جایگاه خود را از مردم جدا کرد و نخستین بدعت را در دوران مسجد ایجاد کرد و آن ساخت اطاقکی به نام مقصوره بود.

معاویه اول کسی بود که در مسجد اطاقکی پدید آورد که به تنهایی دور از دسترس دیگران در آن نماز می کرد زیرا بیم داشت که وی را نیز مانند علی (علیه السلام) در حال نماز به غافلگیری بکشند. وقتی به نماز می ایستاد نگهبانان با شمشیری بالای سر او می ایستادند. (۱۲۳)

این در حالی است که در دوران صدر اسلام پیامبر و خلفا هرگز اقدام به چنین کاری نمی کردند در حالی که خطرات زیادی آنان را نیز تهدید می کرد، ابن سعد ماجرای یکی از سوء قصدها به جان پیامبر در مسجد را چنین نقل می کند:

ابوسفیان تنی چند از قریش را گفت: آیا کسی یافت نمی شود که محمد (صلی الله علیه و آله) را غافلگیر کرده، بکشد؟ و او آزادانه در کوچه و بازار می رود. مردمی از بادیه نشینان اعلام آمادگی کرد شبانه از مکه بیرون آمد...به مدینه آمده از رسول خدا جویا شد و بدو گفتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون او را دید فرمود: در کار این مرد خدعه ای هست. و چون او خواست تا نزدیک پیامبر بیاید و وی را بکشد، اسیر بن حضیر او را باز کشید و از میان ارزش خنجر بیرون افتاد. (۱۲۴)

موارد بسیاری از توطئه های مشابه در دوران مدنی نقل شده است اما پیامبر هرگز میان

خود و امت خود در مدینه حائل قرار نداد و مردم آزادانه به پیامبر دسترسی داشتند.

خلفا نیز از همین سنت پیروی کردند. در همین راه سه تن از آنان جان خود را از دست دادند اما هرگز میان خود و مردم محافظ و حائل دائمی قرار ندادند.

ماجرای ترور خلیفه دوم در مسجد نیز در همین زمینه قابل ذکر است مسعودی نقل می کند که چون ابولولو به انجام کار خود مصمم شد خنجری همراه برداشت و در یکی از گوشه های مسجد در تاریکی به انتظار عمر بنشست . عمر سحر گاه می رفت و مردم را برای نماز بیدار می کرد و چون بر ابولولو گذشت وی برجست و سه ضربت به عمر زد و همان بود که سبب مرگش شد. (۱۲۵)

امیرالمومنین علی (ع) نیز با آن که از توطئه ها و نقشه های شوم خوارج و یاران معاویه در کوفه آگاه بود و احتمال خطر کاملاً جدی بود. اما به هیچ عنوان حاضر به همراهی محافظ با خود در شهر نمی شدند و این چنین بود که اشقی الاخرین به آسانی توانست در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت برساند و تاریخ بشریت را برای همیشه داغدار نماید.

این روش حاکم در صدر اسلام بود که معاویه آن را تغییر داد و آشکارا با آن مخالفت نمود. پس از او جانشینان او نیز همین روش را ادامه دادند تا جایی که کار حتی به قرق مساجد کشیده شد. به عنوان نمونه نقل شده است که ولید بن عبدالملک هنگامی که برای بازدید از باز سازی مسجد النبی در مدینه به مسجد

وارد شد نگهبانان هر که را در مسجد بود، بیرون کردند. (۱۲۶)

این بدعت به تدریج در جامعه اسلامی پذیرفته شد و در میان کارگزاران حکومت نیز رایج شد به طوری که پس از مدتی اگر حاکم یا کارگزاری بدون محافظ و یا تدابیر امنیتی در مسجد یا شهر حاضر می شد، بسیار شگفت آور و محل سوال بود. بدین ترتیب مساجد دیگر محل دیدار مستقیم مردم و حاکم نبود و مردم تنها از لابلای محافظین مسلح می توانستند نظری به حاکم بیافکنند.

گام سوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد، ایجاد جو خفقان عمومی و گرفتن حق اظهار نظر و انتقاد و اعتراض از مردم بود که مرکز همه این امور مسجد محسوب می شد و لذا مساجد در معرض چنین خفقانی قرار گرفتند. خلفای اموی آشکارا در مساجد و بر منابر حاضر می شدند و در جهت تثبیت پایه های حکومت خود مردم را تهدید می کردند و به آنها نسبت به هر گونه تحرک سیاسی و اعتراض هشدار داده، وعده مجازاتهای سنگین می دادند و کارگزاران آنان نیز به تبع حاکمان خود با مردم این گونه رفتار می کردند و با ایجاد رعب و وحشت جرات هر گونه سخن گفتن را از مردم می گرفتند و بدین ترتیب حق نظارت عمومی مسلمین را مختل نموده، آن را منتفی می دانستند. برای درک بهتر این امر سه نمونه تاریخی از رفتار خلفای اموی و کارگزاران آنها با مردم و تهدیدهایشان بر منبر را نقل می نمایم.

عبدالملک در سال ۷۵ به حج رفت. و در حالی که لبیک می گفت به مکه در آمد و لبیک

گویان وارد مسجد گردید و در چهار روز خطبه خواند. هر روز خطبه ای، و در یکی از روزها ضمن خطبه اش چنین گفت: و من هر چیز را از شما تحمل می کنم جز بر افراشتن پرچمی را و همان غلی که آن را به گردن عمر و انداختم، نزد من است و به خدا سوگند یاد می کنم که آن را به گردن کسی نمی اندازم که جز با سختی و فشار در آورم. (۱۲۷)

حجاج بن یوسف ثقفی حاکم خونریز و سنگدل کوفه نیز پس از آن که از سوی عبدالملک بن مروان به حکومت عراق منصوب شد، با لباس مبدل و به صورت ناشناس به کوفه رفت و بانگ برداشت که مردم برای نماز جماعت حاضر شوند، سپس با چهره ای پوشیده به منبر رفت و نشست. وقتی مسجد پر شد حایل از چهره برداشت و برخاست و عمامه از سر برداشت و بدون حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر سخن آغاز کرد و گفت: کار من روشن است و از بالا می نگرم و چون عمامه بردارم مرا خواهید شناخت به خدا چشمها می بینم که خیره است و گردنها که افراشته است و سرها که رسیده است و هنگام چیدن آن را رسیده است و این کار من است. گویی می بینم که خونها میان عمامه ها و ریشها جاریست... ای مردم عراق، الی اهل شقاق و نفاق و اخلاق بد، به خدا شدت عمل من نه چنان است که پندارید؛ که مرا از روی دقت انتخاب کرده و از

روی تجربه جسته اند، به خدا شما را چون چوب پوست می کنم و چون کلوخ به هم می کویم و چون شتر می زنم و چون سنگ در هم می شکنم... (۱۲۸)

ولید بن عبد الملک نیز پس از رسیدن به زمامداری بالای منبر رفت و مرگ پدرش را اعلام کرد و گفت: از مردم بر شما باد به فرمان بردن و همراهی با جماعت؛ چه هر کس مخالفت خود را آشکار سازد سرش را از تن جدا کنم و هر کس خاموش ماند با اجل خویش بمیرد. (۱۲۹)

این سخنان و خطبه ها را مقایسه کنید با خطبه های پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین، تا دیروز سخن از حق متقابل مردم و حاکمیت بود و امروز سخن از تکلیف محض مردم. تا دیروز سخن از اعتبار رای و نظر مردم بود و امروز سخن از ممنوعیت اظهار نظر، تا دیروز بر منبر از گسترش نظارت عمومی و مسؤلیت پذیری مردم در امور مختلف حکومت برای بقا و صلاح جامعه سخن به میان می آمد و امروز سخن از ضرورت خاموشی به عنوان تضمین ادامه زندگی، تا دیروز مسجد محل اعتراض و پرسش و استیضاح بود و آن روز محل سکوت و خفقان. تا دیروز حاکمان خود را ملزم به پاسخگویی به مردم در مسجد و تواضع در برابر آنان می دیدند و امروز در همان مسجد مردم را تهدید می کنند. بدین ترتیب بسیاری از ابعاد کارکرد سیاسی مساجد همچون اصل شوری و اعتراض و استیضاح و نظارت بر حکومت و... از بین رفت. اما مگر کار

به همین جا ختم شد.

گام بعدی در تضعیف بعد سیاسی مساجد، کاهش چشمگیر در مسجد بود. تا این زمان اهمیت اساسی مسجد در این بود که حاکم جامعه از آن جا با مردم سخن می گفت و مردم در آن جا برای دریافت احکام حکومتی جمع می شدند. اما مدتی بعد به دلیل همان کاهش حضور حاکم و خلیفه در مسجد، این اعتبار نیز از دست رفت. خلفا امامت نماز روزانه را بر عهده نمی گرفتند و بها در نماز جمعه عهده دار این کار می شدند. در عصر اموی روزهای همه خلیفه با لباس سفید و عمامه جواهر نشان به مسجد می رفت و برای خواندن خطبه به منبر می رفت.... بعضی از خلیفگان بنی امیه برای نماز جمعه نیز حاضر نمی شدند و سالار نگهبانان را به نیابت خود می فرستادند. (۱۳۰)

این وضعیت دوران اموی به وضعیت اسفناک تری در دوران عباسی تبدیل شد. در شرایطی که در اوایل دوران خلافت اسلامی، حکام به عنوان امام مسجد و امام جماعت تلقی می شدند. امام بعدها در دوره خلفای عباسی امام فردی بود که در یکی از مساجد کوچک و فرعی وظیفه امامت را انجام می داد (۱۳۱) و خلیفه خود از انجام این وظیفه مهم دینی و سیاسی سرباز می زد.

بدین ترتیب همه این امور دست به دست هم داد تا به تدریج وجه سیاسی مساجد از بین برود و مساجد به پایگاه عبادی محض در جامعه تبدیل شود. در مسجد پس از نماز فقط خطابه دینی خوانده می شد که در آن از خدا ستایش و از پیغمبر تمجید می کردند و بر صحابه

درود می گفتند. خلیفه را که مدعی نیابت پیغمبر بود دعا می گفتند. از نمودارهای سیاسی چیزی در مسجد نماند جز این که نام خلیفه در خطابه یاد می شد و بدینوسیله ولایت های اسلام به تسلط اسمی خلیفه گان اعتراف می کردند. (۱۳۲)

افول کارکرد سیاسی مسجد امری کاملاً طبیعی و به عبارت دیگر اجتناب ناپذیر بود، چرا که مسجد در صدر اسلام گرچه مقر حاکمیت هم بود، اما در درجه نخست پایگاه حضور و فعالیت دائمی و جدی مردم بود و مرکزی برای هماهنگی عمومی و فعالیت جمعی سیاسی و اجتماعی محسوب می شد. طبیعی بود که حکومتی که بنیان آن نامشروع و بر اساس زور و ظلم بنا شده بود و روش آن نیز استبدادی بود، حضور فعال مردم در صحنه را بر نمی تابد و لذا می کوشید مردم را به حاشیه براند و قوت فعالیت و نظارت را از آنان سلب کند. برای تحقق این خواسته باید پایگاه فعالیت آنان یعنی مسجد از بین می رفت و یا متحول می شد. لذا حکومت اموی و به دنبال آن حکومت عباسی با ترویج تئوری جدایی دین از سیاست در میان مردم، آنها را به عبادت و خودسازی و واگذاری امور به خداوند و قضا و قدر و پرهیز از دخالت در امور دنیوی تشویق می کردند گو این که ترویج تفکر جبرگرایی که تز عقیدتی امویان بود شاخه ای از همین سیاست کلی محسوب می شد. آن دسته از مردم را هم که با این حرفها خام نمی شدند و دست از مبارزه بر نمی داشتند با وحشیانه ترین روشها سرکوب

می کردند و از این طریق جو رعب و وحشت نیز به کمک آنها می آمد.

اکنون مساجد فقط پایگاه عبادت بود و نه سیاست و اهالی آن نیز افرادی که صرفاً برای امور عبادی به آن جا می آمدند. بعدها عباسیان با اقدامی که در ساختن شهر بغداد صورت دادند آخرین ضربه را به موقعیت اجتماعی مساجد وارد آوردند.

بنی عباس بر خلاف سنت رایج که مسجد مرکز شهرها و بخصوص شهرهای تازه تاسیس بود در پی ریزی و بنیادگذاری بغداد به گونه ای عمل کردند که دارالاماره را مرکز شهر قرار دادند، این اقدام نوآوری برجسته ای تلقی شد، فاطمیان مصر نیز از همین سنت پیروی کردند. (۱۳۳)

بدین ترتیب مرکزیت و موقعیت مسجد نسبت به بافت شهرهای اسلامی از دست رفت و بدین گونه دوران گوشه نشینی مساجد از عرصه جامعه آغاز گشت و نهادی که پیامبر بزرگوار اسلام به عنوان رکن اساسی و نخستین نهاد جامعه اسلامی به دست مبارک خود تاسیس نموده بود، به حاشیه رانده شد.

تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن

پیش از این اشاره شد که مساجد در صدر اسلام مرکز اصلی علمی و آموزشی در جامعه محسوب می شد و علت اصلی آن نیز محدودیت علوم به علوم دینی بود. اما با گسترش مرزهای جغرافیایی تمدن اسلامی و ورود مناطقی چون ایران و مصر و شام به حوزه این تمدن سرمایه های گرانبهای علمی این مناطق نیز وارد گستره تمدن اسلامی گشت و از این رو دریچه های جدیدی از علوم مختلف به روی مسلمین باز شد، مسلمینی که قبلاً به روح کنجکاوی و علاقه مندی آنان در مسیر علم آموزی اشاره شد و بذره های متعددی که

قرآن و سنت در جانهای آنان کاشته بود بیان گردید. اکنون زمینه های بکر و مساعدی را یافته بودند، لذا با عطشی باور نکردنی تلاش علمی سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و طبیعتاً نخستین گام انتقال و اقتباس این علوم بود و لازمه این اقتباس ترجمه علوم به زبان مسلمین، زبان عربی، از این رو نهضت ترجمه آغاز گشت و در کوتاه مدت با حمایت جدی حکمرانان مسلمان بخش زیادی از کتب دانشمندان جهان در علوم مختلف ریاضی، طبیعی و انسانی به زبان عربی بازگردانده شد. آن چه در این بحث اهمیت دارد مکان این فعالیتها بود. ترجمه نیازمند یک محیط مساعد بود و این محیط مساعد کتابخانه ها بودند. لذاست که در دوران عباسی شاهد تاسیس کتابخانه های عظیم هستیم.

به دوران اموی کتابخانه اهمیتی نداشت و چون به دوران عباسی کار ترجمه بالا گرفت و کاغذ سازی پیش رفت، وراقان پدید شدند که کارشان نویسانیدن و خرید و فروش کتاب بود و مکانهای وسیع داشتند که دانشوران و ادیبان در آن جا فراهم می شدند. به دنبال این نهضت کتابخانه ای بزرگ پدید آمد که کتابهای دینی و علمی در آن نگهداری می شد و بعدها همین کتابخانهها معروفترین مراکز فرهنگی دنیای اسلام شد. (۱۳۴)

بدین ترتیب در محیط تمدن اسلامی کتابخانه ها اولین رقیب مساجد رد حوزه فعالیت علمی و فرهنگی محسوب می شدند. اما کار به این جا قرار نیافت. بلکه اکنون این علوم دخیل و همین طور علوم اصیل نیاز به طبقه بندی و به اصطلاح تخصصی شدن داشت. چرا که پس از گسترش فرهنگ و پیدایش روح تحقیق

و پژوهش ، دانش ، به اعتبار موضوعات مورد نظر متعدد می شود. زیرا که رسیدگی محققانه به موضوع نیاز به انگاره تخصصی و محدوده ویژه و حوزه خاص تحقیقی پیدا می کند. این حالت موجب می شود تا دانش و آگاهی درباره چیزها به رشته های گوناگون منقسم شود.

در فرهنگ اسلامی نیز این اصل تحقیقی و شناختی عملی شد. مسلمین از سده های نخستین ، معلومات و تالیفات خویش را دسته بندی کردند و علمها را از یکدیگر جدا ساختند و سنت تخصصی و انشعاب در علم را در فرهنگ خویش با بنیانی استوار پی افکندند و پی گرفتند. (۱۳۵)

این تخصصی شدن منجر به پیدایش دهها رشته علمی شد. به طوری که کشف الظنون به عنوان یکی از کتب معتبر به تنهایی ۲۶۰ رشته علمی را در دوران مولف در خود ثبت کرده است و پیرامون هر یک توضیحاتی داده است .

این گسترده گی و انشعاب نیازمند محیط مناسبی نیز بود چرا که مساجد با سادگی و امکانات محدود خود تکافوی نیاز پژوهشگران و طلاب این علوم را نمی داد. لذا به زودی تحولاتی در ساختار و استفاده از مساجد پدید آمد. پس دومین عامل پس از نهضت ترجمه در ایجاد تحول در کارکرد آموزشی و علمی مساجد مقوله بود.

نظام جدید در استفاده از مساجد عبارت بود از وارد شدن مدارس در آن و به وجود آمدن مجموعه هایی تحت عنوان مجتمع مسجد و مدرسه و همین امر بالطبع در نقشه ساخت مساجد تغییراتی را حاصل می کرد.

باید تاسیس چنین مجتمع هایی را به دوران معلم بزرگ امت و بلکه بشریت صادق آل محمد (ص)

(پیش برد. نمونه ساده این مجموعه ها که اقامتگاه طلاب را نیز شامل می شد مسجد مدینه بود. اما چندی بعد به سرعت در سراسر بلاد اسلامی رواج یافت. نخستین این گونه مجتمع ها الازهر در قاهره بود (۱۳۶))

الازهر که در ابتدا یک مسجد جامع بزرگ بود پس از مدت کوتاهی به یک مجموعه مسجد و مدرسه تبدیل گشت. در الازهر ابتدا فقط امور مذهبی شیعیان برگزار می شد. ولی به زودی در اثر تحولاتی که در جهان اسلام رخ داد و قدرت فاطمیان افزایش یافت این مسجد و مدرسه به مرکز تعلیمات عالی تشیع و به ویژه شیعه اسماعیلی که مذهب رسمی حکومت فاطمیان مصر بود تبدیل گشت. (۱۳۷))

مجموعه های مشابهی مانند نظامیه در دیگر نقاط جهان اسلام تاسیس شد که همگی دارای امکانات خوبی بودند. در این مجموعه های علاوه بر مدرسه و کتابخانه و حجره های طلاب گاهی وسایل معالجه دانشجویان و مدرسان بیمار و مکتب خانه برای تحصیل کودکان نیز تاسیس می گردید. (۱۳۸))

باید توجه داشت که تمامی این مدارس و مساجد موقوفاتی داشتند که در آمد آنها کاملاً صرف نگهداری مدرسان و دستیاران ایشان و دیگر خدام و همچنین تعمیر و مرمت بناها و امور دیگر می گشت. (۱۳۹))

پرسش مهمی که پیش می آید این است که این مجموعه ها که از آنها سخن رفت برای علوم انسانی و اسلامی محیطی مفید و مطلوب بود. اما آیا این مجموعه ها برای علوم ریاضی و طبیعی نیز مناسب بود؟ پاسخ این سوال منفی است. علوم ریاضی از قبیل جبر، فیزیک، مکانیک، نجوم، هیات و...ت و علوم

طبیعی و تجربی همچون طب ، داروسازی ، شیمی ، فلاحت و نیز علمی چون جغرافیا نیازمند مراکز علمی چون آزمایشگاهها، بیمارستانهای آموزشی و رصدخانه ها و زمینهای وسیع کشاورزی و... بودند که جمع کردن آنها در این مجموعه ها امری غیر ممکن به شمار می رفت .لذا این نیاز منجر به تاسیس مراکز عالی آموزشی به سبک دانشگاهها گشت که تا حدود زیادی فاقد ارتباط مستقیم با مساجد بودند و بدین ترتیب سومین عامل در راستای تحول کارکرد آموزشی مساجد یعنی تاسیس دانشگاهها نیز شکل گرفت و لذا مساجد به تدریج شرایط آموزشی و علمی خود را از دست دادند و این وظیفه بر عهده دانشگاهها و مراکز علمی دیگر قرار گرفت . گر چه این بدان معنا نیست که این امور در مساجد مختل شد بلکه همچنان بحث آموزش قرآن کریم و مسائل فقهی و علوم دینی در آن رایج بود.اما سطح این فعالیتها یک سطح عمومی و محدود بود و شکل تخصصی و پژوهشی به خود نمی گرفت .

در پایان این بخش لازم است یک نکته تذکر داده شود که نگارنده تحول فوق الذکر را یک تحول منفی ارزیابی نمی کند، بلکه آن را مثبت و اجتناب ناپذیر می داند.در فصول قبل اشاره شد که به نظر نمی رسد کارکرد علمی و آموزشی جزء کارکردهای اصیل مسجد محسوب شود، بلکه در آن شرایط خاص صدر اسلام مسجد بهترین مکان برای این فعالیتها بود.بعدها با دگرگونی شرایط، طبیعی بود که این کارکرد موقت به نهادهای دیگر واگذار گردد.بنابراین آن چه که همواره مهم بوده و هست حفظ ارتباط مساجد با این محیطهای

علمی در جهت هدایت این فعالیتها به سوی اهداف عالی دین است .

اثرات جریان صوفیه و خانقاه در کارکرد مساجد

در این بخش به بررسی مختصر یکی از جریانهای مهم و فعال جامعه اسلامی و اثرات غالباً منفی آن بر مسجد و کارکردهای آن می پردازیم . این جریان عبارت است از جنبش صوفی گری و تصوف که در دورانی در جامعه اسلامی سر بر آورد و در جلب افکار عمومی به سوی خود تا حدود زیادی موفق بود، در بررسی لغوی کلمه صوفی باید گفت در باب ریشه آن اختلاف اقوال وجود دارد. آن چه قدمای صوفیه گفته اند و قاعده اشتقاق هم با آن موافقت دارد این است صوفی از صوف گرفته شده است به معنی پشم ، این وجه اشتقاق را بسیاری از مولفان صوفیه و دیگران هم نقل کرده اند و اشکالی بر آن وارد نیست ، سبب انتساب قوم نیز به این نسبت ، پشمینه پوشی آنها بوده است که در زمان قدیم شعار زاهدان و نیکان به شمار می آمده است . (۱۴۰)

صرف نظر از بررسی لغوی آن ، در باب خود این جریان و ویژگیهای و نیز نحوه سر بر آوردن آنان باید گفت در حالی که محافل علمی و مدارس سرگرم مباحثات غالباً غامض فکری و فقهی بودند، تحول اسلامی دیگری صورت گرفت که همانا عبارت بود از جنبشهای عرفانی و افراطی ، جنبشهای عرفانی که اسم عام آن در اسلام تصوف است ، صرفاً از افرادی واجد تجارب معنوی و فلسفه های گوناگون تشکیل نمی شد. بلکه به زودی شامل انجمنهای اخوت شد که به کلیه سطوح اجتماع نفوذ کرد و مبدل به یکی از ارزنده ترین

البته نگارنده از این که عرفان اسلامی را منحصر در تصوف بدانند ابا دارد، چرا که شخصیت‌های عارف فراوانی در طول تاریخ اسلام بودند که مبادی آداب صوفیه و اهل روش آنها هم نبودند و نیز در وجود مقدس امیرالمومنین (ع) که سر سلسله همه عرفا بود نیز نشانی از صوفی‌گری مشاهده نمی‌شود. گرچه می‌توان این جریان را در قالب یکی از جنبش‌های عرفانی بررسی نمود.

به هر حال صوفیه جماعتی از مسلمین بوده‌اند که اساس کار آنها در عمل بر مجاهدت مستقل فردی و در علم بر معرفت مستقیم قلبی مبتنی بوده است. گرچه بعضی از آنها با وجود اعتقاد به ارتباط بلاواسطه با حق و در عین اتکاء بر کشف و شهود شخصی، متابعت از شریعت را نیز به منزله مقدمه و شرط راه، لازم می‌شمرده‌اند و در جاهایی که کارهاشان با ظاهر شریعت موافق نمی‌بوده است؛ یا ظاهر شریعت را تاویل می‌کرده‌اند یا طرز کار خود را به نوعی توجیه می‌نموده‌اند. لیکن به سبب استقلالی که در عمل و طریقت خویش داشته‌اند هم متشرعه که اهل سنت و جماعت بوده‌اند خود را از آنها کنار می‌کشیده‌اند هم علماء که اهل معرفت عقلی و استدلالی بوده‌اند آنها را گمراه می‌شناختند. (۱۴۲)

این جریان نیز مانند هر جنبش دیگر برای سازماندهی خود نیازمند پایگاهی بود. لذا اینان مرکزی را با عنوان خانقاه برای این امر در جامعه اسلامی تاسیس نمودند. این مرکز ضمن این که پایگاه تشکیلاتی صوفیه

تلقى می شد، اقامتگاه دائمی کسانی که زندگی خود را وقف ارشاد معنوی یا تهذیب نفس می کردند و نیز محلی برای اقامت موقت سالکان یا دیگران به شمار می آمد. در این خانقاه ها مراحل مختلف ریاضت و خلوت، روح سالک را ترقی می بخشید و غالباً صحبت و ارشاد پیر و مرشد وی را در طی این مرحله ها رهبری می کرد: نکته مهم آن که وقتی سالک مراحل سلوک را می پیمود و از شیخ دستور و اجازه برای ارشاد می یافت، از خانقاه شیخ بیرون می آمد. اما در جای دیگر مثلاً شهری دیگر خانقاه تازه ای که در واقع چون شعبه ای از خانقاه شیخ بود پدید می آورد و بدین گونه از یک خانقاه که شیخ و مرشدی در یک شهر به وجود آورده بود، چندین خانقاه دیگر در بلاد مختلف پدید می آمد که شیوخ و مرشدان همه آنها جملگی نسبت به شیخ خانقاه نخست حالت تسلیم و فرمانبرداری داشتند و در همه موارد دستور او را به کار می بستند و اهل طریقت او به شمار می آمدند (۱۴۳) و بدین ترتیب این نهاد جدید در جامعه اسلامی به صورت شبکه ای پیوسته و کارآمد فعالیت می کرد.

این خانقاه از سه جهت بر کارکرد مساجد تاثیر منفی گذاردند. اول اینکه خانقاه صرفنظر از جنبه تعلیمی که برای سالکان داشت، مکان عبادت و ذکر و سلوک منوی نیز تلقی می شد. در خانقاه ها اوراد و اذکار و ریاضات و چله نشینها رایج بود که غالباً اشتغال به آنها بیشتر اوقات سالکان طریق را مستغرق می داشت

، در این خانقاه ها سالکان و فقیران خلوت نشین نیز مانند شیخ خانقاه ، زاویه خاص خویش داشتند. اما ذکر دسته جمعی و درک صحبت شیخ و صرف طعام و حلقه سماع آنها غالباً در جماعت خانه منعقد می شد. (۱۴۴) بدین ترتیب این اولین بار بود که در حیطة جهان اسلام مرکزی جدید علاوه بر مسجد تاسیس می شد که در آن مراسم عبادی و آیین بندگی و حتی صف نماز بر پا می گردید و حال آن که تا پیش از آن ، این امر صرفاً منحصر در مساجد جوامع اسلامی بود. لذا مسجد که از صدر اسلام تنها مرکز عبادی جامعه اسلامی محسوب می شد امتیاز انحصاری خود را از دست داد و در حوزه کارکرد عبادی و دینی با یک رقیب سر سخت و جذاب برای مردم روبرو گردید.

دومین اثر منفی تصوف و خانقاه بر جامعه و مسجد، روش خاص عبادی حاکم بر خانقاه بود نوعی نیایش انفرادی را ارایه و تکمیل کردند که نقطه مقابل عبادت اجتماعی که از ویژگیهای اسلام در ادوار قبل بود به شمار می رفت و پرستش زهاد منفرد برای دیگران منبع قداست شد. این امر همچنین موجب شد مساجد عظیم جمعه قرون اولیه اسلامی جای خود را به تعدادی حریمهای کوچک بدهد که بر نیایش فردی در محیطی آرام که منتهی به عبادت و مراقب می شد تاکید داشت. (۱۴۵)

به عبارت دیگر خانقاه بر خلاف مسجد که نماد روحیه جمعی مسلمین و پایگاه وحدت و اتحاد و جایگاه عبادت دسته جمعی بود، به سیر و سلوک فردی و گوشه نشینی و کناره گیری از جمع تشویق می

کرد. استقبال عمومی از این تفکر سنگینی بود بر کارکرد عبادت مساجد که بر جمع گرایی تاکید داشت .

نکته سوم در این زمینه مربوط می شود به روش تبلیغ صوفیه و خانقاه علیه مسجد و اهالی آن . همان طور که اشاره شد اهل سنت و جماعت و متشرعین از بزرگترین مخالفان صوفیه به شمار می آمدند و تا آن جا که دستشان می رسید از دشمنی با آنان کوتاهی نمی کردند و لذا صوفیه نیز مقابله به مثل می کردند و علیه آنها تبلیغ می نمودند و بخصوص پایگاه اصلی آنان راکه مسجد بود هدف حملات تبلیغی قرار می دادند تا جایی که متشرعه اهل ظاهر و ریاکار و اهل مسجد پیروان ظاهری دین و مسجد مامن زاهدان ریاکار معرفی می گردید. البته ما در مقام قضاوت نیستیم و نمی گوئیم که کدامیک حق داشتند و کدامیک صحیح می گفتند اما آن چه که بر آن تاکید داریم این است که این تبلیغات صوفیه که نفوذ فراوانی نیز در میان طبقات مردم داشتند منجر به تضعیف قداست مسجد این پایگاه اصیل اسلام شد و حتی در ادبیات رایج میان توده مردم نیز متاثر از همان تبلیغات به مسجد و اهالی آن طعنه زده می شد، بدین ترتیب صوفیه و مرکز آنها خانقاه اثرات منفی فراوانی جایگاه مسجد در جامعه اسلامی و کارکرد عبادی و دینی به عنوان ثابت ترین کارکرد آن بر جای می گذارد که عقبه آن تا دوران معاصر نیز بر جای مانده است .

مسجد مهد هنر معماری اسلامی

قسمت اول

در دوران صدر اسلام مسجد محیطی بی آرایش و نوع معماری آن ساده و نزدیک به روح سادگی

اسلام بود. اما به تدریج این سادگی جای خود را به تجمل داد و نوع معماری نیز تغییر کرد.

شیوه و سبک معماری مسجد بر اسلوبی که در زمان پیامبر و خلفای راشدین بود باقی نماند و همپای گسترش و شکوفایی تمدن اسلامی دگرگون شد. شکل کلی بنای مسجد نسبت به سابق تغییر کرد و به تناسب دولتهای جدید و ملتهای صاحب تمدن از عناصر جدیدتری برخوردار شد. (۱۴۶)

این تحول از دوران اموی آغاز شد. تا زمان عبدالملک و ولید، خلفا اشتیاقی به معماری و شکوهمند ساختن مساجد از خود نشان نمی دادند. این دو نفر مساجد جدیدی را در بیت المقدس (قبه الصخره) و در دمشق (مسجد اموی) ساختند و دومی از آن جهت به این نام خوانده شده است که جانشینان ولید نیز در ساختن و آراستن آن سهیم بوده اند. این هر دو بنا به گونه ای متمایز از مساجد پیشین بود (۱۴۷) و تاسیس و ساختن آنها را باید نقطه آغاز تحول در معماری مساجد و ایجاد یک کارکرد جدید برای آنها یعنی کارکرد هنری و معماری تلقی کرد. ماجرای ساختن قبه الصخره به دست عبدالملک خلیفه اموی از این قرار است که، عبد الملک مردم شام را از حج بازداشت و آن بدان جهت بود که هر گاه به حج می رفتند (عبدالله) بن زبیر (که در مکه خروج کرده بود و مردم را به بیعت خویش می خواند) آنان را به بیعت می گرفت و عبدالملک که چنان دید، ایشان را از رفتن به مکه منع کرد. پس مردم به فریاد آمدند و گفتند: ما را از حج خانه خدا که

بر ما واجبی است خدایی ، باز می داری ؟ به آنان گفت : این پسر شهاب زهری است که برای شما نقل حدیث می کند که پیامبر خدا گفته است : بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد ، مسجد الحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس . و آن برای شما به جای مسجد الحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس و آن برای شما به جای مسجد الحرام است و این سنگی که بر حسب روایت پیامبر خدا چون خواست به آسمان بالا- رود پای خویش بر آن نهاد برای شما به جای کعبه است . پس بر آن صخره قبه ای بنا نهاد و پرده های دیا بر آن آویخت و خدمتگزارانی بر آن گماشت و مردم را گرفت تا چنان که پیرامون کعبه طواف می کنند پیرامون آن طواف کند و در دوران بنی امیه این رسم برقرار بود.(۱۴۸)ولید بن عبدالملک نیز مسجد دمشق را در سال ۸۸ هجری بنیان نهاد و در ساخت آن هزینه بسیاری صرف کرد به طوری که برخی نقل کرده اند که ولید هفت سال مالیات کشور خود را بر آن خرج کرد (۱۴۹)به هر حال مسجد دمشق در نوع خود بی نظیر بود چرا که نخستین مسجد عظیم و پر شکوه در تاریخ تمدن اسلامی محسوب می شد و به واقع از معجزات هنر اسلامی به شمار می رفت و تا کنون نیز جلوه و زیبایی خود را حفظ کرده است .محل مسجد امویان دمشق قرنها معبد بت پرستان بود و سپس جایگاه کلیسای حضرت یحیی شد. معمارانی که در خدمت ولید

بودند کلیسا را خراب کردند. ولی دیوار خارجی و چهار برج چهار گوشه و دو ردیف ستونهای طاقدیس مقابل مدخل و درگاههای معبد رومی را باقی گذاشتند و مسجد را طوری بنا کردند که با این آثار بازمانده متناسب باشد. (۱۵۰) بنای این مسجد حدود هشت سال زمان برد و در ساختن این مسجد ملیتهای مختلف خاورمیانه اشتراک مساعی کردند. ولی سبک ساختمان، بیزانسی است. دیوارهای پوشیده از موزائیک های شیشه ای و نقاشی به سبک رومی است. در ضمن آثار هنری ساسانی مثل نقش شیرهای بالدار و جانوران افسانه ای در آن وجود دارد. به علاوه ستونها و مقصوره و رواق و گنبد روی محراب، جامع دمشق را نخستین و عالیترین نمونه مساجد قدیم اسلامی ساخته است. (۱۵۱) بدین ترتیب مشاهده می کنید که رفته رفته با گسترش مرزهای تمدن اسلامی و تعدد قومیتها و ملیتهایی که در حوزه این تمدن واقع شدند، عناصر فرهنگی و تمدنی آنها نیز با فرهنگ اسلامی آمیخته شد و حتی در عرصه هایی مانند معماری اسلامی مساجد ظهور و بروز یافت. عناصر و اجزایی که از معماری قدیم اخذ می شد به تدریج با هدفهای دین جدید تطبیق می گشت و در تحول معماری اسلامی تاثیر بخشید. به طوری که سبک معماری بیزانس در مساجد دوره اموی رواج و نفوذ عمده داشت. البته این سبک در دوره های بعد به ویژه از اواسط دوره عباسی جای خود را به شیوه معماری ساسانی داد که در سراسر جهان اسلام تسری یافت. (۱۵۲) بعد از جامع دمشق مسجد عمر و عاص در فسطاط مصر و مسجد الاقصی در بیت

المقدس که به امر ولید بن عبدالملک بر جای کلیسای ژوستی نین احداث گردید و سپس مسجد جامع قرطبه در اسپانیا که در ۱۷۵ هجری قمری به وسیله امرای اموی اندلس ساخته شد همه از نمونه های مساجد عهد اموی هستند که باقی مانده اند. (۱۵۳) که در این میان مسجد جامع قرطبه از اهمیت و شکوه خاصی برخوردار است چرا که در غرب جهان اسلام در اروپا ساخته شد. این بنا را عبدالرحمن اول خلیفه اموی اندلس در سال ۱۶۸ هجری قمری بنیان نهاد و هشتاد هزار دینار در بنای آن خرج کرد. و فرزند وی به سال ۱۷۷ هجری قمری آن را به پایان برد و از پس وی دیگران به تزیین آن پرداختند تا به شمار زیباترین مساجد دنیای اسلام در آمد. ردیف ستونهای مسجد از شرق به غرب نوزده و از شمال به جنوب سی و یک عدد بود و بیست و یک در داشت که آن را با مس صیقلی پوشانیده بودند. ستونهای محراب را از نقره ساخته و به خاتم کاری بدیع آراسته بودند. منبر مسجد را از عاج و چوبهای گران قیمت ساخته بودند که سی و شش هزار قطعه چوب در آن به کار رفته و به میخهای طلا و نقره به هم پیوسته بود و با جواهر مزین شده بود. چهار محل شستشو در مسجد بود که از کوهستانهای اطراف به وسیله لوله آب بدان می رسید. در سمت غربی مسجد برای توقف مسافران و درماندگان جاهایی ساخته شد بود. صدها شمعدان در مسجد نصب شده بود که شمعهای بزرگ شبانه روز در آن می سوخت. سیصد مرد به خدمت

مسجد قیام می کردند و عنبر و عود می سوختند و هزاران قندیل را روغن می کردند. (۱۵۴)

مسجد النبی و مسجد الحرام در مدینه و مکه نیز از این کار کرد کلی و جدید مساجد در عرضه هنر معماری مستثنی نبودند و بلکه پس از صدر اسلام در هر دوره تحولات جدیدی می یافتند و بر وسعت و عظمت آنها و نیز زیبایی معماری آنها افزوده شد. به طوری که به زودی آن مسجد ساده جای خود را به مسجدی مجلل و عظیم داد. مسجد الحرام نیز در دوران اموی و به دست ولید بازسازی شد. بنا بر نقل ، وی سی هزار دینار نزد خالد بن عبدالله قسری فرماندار مکه فرستاد و آنها را به صورت تخته های نازک پهن در آوردند و بر در کعبه و ستونهای داخلی و ارکان کعبه و ناودان زدند. بدین ترتیب ولید نخستین کسی در اسلام بود که کعبه را زرنگار کرد. (۱۵۵) در دوران عباسی نیز در زمان منصور مسجد الحرام بازسازی شد و به اندازه وسعت مسجد الحرام در آن زمان بر آن افزوده شد. شروع این کار در سال ۱۳۸ هجری قمری و پایان آن سال ۱۴۰ هجری قمری بود. (۱۵۶)

آن چه که مسلم است معماری ساده اسلامی ، شیوه های متعددی را از تمدنهای فرهنگهای دیگر اخذ نمود و همانطور که در عرصه علم و دانش ، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه علم و دانش ، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه هنر و به ویژه معماری نیز از این کار باز نماندند و بزرگترین شاهد این مدعا بنای مساجد در این دوران است. مظاهر گوناگون فرهنگ

و هنر اسلامی در طی قرنهای دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که امروز یک مورخ دقیق و روشن بین می تواند تنها از مطالعه در مساجد، تصویر روشنی از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند. اشتراک مساعی اقوام و امم مختلف اسلامی در تکمیل و تزین مساجد با وجود حفظ خاصیت‌های ملی و محلی نوعی جهان وطنی را در معماری اسلامی سبب شده است که از مفاخر معنوی مسلمین بشمارست. (۱۵۷)

به هر حال آن چه که مسلم است در طول نسلها و قرون در فاصله آفاق مختلف هنر اسلامی ملجای پاک تر و نمایشگاهی امن تر از مسجد نداشته است. (۱۵۸) به طوری که در بنای بسیاری از مساجد هنرهای مختلف به هم در آمیخته است معماری در توازن اجزاء کوشیده است. نقاشی به نقوش و الوان، شعر، موعظه ها و ماده تاریخها عرضه داشته است و موسیقی هم برای آن که از دیگر هنرها باز نماند در صدای موزن و بانگ قاری و واعظ مجال جلوه گیری یافته است. حتی صنعت‌های دستی هم برای تکمیل و تزین این مجموعه الهی به میدان آمده اند: فرشهای عالی، پرده های گرانبها، قندیل‌های عظیم و درخشان، منبت کاری های و مليله دوزیها نیز در تکمیل زیبایی و عظمت مسجد نقش خود را ادا کرده اند. (۱۵۹) آن چه نباید از نظر دور داشت این که درست است که بسیاری از اشکال ریشه در تمدنهای قبل از اسلام دارند و حتی برخی معانی نمادین عناصر و راز و رمز معنویشان نیز مورد توجه بسیاری ملل و

جهانبینی‌ها بوده است، اما باید توجه کرد که اولاً بنا به تأکید غالب محققان، فرم‌های اخذ شده از سایر ملل و تمدن‌ها توسط مسلمان به گونه‌ای استحاله یافتند که پس از مدتی هویتی کاملاً اسلامی به خود گرفتند. ثانیاً ابایی از این نیست که برخی اشکال یا مفاهیم از سایر تمدن‌ها که به هر حال به آیینی اکثر در بنیان الهی معتقد بوده‌اند، اخذ شود و باز بودن پیرایه‌های آنها و همچنین تکامل و تعالیم به عنوان عنصری اسلامی و مورد پذیرش مسلمان بدل گردد. ثالثاً این توصیه اسلام است که در آثار پیشینیان غور و دقت کنید و ضمن رد بدیها و اشکالات، نیکیه‌های آنها را اخذ کنید. (۱۶۰) بدیهی است که آثار هنری مسلمان در زمینه‌های تصویری، تجسمی، معماری، خطوط هندسی و نقش و نگارها از یک مایه غیر مادی و ماورایی برخوردار است و این از متن تفکر مذهبی و لایه‌های مکتب شریف اسلام سرچشمه می‌گیرد. چرا که نگاه هنرمند مسلمان به هستی با نگرش یک انسان مادی متفاوت است. (۱۶۱) بنابراین هنرمند مسلمان طرحهایی را در مسجد اجرا می‌کند که در جهت تقویت معنویت و افزایش حضور قلب مومنین به هنگام حضور در مسجد و سوق دادن آنها به سوی مبدا هستی باشد.

اگر در و ایوان مساجد منحنی است، اگر پیشانی محراب و سقف مساجد خمیده است، بیان‌کننده آن روح تعبد و تسلیم و رکوع بنده در برابر خالق است. (۱۶۲) و اگر همه چیز در مناره و گنبد در شکلی دایره وار در

نهایت به یک ختم می شود، نمادی از توحید ناب اسلامی است که مساجد منادی و پایگاه آن بوده است .

قسمت دوم

از مهمترین ویژگیهای مساجد و بناهای دینی مسلمانان می توان به این سه امر اشاره کرد:

۱- رواقها و ایوانهای محیط بر صحن مسجد.

۲- به کار بردن خط کوفی و نقشهای نوشتاری برای تزیین دیواره ها و کنار و لبه سقفها.

۳- قوسی شکل بودن بالای درها و مدخلها و سقفها... حالت انحنا و قوسی بودن در معماری اسلامی معنا عمیق و خاصی می تواند داشته باشد. این انحنا بیشتر در شکل گنبدها، محرابها، سردرها، ایوانها و قسمتهایی از رواق وجود دارد. (۱۶۳) بدین ترتیب مساجد که بخش زیادی از کارکردهای مهم خود را در جامعه از دست داده بود و تا حدود زیادی از محتوا خالی شده بودند با به دست آوردن یک کارکرد جدید یعنی تبدیل شدن به مهد هنر معماری اسلامی مجدد در عرصه جامعه توجهات را به سوی خود جلب نمودند؛ اما این بار از منظری دیگر و تاریخ این چنین گواهی شد، برای تحقق پیش بینی امیر المومنین علی بن ابیطالب (ع) درباره آینده امت اسلامی و سرنوشت مساجد.

علل ظهور این کارکرد جدید

در بیان علل ظهور این کارکرد جدید در مساجد تا حداقل دو دیدگاه متفاوت و بعضا متضاد وجود دارد. یک دیدگاه می گوید در دوره امویان و با رشد روحیه تجمل پرستی و کاخ نشینی حاکمان و امیران نوعی رقابت با کلیساهای مسیحی و قصرهای حکومتی بیزانس و روم ایجاد شد. خلفای بنی امیه در ساختن قصرها، کاخها، قلعه ها و حتی مساجد مجلل بسیار کوشیدند... هنر بیشتر در خدمت حاکمان و

اطرافیان آنان بود و امکان سر پیچی از فرمان خلفا و امر در به استخدام در آوردن معماران هنرمند برای ساختن مدارس ، مساجد و قصرها نبود. انگیزه غالب این حاکمان در ساختن مدارس و مساجد حکم نام خویش بر پیشانی ساختمان بود. (۱۶۴) اما دیدگاه دیگر معتقد است چه کسی گفت که در اسلام ، دین را با هنر سازگاری نیست . بر عکس این هر دو با یکدیگر ملاقات می کنند آن هم در مسجد..حقیقت آن است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می دید اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می یافت سعی می کرد تا به هنگام فرصت برای آن در مسجد جایی باز کند. (۱۶۵) این دو دیدگاه گر چه در ظاهر متضاد به نظر می رسند اما در واقع چنین نیست . بلکه اختلافی که مشاهده می شود ناشی از تفاوت منظر هر یک از صاحب نظران است . در این صورت اگر منظر هر دیدگاه را درست تشخیص دهیم خواهیم دید که هر دو دیدگاه کاملاً صحیح و دقیق است . منظر دیدگاه اول ، حاکمان سیاسی جامعه و انگیزه های نفسانی در ساختن مساجد بوده است . بدون تردید خلفای اموی و عباسی درد دین نداشتند و لذا این که در پی رقابت یا جاودان کردن نام خود بوده اند سخن درستی است . اما منظر دیدگاه دوم ، هنرمندان و معماران عاشق و مومنی است که نه به اجبار و اکراه و با بی علاقه‌گی بلکه با شور و اشتیاق که از یک انگیزه الهی و ایمانی ناشی می شد

تلاش می کردند و لذا آن چه می آفریدند به راستی زیبایی بود که آن را به محضر باری تعالی تقدیم می نمودند. برای درک بهتر این دو منظر متفاوت لازم است هر یک را بیشتر توضیح دهیم. در باب حاکمان سیاسی و انگیزه های آنان باید گفت: تا زمانی که مرکز حکومت اسلامی در مدینه بود، خلفای چهار گانه همچون پیامبر از اسراف و هر چه که مظهر اشرافیت بود پرهیز می کردند، ولی در زمان معاویه که حکومت به دمشق منتقل شد، این سنت تغییر یافت. در این زمان معاویه با مشاهده معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان اقدام به برپایی مساجدی پر شکوه تر از این ساختمانها کرد. (۱۶۶) پس از معاویه نیز سایر خلفا از روش او پیروی کردند و بلکه آن را توسعه دادند ساخت بسیاری از مساجد مجلل در شام توسط خلفای اموی برخاسته از تاثیر پذیری از کلیساها و با انگیزه های سیاسی و رویارویی با پایگاه های دینی مسیحیت بوده است. (۱۶۷) این انگیزه ها گاه به قدری قوی بوده که حتی اگر خلیفه ای مصمم به جلوگیری از این تجمل گرایی می گردید او را متقاعد می کردند که به صلاح جامعه اسلامی نیست. به عنوان نمونه عمر بن عبدالعزیز وقتی به خلافت رسید کسانی را به مساجد فرستاد تا هر چه مرمر و کاشی و زر در آن است بردارند و از مسجد بیرون کنند و می گفت: مردم با دیدن اینها از حضور قلب در نماز خود باز می مانند. به او گفتند. وسیله ای است برای زبونی دشمن، پس آن را رها کرد. (۱۶۸)

این

دیدگاه که توانست خلیفه را متقاعد کند در واقع معتقد بود که مسجد بنایی سمبلیک است و نماد و نمود دین به شمار می رود و عظمت مسجد یادآور عظمت و عزت اسلام و مسلمانان است؛ و بر عکس محقر بودن آن چه بسا ضعف و فقر و ناتوانی مسلمانان را در اذهان تداعی کند. (۱۶۹) البته همه انگیزه ها هم ناشی از رقابت و رویارویی با بیگانگان نبود. برخی از مساجد با شکوه توسط حاکمان به ظاهر مسلمانی بنا شده که قصد داشتند از این راه یاد و نام خود را جاودان سازند و یا با سفارش به دفن بدنشان در کنار مسجد گور خود را مصونیت بخشند و دارای موقعیتی ممتاز نمایند. گاهی هم پرداختن به این کار ناشی از حس منفعت طلبی و کسب آبرو و حیثیت دنیوی بوده است. (۱۷۰) علاوه بر این انگیزه های فردی، با در نظر گرفتن مسایل جامعه شناختی یکسری انگیزه های اجتماعی که در واقع بازتاب شرایط روانی افراد در جامعه است را نیز می توان یافت.

به عبارت دیگر می توان روی آوردن به آراستن مساجد و پر زرق و برق کردن آن را به دلیل کنار نهادن ارزشهای حقیقی دانست. به دیگر سخن نوعی پیوستگی و همراهی میان گسستن از ارزشها و گرایش به آراستن مساجد و مظاهر دینی وجود دارد. به نظر می رسد نکته روانی همراهی میان این دو پدیده آن است که انسان هم در رفتار فردی و هم در رفتار اجتماعی هر گاه از پرداختن به اصالت و ارزشهای حقیقی دست بر می دارد، به آراستن ظاهر می پردازد. جامعه ای که

در تضاد میان دین و دنیا در حقیقت دنیا را برگزیده است ، هر گاه حس مذهبی خود را به طور کامل از دست نداده باشد برای پاسخ گفتن به ندای این حس به آراستن مظاهر دینی همچون مساجد روی می آورد.(۱۷۱) به هر حال مشاهده کردید که همه انگیزه ها و تمایلات که بر شمرده شد در مسیر خواهشهای نفس و انحراف از دین خدا بود و هیچ یک در جهت تعظیم شعائر الهی و ارزشهای دینی نبوده است . لذا بدیهی است که این منظر، منظری قابل تقبیح و نکوهش است . اما آیا همه انگیزه ها در همین جا خلاصه می شود و آن که هنرمندان نقشی اساسی تر و برجسته تر در احداث این مساجد داشته اند که بی شک پاسخ به این سوال منفی است . هنرمندان بی نام و ناشناس این مساجد که تمام هستی خویش را وقف خدمت به خداوند کرده بودند.. می کوشیده اند تا بهترین تصویری را که از زیبایی میداشته اند در طی این آثار مقدس جلوه و تحقق بخشند. (۱۷۲) مسلمانان به دلیل عظمت و قداستی که برای مسجد قایلند و آن را منسوب به خداوند بزرگ می دانند تلاش می کنند خانه خدا را هر چه بهتر و با عظمت تر بسازند. در این زمینه شواهد فراوانی وجود دارد و حتی با یک نگاه سطحی و گذرا می توان پی برد که آفرینش بسیاری از این پدیده های هنری با پشتوانه عظیمی از عشق و ایمان بوده است . (۱۷۳) در واقع این اسلام نبود دعوت به تزیین مساجد و ساختن بناهای مرتفع و معماریهای شگفت و پرشکوه

به نام مسجد کرد. زیرا با توجه به فلسفه وجودی مسجد، شکل مسجد اسلامی روشن است. این هنر بود که مسجد را به عنوان ظرفی مناسب و زمینه ای مستعد برای بروز و تجلی یافت و این هنرمندان بودند که روح تفاهم آمیز مکتب را در ارتباط با هنر متعهد شناختند. و به استقبال آن رفتند. (۱۷۴) تردیدی نیست که پرداختن به زرق و برقهای غیر ضروری و تزئینان کاخها و قصرها در مساجد از مصادیق اسراف و تبذیر مال است و این از گناهان بزرگ است. چرا که ضمن این که رواج تجمل گرایی در ساخت و سازها را به دنبال دارد. فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت که از ارزشهای مسلم اسلامی است را رفته رفته در جامعه کم رنگ می کند. (۱۷۵) علاوه بر این در شرایطی که طبقات فقیر در جامعه اسلامی به وفور یافت می شوند و رسیدگی به آنها وظیفه آحاد مسلمین است، هزینه کردن مالهای هنگفت برای ساختن مساجد به جای رسیدگی به وضع محرومین با هیچ معیار الهی و اسلامی قابل توجیه نیست. اما به یک نکته مهم نیز باید توجه داشت و آن این که به کار بستن هنر در مسجد، الزاما با ساده سازی آن منافات ندارد و مراعات همزمان هنر و سادگی هم خود نوعی هنر است. در واقع این رسالت هنرمند مسلمان است که با تکیه بر معیارهای مکتبی که یکی از آنها ساده سازی است؛ مسجد را جذاب و دلکش بسازد. به عبارت دیگر میان زیبایی و جمال با سادگی و بی پیرایگی تضادی وجود ندارد. می توان مسجد را در عین

سادگی، زیبا و دل‌انگیز ساخت. بی‌گمان خداوندی که خود زیباست و دوستدار زیبایی، خواهان زیباسازی خواه خود نیز هست. انسان نیز موجودی است که روح الهی او از عالم تناسب است و گرایش کامل به زیبایی دارد و مسجد هم خانه خدا و هم خانه مردم است. پس باید تلاش نمود تا زیبایی و دلکشی در خانه آن زیبای بی‌همتا جلوه‌گر شود. اما این زیبایی باید در چارچوب همان معیارهایی باشد که صاحب‌خانه تعیین نموده است. (۱۷۶) بدین ترتیب با رعایت هم‌زمان هنر و سادگی و پرهیز از تزئینات اشرافی مابانه و کاملاً غیر ضروری می‌توان مساجد زیبا و سازگار با روح اسلام داشت و در کنار این مساله که مربوط به ظاهر مساجد است باید به کارکردهای و محتوای آن نیز پرداخت تا این نهاد عظیم اسلامی ناقص نماند؛ چرا که مساجد هر چقدر هم زیبا باشند اگر نقش خود را در جامعه ایفا نکنند تنها موزه‌هایی برای تماشای عمومی و استفاده‌های هنری و تاریخی خواهند بود.

سخن آخر

آن‌چه گذشت نگرشی گذرا و تاریخی بود بر جایگاه مسجد، این مقدس‌ترین نهاد اسلامی در حوزه تمدن اسلامی و بررسی چگونگی تاسیس و کارکردهای آن و نیز فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ پشت سر گذارده است. بدون تردید پرداختن به تاریخ از به قصد درس‌آموزی و عبرت‌گیری نباشد از بیهوده‌ترین امور و در شکل خوشبختانه تنها یک تفنن علمی است. پس به تاریخ می‌نگریم تا برای فردای خود برنامه‌ریزی نموده و از تجربیات گذشته برای مسیر

خود استفاده نماییم. پرداختن به تاریخ تحولات مسجد به عنوان یک نهاد جامعه اسلامی نیز از این اصل کلی مستثنی نیست. آن چه مطرح شد برای این بود که بدانیم بر این نهاد چه گذشته است و چه دوره هایی را تجربه کرده است. چگونه در دوره ای مرکز بی بدیل جامعه بوده و در دوره ای به حاشیه رانده شده است. تا از آن برای تکامل بخشیدن به مساجد دوران خود و جامعه اسلامی مان بهره مند شویم. اگر امروز نظام جمهوری اسلامی پس از قرن‌ها بار دیگر داعیه دار حکومت دینی و منادی ارایه یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر احکام ناب اسلامی است باید همه لوازم و ضروریات این داعیه را نیز بپذیرد.

مسجد در چنین جامعه و نظامی باید جایگاه واقعی خود را بیابد و در این مسیر مسجد النبی در مدینه صدر اسلام بهترین الگوست. واقعیت آن است که هر چند مساجد امروزی ما پاره ای از شرایط سنتی خود را به ویژه در زمینه امور دینی حفظ کرده اند اما در مجموع به عنوان یک نهاد اثر گذار بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه معاصر مسلمانان اهمیت خود را به صورت فزاینده ای از دست داده اند. (۱۷۷) و تلخ تر این که گرچه در دوران میانه تاریخ اسلام بر حسب آن چه در این نوشتار گذشت تحولات گسترده ای در کارکرد مساجد اتفاق افتاد و مساجد را تا حدود زیادی از جایگاه واقعی خود دور کرد؛ اما باید ادعا کرد که حتی شرایط آن دوره نیز از شرایط مساجد در دوران فعلی بهتر است

و حداقل مساجد دارای اعتبار فراوانی در نزد افکار عمومی مردم بودند. گرچه امروزه با وقوع انقلاب اسلامی ایران و جوشش آن از کانون مساجد جامعه تا حدود زیادی در پیشرفت موقعیت مساجد تلاش شده است. اما هنوز تا رسیدن به مرحله متوسط برای جایگاه واقعی مساجد راه درازی در پیش است و این وظیفه آحاد جامعه و البته به طور خاص متولیان امور مساجد است که با الگو برداری از مساجد صدر اسلام و تطبیق آن با شرایط زمان و مکان بر این مهم جامه عمل ببوشانند. امید است آن چه در این نوشتار آمد که تلاشی در همان راستا بود مقبول در گاه الهی افتد و نیز در مسیر تکامل مساجد جامعه اسلامی ایران و جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد تا شاهد بازگشت مساجد به جایگاه واقعی شان در حکومت اسلامی باشیم. ان شاء الله .

سخن را با سفارش و توصیه مصلح بزرگ جهان اسلام در عصر حاضر و بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ، حضرت امام خمینی (ره) که اگر امروزه فرصت یافته ایم پیرامون جایگاه مسجد در تمدن اسلامی و ضرورت تکامل آن در جامعه اسلامی سخن بگوییم همه از برکت وجود مقدس آن امام عظیم الشان است به پایان می بریم که فرمود: سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

پی نوشتها

۱ تا ۸۰

۱ سوره جن آیه ۱۸

۲ ابن منظور، لسان العرب ، ج ۳ بیروت : دار صادر، ۱۹۹۷ م ، (ص) ۲۴۶.

۳ سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی ، تاج العروس من جواهر القاموس ، ج ۸، بیروت ، دار احیاء التراث العربی

، ۱۹۷۰ م ، (ص) ۱۷۴.

۴ علی اکبر دهخدا، لغت نامه ، ج ۱۳، تهران ، دانشگاه تهران ، ۱۳۳۷، (ص) ۲۰۸۵۲

۵.ر.ک. جان بی ناس ، تاریخ جامع ادیان ، علی اصغر حکمت ، تهران علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۷ (ص) ۵۰۱

۶ احمد بن حسین بیهقی ، السنن الکبری ، ج ۴، بیروت ، دارالفکر، بی تا، (ص) ۳۹۷

۷ حسین مونس پیدایی مساجد سید سعید حسینی ، دو ماهنامه مسجد، ش ۳۷ و ۳۸، محمد رضا امیری تهرانی ، تهران ، مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروردین ، تیر ۷۷، (ص) ۸۰ و ۸۱

۸ لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تمدن .

۹ نور ۳۶

۱۰ جن ۱۸

۱۱ اعراف ۲۹

۱۲ اعراف ۳۱

۱۳ توبه ۱۸

۱۴ توبه ۱۷

۱۵ بقره ۱۱۴

۱۶ حج ۴۰

۱۷ توبه ۱۰۸ و ۱۰۷

۱۸ برای مطالعه بیشتر بنگرید به سیره ابن هشام ، ج ۲، (ص) ۳۳۴.

۱۹ توبه ۱۰۸

۲۰ سید رضی ، نهج البلاغه ، سید جعفر شهیدی ، تهران ، علمی ، و فرهنگی ، ۱۳۷۸، (ص) ۳۸۴، کلمه قصار ۱۳۱

۲۱ ابن هشام ، سیره النبویه ، ج ۲ سید هاشم رسولی ، تهران ، کتابچی ، ۱۳۷۵ و ۳۳۷

٢٢ محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار، ج ٨٤ بی جا: المكتبه الاسلامیه ، ١٣٧٦، (ص) ١٤.

٢٣ همان ، ج ٨٣ (ص) ٣٥١

٢٤ شیخ محمد بن حسن حر عاملی ، وسائل الشعه ج ٥ قم : موسسع ال البيت

٢٥ بحار الانوار، ج ٨٤، (ص) ٦

٢٦ همان ، ج ٨٤ (ص) ١٦.

٢٧ همان .

٢٨ من لایحضره الفقیه ، ج ١، (ص) ٣٥٢

٢٩ همان ، ج ١ (ص) ٣٥٧

٣٠ وسائل الشیعہ ، ج ٥، (ص) ١٩٩

٣١ بحار الانوار،

ج ۸۳، (ص) ۳۷۹ و ۳۸۰

۳۲ کنز العمال، ج ۷ (ص) ۶۵۲

۳۳ پرنده ای به اندازه کبوتر، کنایه از کوچکی

۳۴ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، (ص) ۳۵۴

۳۵ همان، ج ۱، (ص) ۳۵۲

۳۶ وسائل الشیعه، ج ۵، (ص) ۲۲۹

۳۷ همان، ج ۵ (ص) ۲۰۱

۳۸ برای آگاهی از این بیعت بنگرید به سیره ابن هشام، ج ۱، (ص) ۲۸۶

۳۹ غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۸ (صلی الله علیه وآله) ۳۱۹ و ۳۲۰

۴۰ همان (ص) ۳۲۹

۴۱ همان

۴۲ همان، (ص) ۳۳۰

۴۳ پیدایی مساجد، (ص) ۸۱

۴۴ همان

۴۵ همان

۴۶ همان، (ص) ۴۷۷.

۴۷ ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ (ص) ۳۶۴

۴۸ توبه ۱۰۸

۴۹ سیره ابن هشام، ج ۱ (ص) ۳۲۶

۵۱ تاریخ صدر اسلام ، (ص ۳۳۹)

۵۲

۵۳ طبقات الكبرى ، ج ۱ ، (ص ۲۳۰)

۵۴ من لا یحضره الفقیه ، ج ۱ (ص ۳۴۴)

۵۵

۵۶ سیره ابن هشام ، ج ۱ ، (ص ۳۲۷)

۵۷

۵۸ طبقات الكبرى ، ج ۱

۵۹ نهاییه العرب ، ج ۱

۶۰ طبقات الكبرى ، ج ۱

۶۱ سیره ابن هشام ، ج ۱

۶۲ تاریخ صدر اسلام ،

۶۳ طبقات الكبرى ج ۱

۶۴ سیره ابن هشام ، ج ۱

۶۵ همان ، ص ۳۲۹

۶۶ پیدایی مساجد ص ۸۱

۶۷ طبقات الكبرى ، ج ۱ صص ۲۲۶ - ۲۲۵

۶۸ پیدایی مساجد (ص ۸۱)

۶۹ تاریخ یعقوبی ، ج ۲ صص ۵۸ - ۵۹

۷۰ محمد نقی زاده مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، محمد قره چمنی، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷

۷۱ تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۵

۷۲

۷۳ ویل

دورانت ، تاریخ تمدن ج ۴، ابوالقاسم پاینده و...تهران ، آموزش انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۱ت (ص) ۲۷۳

۷۴ جمعه ۹

۷۵ وسائل الشیعه ، ج ۷، ص ۳۸۶

۷۶ همان ، ج ۷، ص ۳۴۷

۷۷

۷۸ السنن الکبری ، ج ۴، ص ۳۹۷

۷۹ همان ، ج ۴ ص ۳۹۹

۸۰ تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۵

۱۷۷۵۸۱

۸۱ زمرد ۹

۸۲ محمد رضا حکیمی ، دانش مسلمین ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۴، ص ۹

۸۳ سید محمد حسین طباطبایی ، شیعه در اسلام ، تهران ، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۷۶ ص ۱۰۱

۸۴ فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص) ۵۴ به نقل از سمهودی ، ج ۲ ص ۳۰۱

۸۵ همان ، ص ۵۲

۸۶ همان ، ص ۵۳

۸۷ همان ، ص ۵۵

۸۸ همان ، به نقل از کتانی ، تراشیب ، ج ۱، ص ۴۰

۸۹ کارنامه اسلام ، ص ۱۴۵

۹۰ فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص) ۵۵

۹۱ طبقات الکبری ، ج ۲ (ص) ۷۴۵

۹۲ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲ (ص) ۲۹۸

۹۳ سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۳۸۲

۹۴ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۴۶

۹۵ پیدایی مساجد، (ص) ۸۳

۹۶ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۲

۹۷ همان، ص ۲۰

۹۸ همان، ص ۵۴

۹۹ همان، ص ۱۴۱

۱۰۰

۱۰۱ سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۳۸۵ - ۳۸۶

۱۰۲ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۴۹

۱۰۳ مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۷۹

۱۰۴ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۰۹

۱۰۵ همان، ص ۳۰۳

۱۰۶ همان، ص ۳۰۱

۱۰۷ همان

۱۰۸ مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۹۱

۱۰۹ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۶۶-۶۵

۱۱۰ همان، ص ۷۱-۷۲

۱۱۱ همان، ص ۳۷

تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۵۸

۱۱۳ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۲۰۷

۱۱۴ بحار الانوار، ج ۸۳ ص ۳۵۷

۱۱۵ طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۲۴۰

۱۱۶ همان ، ص ۲۳۶

۱۱۷ بنا بر روایت دیگری در همین منبع آن صحابی تمیم داری بود.

۱۱۸ طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۲۳۷

۱۱۹ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، (ص) ۴۵۰

۱۲۰ نهج البلاغه ، ص ۴۲۶، کلمه قصار ۳۶۹

۱۲۱ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، (ص) ۱۶۶

۱۲۲ همان، ص ۶۵

۱۲۳ تاریخ سیاسی اسلام ۹۱ ص

۱۲۴ طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۲

۱۲۵ مروج الذهب ، ج ۱ ص ۶۷۷

۱۲۶ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۲۳۸

۱۲۷ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۲۲۴

۱۲۸ مروج الذهب ، ج ۲ ص ۱۳۱ - ۱۳۲

۱۲۹ تاریخ یعقوبی ، ج ۲ ص ۲۳۶

۱۳۰ تاریخ سیاسی اسلام ، ج ۱، ص ۴۹۲

۱۳۱ تحول مسجد در گذر تاریخ ، ص ۴۸

۱۳۲ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، (ص) ۴۵۰

۱۳۳ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۴۶

۱۳۴ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲ ص ۲۹۸ - ۲۹۹

۱۳۵ دانش مسلمین، ص ۸۱

۱۳۶ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۵۱

۱۳۷ همان، ص ۸۹

۱۳۸ همان، ص ۱۵۱

۱۳۹ لغت نامه دهخدا ج ۱۳ ص ۲۰۸۵۴

۱۴۰ عبدالحسین زرینکوب، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، (ص) ۴۰

۱۴۱ درک هیل، اولگ گرابر، معماری و تزئینات اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۵۵

۱۴۲ ارزش میراث صوفیه، ص ۳۳

۱۴۳ همان، (ص) ۷۸

۱۴۴ همان، ص ۷۷

۱۴۵ معماری و تزئینات اسلامی، (ص) ۵۵ - ۵۶

۱۴۶ حین عرفانی دو ماهنامه مسجد،

ش ۳۹، ص ۶۷

۱۴۷ تاریخ اسلام، ص ۱۵۴

۱۴۸ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۲۰۴-۲۰۵

۱۴۹ ر.ک. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱ ص ۴۸۱

۱۵۰ تاریخ اسلام، ص ۱۵۴

۱۵۱ دایره المعارف تشیع ج ۲ ص ۱۵۰

۱۵۲ کارنامه اسلام، ص ۱۴۶

۱۵۳ دایره المعارف تشیع، ج ۲ ص ۱۵۰

۱۵۴ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۱۸

۱۵۵ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۲۳۸

۱۵۶ همان، ص ۳۵۸

۱۵۷ کارنامه اسلام، (ص) ۱۴۸

۱۵۸ همان

۱۵۹ همان

۱۶۰ مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی، ص ۱۳۱

۱۶۱ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ص ۶۷

۱۶۲ همان، ص ۷۰

۱۶۳ همان.

۱۶۴ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران، ص ۶۶

۱۶۵ کارنامه اسلام، ص ۱۴۴

۱۶۶ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ، ص ۶۶

۱۶۷ رحیم نوبهار، معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، ص ۲۴۳

۱۶۸ تاریخ یعقوبی ، ج ۲، ص ۲۷۱

۱۶۹ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ، ص ۲۴۸

۱۷۰ همان ، ص ۲۴۳

۱۷۱ همان

۱۷۲ کارنامه اسلام ، ص ۱۴۴

۱۷۳ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ص ۲۴۲

۱۷۴ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ص ۹۲

۱۷۵ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ، (ص) ۲۵۰

۱۷۶ همان ، ص ۲۵۰ - ۲۵۱

۱۷۷ تحول مسجد در گذر تاریخ (ص) ۴۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

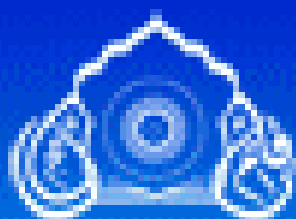
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹